

# «کسوف»

نگاهی به پروژه بولتن سازی بر علیه:

حضرت آیت الله العظمی منتظری

(طی یک دوره ۵ ساله: ۱۳۸۰-۱۳۸۵)

(جلد ۱)



﴿وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا أَنْ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً﴾  
 «و جز این نیست که اکثرشان از گمان پیروی می‌کنند،  
 همانا گمان آنها را به حق نمی‌رساند».

(قرآن کریم)

«هرکس بر ضرر مؤمن داستانی بسراید که او را آبرو برد  
 تا از چشم مردم افتد، خدا او را از دوستی خود به دوستی  
 شیطان براند و شیطان هم او را نپذیرد»

(امام صادق علیه السلام)



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اشاره

جهان، جهان رسانه‌ایست، به حدی که در این دراندشت سر آدم سوت می‌کشد! این همه رسانه که یا گفتاری، شنیداری، دیداری و از همه مهم‌تر نوشتاری‌اند و خواه یا ناخواه افکار عمومی را سمت و سو می‌دهند. این رسانه‌ها گاه دولتی و گاه غیر دولتی هستند اما در این میان گاه رسانه‌هایی متولد می‌شوند که آنان را می‌توان «رسانه‌ای در سایه» نامید. در «سایه» از این جهت که در غالب موارد، از مواهب مادی و معنوی دولت - و کلان‌تر حاکمیت - بهره برده اما در خدمت تنها یک اندیشه، روش و منش هستند؛ از آنها نه می‌توان شکایت کرد و نه تحت نظارت هستند. اخبار آنان گاه از یک منبع و یک اتاق خبر اقتباس می‌شود و گاه اخبارشان سوخته، بی‌اهمیت و تکراری است. بولتن‌ها در چند مشخصه همگون هستند، تحریف زیاد، جراحی و مثله کردن مطالب، انتخاب به دلخواه مطالب با سمت و سوی سیاسی و جناحی و ارائه تحلیل با عنوان «ملاحظه» با هدف القای نتیجه‌گیری خود به مخاطب و سلب هرگونه تحلیل اولیه از سوی کاربران.

بولتن‌ها در اکثر قریب به اتفاق برای افراد تأثیرگذار در جامعه ارسال می‌شود، چون: ائمه جمعه و جماعات، مسؤولان سیاسی امنیتی، برخی از روحانیون و اساتید دانشگاه و... تا خمیرمایه تحلیل‌ها و اظهارنظرات آنان باشد. طبق قاعده، این کاربران باید حتماً در جرگه «خودی» باشند. در غالب موارد، خوانندگان یا از روی عدم انگیزه یا عدم توانایی و دسترسی یا اعتماد کامل، از بررسی صحت و سقم مطالب مندرج، آنها را می‌پذیرند به‌ویژه آنکه شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که بولتن ایشان را مورد سوژه قرار داده، به‌واسطه عدم دسترسی به بولتن از اظهارنظر - در غالب موارد تکذیب - باز می‌مانند.

آیت‌الله العظمی منتظری از شخصیت‌هایی است که در طول سالیان متمادی - علاوه بر رسانه‌های مکشوف - از سوی انبوه بولتن‌های طبقه‌بندی شده!! مورد تعرض قرار گرفته است. «کسوف» قصد دارد فقط به گوشه‌ای از



این فضا سازی‌ها پردازد. در این تحقیق میدانی، یک دوره پنج ساله ۱۳۸۰ - ۱۳۸۵، مورد بررسی قرار گرفته است که به بولتن‌های زیر می‌پردازد:

#### ۱- خبرنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه مدرسین

این بولتن توسط معاونت جامعه و نظام مدیریت سیاسی این تشکل روحانی تهیه و منتشر می‌گردد و مرکز آن در قم می‌باشد. قدمت این تشکل به دهه پنجاه برمی‌گردد، که آیت‌الله منتظری خود از مؤسسان آن محسوب می‌شود و تعدادی از اعضای این جامعه روزگاری از شاگردان ایشان بوده‌اند.

#### ۲- خبرنامه خبری، تحلیلی تیپ ۸۳ امام صادق (ع)

این یگان مستقل از فرماندهی سپاه بوده و زیر نظر مستقیم نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران اداره می‌شود. این بولتن به مدیر مسئولی: عبدالرحیم علی‌زاده، و سردبیری: سید عبدالمجید لطیفی و توسط معاونت سیاسی تیپ اداره می‌شود. این تیپ که مقر آن در قم می‌باشد، با هدف سازماندهی نیروهای پراکنده طلاب و روحانیون رزمی - تبلیغی در زمان جنگ، با نظر مساعد برخی از بزرگان از جمله آیت‌الله منتظری، تأسیس شد؛ پس از اتمام جنگ عملاً وارد فازهای سیاسی شد و بازوی نظامی تندروان جناح محافظه کار در حوزه قرار گرفت. این یگان در برخی مخالفت‌های خیابانی و فیزیکی چون، تحصن بر علیه آقای مهاجرانی (وزیر ارشاد دولت آقای خاتمی) در مسجد اعظم قم، تهاجم به بیت آیت‌الله منتظری، راه اندازی تظاهرات بر علیه آقای آغاچری و برخی تحرکات در مخالفت با اصلاح طلبان و روشنفکران و... در حوزه علمی و سازماندهی طلاب نوعاً مبتدی، نقش به سزایی داشت.

#### ۳- خبرنامه شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی

این تشکل غیرمکشوف پس از دوام خرداد و پس از احساس خطری که می‌کردند، راه اندازی شد که مرکز آن در تهران و به جز صندوق پستی آدرس دیگری از آن در دست نیست، از موضع‌گیری‌های این بولتن به دست می‌آید، علاوه بر تعلق به جناح تندرو محافظه کار، افراد مختلفی از نهادهای قضایی، امنیتی و سیاسی درون حاکمیت در تهیه و حمایت از آن نقش دارند.

روش ما در اینجا ذکر متن خبر مندرج در برخی از بولتن‌ها - از باب مشت نمونه خروار - و سپس بررسی آن از نظر سندی و محتوایی است. امید است این خدمت ناچیز، بتواند زنگارها را زدوده و در بر ملا کردن فضا سازی بر علیه مرجعیت شیعیه، موفق و بتوانیم عمق مظلومیت آیت‌الله منتظری را به تصویر کشیم. «ان شاء الله»

بهار ۱۳۸۶



سرآغاز: تیرماه ۱۳۸۰



● بولتن جامعه مدرسین، ۸۰/۴/۱۸، ش ۷۰۷، ص ۲۲:

«حمایت از منتظری؛ مراسم شهادت شهید محمد منتظری به علت سردادن شعاری انحرافی توسط برخی افراد برگزار نشد. به گزارش خبرنگار ما همزمان با فرارسیدن سالگرد شهادت شهید بهشتی و ۷۲ تن از یاران باوفای وی اطلاعیه‌ای از سوی بیت آقای منتظری مبنی بر برگزاری مراسم شهید آیت‌الله بهشتی و شهید محمد منتظری در سطح شهر قم توزیع شد که طبیعتاً مثل هر سال هیچ مانعی برای انجام این مراسم وجود نداشت. اما عده‌ای ۱۰۰ نفره که از نجف آباد و فعالان سیاسی - که برخی از اعضای حزب ... بودند - ساعتی قبل از اذان مغرب و عشاء با تجمع در کنار بیت آقای منتظری اقدام به سر دادن شعارهای انحرافی کردند... بر اساس این گزارش عده‌ای از افراد دستگیر شده که در میان آنان یک تبعه خارجی به چشم می‌خورد. هم چنین چند مقام دولتی در این مراسم شرکت داشتند».

□ توضیح:

الف: منبع خبری جامعه مدرسین، روزنامه کیهان ۸۰/۴/۱۱ می‌باشد.

ب: اطلاعیه خانواده شهید محمد منتظری در این باره چنین بود:

«دیروز پنجشنبه مصادف با هفتم تیرماه شهر قم یکبار دیگر شاهد هجوم وحشیانه و غیرانسانی نیروهای سپاه پاسداران به مردم بود و این بار به حکم دادسرای ویژه روحانیت، افرادی که از راههای دور و نزدیک برای برگزاری مراسم شهید بزرگوار محمد منتظری آمده بودند ناجوانمردانه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. مراسم یادبود همچون سالهای گذشته به



وسیله اطلاعیه‌هایی در سطح شهر اعلام گردید ولی از ساعت ۵ بعد از ظهر کوچه‌های اطراف محل برگزاری مراسم (منزل شهید محمد) توسط نیروهای سپاه و با حضور نیروهای اطلاعات مسدود گردید و از ورود افراد و حتی بستگان و خویشان نزدیک به منزل شهید جلوگیری به عمل آمد. پس از چند ساعت به دلیل تجمع افراد برخوردارهای خوشونت آمیز و زشت مأمورین، مردم به خشم آمده و با سر دادن شعار «مرجع مظلوم ما آزاد باید گردد» انزجار خود را اعلام نمودند که در این هنگام گارد ضد شورش وارد صحنه گردید و با بیرحمی تمام و با خشونت فراوان با چوب و باطوم به مردم حمله‌ور شدند. شدت تهاجمات به حدی بود که بدون ملاحظه، زن و مرد و بچه‌های کوچک را زیر دست و پا و با باطوم له می‌کردند و صحنه برخورد نیروهای اسرائیلی با فلسطینیان را تداومی می‌نمود. همراه با ضرب و شتم مردم دستگیری‌ها نیز جریان داشت. در میان افرادی که به شدت مضروب و دستگیر شدند، افرادی از جانبازان جنگ تحمیلی از جمله آقای حسنعلی نوریها به چشم می‌خوردند که هنوز آزاد نشده‌اند. پس از آن با آوردن نیروهای به اصطلاح حزب‌الله توسط مینی‌بوس (تقریباً ۲۰ نفر) شروع به دادن شعارهایی در حمایت از ولایت فقیه و رهبری و اهانت به آیت‌الله منتظری نمودند. قابل ذکر است که این نیروها از حمایت و پشتیبانی کامل سپاه پاسداران برخوردار بودند. حملات و دستگیری‌ها تا پاسی از شب ادامه داشت و سرانجام از برگزاری مراسم شهید جلوگیری به عمل آمد و این در حالی بود که مراکز اجرایی شهر (استانداری و فرمانداری) ضمن اظهار تأسف از اینگونه برخوردها اعلام داشتند که سپاه پاسداران هیچگونه حق جلوگیری از برگزاری مراسم را نداشته است. والسلام. خانواده شهید محمد منتظری، ۱۳۸۰/۴/۸».

ج: در همان بولتن به نقل از آقای طالقانی معاون وقت امنیتی استانداری قم - به نقل از روزنامه نوروز ۸۰/۴/۹ - آمده است:

«مداخله دادگاه ویژه روحانیت دلیل عدم برگزاری مراسم شهید منتظری بود. وی با اظهار بی‌اطلاعی از دلایل ارائه شده از سوی این دادگاه گفت که سیاست شورای تأمین استان طبق سنوات گذشته با برگزاری مراسم در منزل شهید موافقت کرده بود».



د: در بولتن وزارت کشور، ۸۰/۴/۱۱، در این باره آمده است:

«جلوگیری از مراسم سالگرد شهید محمد منتظری در قم؛ براساس خبرهای دریافتی، نیروهای امنیتی سپاه، بسیج و نیروی انتظامی ساعتها پیش از برگزاری مراسم هفتم تیر و سالگرد شهادت دکتر بهشتی و محمد منتظری که همه ساله در بیت شهید محمد منتظری برگزار می‌گردید، با مسدود کردن دو طرف کوچه منتهی به بیت نامبرده از رفت و آمد مردم جلوگیری کردند. این مراسم به دعوت قبلی پس از نماز مغرب و عشاء برگزار می‌گردید با ممانعت مأموران مواجه شد و مردمی که جهت حضور در مراسم و به سر دادن شعارهایی با مضمون لا اله الا الله، مرجع مظلوم ما آزاد باید گردد و یا حجة‌ابن‌الحسن ریشه ظلم را بکن، پرداختند: نیروهای امنیتی که مجهز به باطوم و کلاه‌خود بودند به جمعیت حاضر بویژه زنان حمله‌ور شدند، که در نتیجه عده‌ای زخمی و تعدادی نیز دستگیر شدند. ملاحظه: ورود نیروهای انصار حزب‌الله به این مراسم و حمله‌ور شدن آنان به مردم موجب افزایش تشنج و درگیری‌ها گردید. نیروهای انصار هم‌چنین به دادن شعار علیه شرکت‌کنندگان و آیت‌الله منتظری پرداختند. این مراسم همه ساله در بیت شهید محمد منتظری برگزار می‌گردید و جمعیت حاضر پس از سخنرانی و تذکرات برگزارکنندگان به آرامی پراکنده می‌شدند».

□ □ □

● بولتن جامعه مدرسین، ۸۰/۴/۳۱، ش ۷۱۰، ص ۱۴-۱۵:

«نامه سرگشاده جمعیت ایثارگران به رئیس مجلس: بدانید خانواده معظم شهدا، ایثارگران هرگز اجازه نخواهند داد پنجه خون‌آلود باند مخوف مهدی هاشمی و منافقین جدید بر سرنوشت این ملت حاکم گردد. مجلس، مجلس امام و انقلاب است. جمع‌آوری امضا برای دفاع از



مطرو دین امام و انقلاب چه معنایی دارد؟

● همان، ص ۱۶:

«مجمع طلاب و فضلاء قمی حوزه علمیة قم در نامه‌ای خطاب به حجت‌الاسلام کروبی خواستار تذکر به نمایندگان شد. این مجمع در نامه خود به رئیس مجلس شورای اسلامی نوشت: (...) امروز پس از ۲۰ سال مردم سلحشور قم اجازه نخواهند داد که باند منحرف مهدی هاشمی امنیت و آرامش شهر را ملعبه خود قرار دهد. به آقایان محترم تذکر دهید قم بازیچه سیاست کوتوله‌های سیاسی واقع نخواهد شد و هر کس درصدد ایجاد ناامنی و فتنه و آشوب در شهر قم را داشته باشد این بار نیز بایستی فرار را بر قرار ترجیح دهد.

● همان، ص ۱۸:

«اطلاعی‌ای در خصوص خطر مطرح شدن دوباره باند سید مهدی هاشمی و حامیان وی در کشور در جریان برگزاری نماز جمعه قم در بین نمازگران توزیع شده است. در این اطلاعیه بدون نام و نشان خطاب به ملت مسلمان ایران آمده است: دست‌هایی در کار است تا بار دیگر باند سیه‌روی و آدم‌کش مهدی هاشمی و حامیان وی را در کشور زنده کند.»

□ توضیح:

الف: موارد ذکر شده در بولتن جامعه مدرسین از روزنامه رسالت ۸۰/۴/۱۰ و جوان ۸۰/۴/۱۸ و ایران ۸۰/۴/۱۶ نقل شده است.

ب: در کشور ما هنگامی که تصمیم گرفته می‌شود از کاری جلوگیری شود یا حتی انجام شود استفاده از جرایم متعلق به حاکمیت از یک سو و گروه‌های فشار، امری معمول و چون آفتاب روشن است. تمامی فضا سازی که چند نمونه آن ذکر شد همزمان با فعالیت بیش از ۱۱۰ نماینده مجلس بود که با گردآوری امضاء خواستار رفع حصر آیت‌الله منتظری شده بودند. این نامه که با تلاش آقای اعلی نماینده مردم تبریز تهیه و امضاها گردآوری شده بود، می‌باید در صحن علنی مجلس قرائت می‌شد که با قول مساعد آقای کروبی رئیس وقت مجلس شورای



اسلامی جهت پیگیری مفاد نامه در مجلس قرائت نگردید.



● بولتن جامعه مدرسین، ۸۰/۵/۱۶، ش ۷۱۲، ص ۲۵:

«یک مقام آگاه در قم علت پلمپ کردن دفتر احمد منتظری را رفت و آمد افراد مشکوک به این دفتر اعلام کرد. وی به خبرنگار ما گفت: پس از سخنرانی ۱۳ رجب ۷۷ که منجر به تعطیلی دفتر آقای منتظری شد، فرزند وی احمد منتظری اتاقی از منزل مسکونی‌اش را به پایگاهی برای رفت و آمد مراجعه کنندگان تبدیل کرد. این اتاق محلی برای رد و بدل شدن اعلامیه و سایر هماهنگی‌های تشکیلاتی تبدیل شد اما مدتی بعد یک اتاق تبدیل به دو اتاق شد (...) این مقام مطلع افزود: روز یکشنبه هفته گذشته پس از بازرسی، اعلامیه‌های مختلفی از این منزل بدست آمد که طبقه زیر زمین منزل پلمپ شد اما پلمپ را شکستند و طبقه پائین دوباره محل رفت و آمد افراد مشکوک شد. وی در خاتمه افزود: درهای طبقه زیرزمین نیز مسدود شد. این مقام آگاه سپس بازداشت ۴ نفر از اعضای باند مهدی هاشمی در این رابطه را اعلان کرد.» (به نقل از روزنامه کیهان، ۸۰/۴/۳۱).

در همان بولتن آمده است:

«روزنامه لوموند فرانسه از دستگیری چهار تن از نزدیکان آقای منتظری خبر داد. این روزنامه جرم افراد دستگیر شده را فعالیت مخفی علیه امنیت ملی ایران اعلام کرد و آنان به مخالفت خود با جمهوری اسلامی اعتراف کردند.» (به نقل از روزنامه قدس ۸۰/۵/۳).

□ توضیح:

الف: در این شاهکار اطلاع رسانی همین بس که یکی خبر دستگیری را از یک مقام آگاه و دیگری از یک روزنامه فرانسوی نقل می‌کند؛ حال آنکه در آن ماجرا اصلاً کسی دستگیر نشد! ب: در بولتن پیام وزارت کشور، ۸۰/۵/۱، ش ۱۴، در این باره آمده است:



«اظهارات احمد منتظری: رادیو بی بی سی در تاریخ ۸۰/۴/۲۶ گفت: از ایران خبر می‌رسد که دیروز منزل احمد منتظری، فرزند آیت‌الله حسینعلی منتظری روحانی ناراضی، با حکم دادگاه ویژه روحانیت بازرسی و مهر و موم شده‌است. این رادیو افزود: احمد منتظری در نامه‌ای خطاب به خبرگزاری جمهوری اسلامی - ایرنا - نوشته، اعلام کرده که ماموران این دادگاه پس از ضبط بسیاری از اموال، خساراتی را نیز به منزل وارد کردند. بی بی سی در گفت‌وگویی با احمد منتظری، نخست توضیح بیشتری از او خواست که وی گفت: دیروز حکمی از دادگاه ویژه روحانیت به منزل من آوردند که باید آنجا را بازرسی و پلمب کنند که من به این حکم اعتراض کردم و گفتم که افراد معاند به اینجا رفت و آمد نمی‌کنند بلکه طلبه‌ها برای شهریه و افرادی برای دریافت کتاب و سؤالات شرعی مراجعه می‌کنند. وی افزود: من اعتراض کردم و آنجا را ترک کردم و بدون حضور من آنجا بازرسی شد و هر چه از دفتر و حساب و کتاب و وجوهات شرعی بود را جمع کردند و حال ما نمی‌دانیم اگر بخواهیم اقدام کنیم چه کنیم یعنی از دادگاه ویژه روحانیت به خود دادگاه ویژه روحانیت شکایت کنیم که این اصلاً عاقلانه نیست».

ج: مشروح دو نامه حجة الاسلام احمد منتظری به خبرگزاری جمهوری اسلامی:

بسمه تعالی

مدیریت محترم خبرگزاری جمهوری اسلامی دامت توفیقاتهم

پس از سلام به اطلاع می‌رسانم: در روز دوشنبه ۸۰/۴/۲۵ ساعت ۳ بعد از ظهر گروهی ۱۲ نفره به سرپرستی شخصی به نام سیدجعفر سبط احمدی و با حکم دادسرای ویژه روحانیت به منزل اینجانب مراجعه کردند. در حکم نوشته شده بود که چون افراد معاند در طبقه پایین منزل رفت و آمد می‌کنند این محل باید پلمب گردد.

اینجانب با اعتراض به اینکه چون منزل شخصی است و من شرعاً راضی نیستم، محل را ترک کردم. بنابراین ضبط اموال و اشیاء مربوطه بدون حضور اینجانب انجام شد و هیچ‌گونه



صورت جلسه‌ای را من امضا نکردم. اموال مفقود شده عبارتند از:

- ۱- بیش از ۲ میلیون تومان پول نقد مربوط به شهریه طلاب.
- ۲- دفاتر شهریه طلاب (۳ دفتر).
- ۳- دفتر ثبت وجوهات شرعی.
- ۴- دفتر ثبت نماز و روزه استیجاری.
- ۵- مقداری بیانیه‌های حضرت آیت‌الله العظمی منتظری و کتاب واقعاتها و قضاوت‌ها.
- ۶- کمدهای مربوط به دفاتر شهریه و وجوهات شرعی (۳ عدد).
- ۷- گوشی تلفن (۱ عدد).

لازم به ذکر است که این عملیات حدود ۴۵ دقیقه طول کشید. پس از ضبط اموال کلیه دربها و پنجره‌ها و حتی دریچه کولر پلمب گردید.

کلیه این مراحل با عجله و به طور ضربتی صورت گرفت و مامورین قفل دربها و کمدها را شکستند و گوشی‌های آیفون و درباژکن را در حالی که از جا کنده بودند در کنار آن باقی گذاشتند.

خداوند همه را هدایت فرماید. والسلام

۸۰/۴/۲۶، احمد منتظری

رونوشت: سایر خبرگزاری‌ها

بسمه تعالی

مدیریت محترم خبرگزاری جمهوری اسلامی دامت توفیقاتهم

پس از سلام - پیرو نامه مورخ ۸۰/۴/۲۶ اینجانب به آن خبرگزاری مبنی بر ضبط اموال موجود در طبقه پایین منزل اینجانب (از قبیل کمدها - دفاتر شهریه طلاب و دفاتر وجوهات شرعی و بیش از دو میلیون تومان پول نقد مربوط به آنها که در یکی از اتاقها نگهداری می‌شد) و پلمب نمودن دربها و پنجره‌ها و حتی دریچه کولر، ساعت ۲ بعد از ظهر چهارشنبه ۸۰/۴/۲۷ مجدداً شخصی به نام سیدجعفر سبط احمدی با حکم دادگاه ویژه روحانیت مبنی بر مسدود نمودن کامل دربهای طبقه پایین وارد منزل شد. اینجانب اعتراض کردم که طبقه پایین منزل فقط



دفتر آیت‌الله العظمی منتظری نیست بلکه اتاق پذیرایی است و اموال شخصی مانند لباس و رختخواب - یخچال - وسایل آشپزخانه و غیره در طبقه پایین است و از او خواستم از این کار خودداری کند. او گفت اگر تعهد کنی که هیچکس را به عنوان مراجعه کننده دفتر به منزل راه ندهی ما در بها را مسدود نمی‌کنیم. من گفتم شما می‌توانید مأمور بگذارید و افراد را راه ندهید که او قبول نکرد. سپس من گفتم شما به قول خودتان در اینجا افراد معاند رفت و آمد می‌کنند پس باید همه جا را مسدود کنید. ثانیاً من برای نشان دادن حسن نیت تعهد می‌کنم حتی کسانی را که شما به عنوان معاند معرفی کنید به منزل راه ندهم که در اینجا هیچ جوابی نداشت و به مقام بالاتر خود که در کیوسک داخل کوچه مستقر بود مراجعه کرد و پس از یک دقیقه برگشت و دستور جوشکاری و مسدود نمودن کامل در بها را صادر کرد و درب اتاق‌ها به وسیله شبکه‌های آهنی از قبل آماده شده جوشکاری شد.

لازم به ذکر است که از زمان حصر غیرقانونی حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته و تصرف دفتر و حسینیه ایشان - با وجود تضییقاتی برای خانواده - مقلدین و علاقه‌مندان معظم‌له به منزل اینجانب مراجعه می‌نمودند و به مسائل شرعی و وجوهات آنان پاسخ گفته می‌شد. پرداخت شهریه به طلاب و همچنین مساعدت به نیازمندان در همین محل انجام می‌شد. حال تعطیلی این محل چه نفعی برای نظام جمهوری اسلامی خواهد داشت نمی‌دانم.

طی این دو روز گذشته اقشار مختلف مردم مراجعه می‌کنند و چون وضع را این‌گونه دلخراش می‌بینند با تأسف و تأثر شدید برمی‌گردند.

به راستی با یک مرجع تقلید شیعه در هیچ زمانی و در حال حاضر هم در هیچ کشوری چنین برخورد ناشایستی نشده و نمی‌شود. اینها همه در مورد شخصیتی است که از پایه‌گذاران این نظام بوده است و همواره با انتقادات سازنده خود دوست واقعی نظام و انقلاب بوده است. گناه عمده ایشان نزد آقایان این است که هیچگاه بر عیب‌ها و اشکالات سرپوش نگذاشته بلکه با تبیین آنها قصد بهبود اوضاع را داشته و در بیان شفاف نظرات خود و انجام وظیفه الهی امر به معروف و نهی از منکر پیوسته مصالح اسلام و مسلمین را در نظر داشته است. خداوند همه را هدایت فرماید. ان شاء الله.



۱۳۸۰/۴/۲۹، احمد منتظری

رونوشت: سایر خبرگزاری‌ها

□ □ □

● بولتن جامعه مدرسین، ۸۰/۶/۱۵، ش ۷۲۰:

در این شماره از بولتن جامعه مدرسین، طی ۴۹ صفحه به عملکرد آیت‌الله منتظری پس از پایان زندان خانگی می‌پردازد، در اینجا به برخی از مطالب طرح شده آن بولتن می‌پردازیم:

□ □ □

● «آقای منتظری در این پیام [به مناسبت قتل‌های فجیع پائیز ۷۷]

ضمن تعریف و تمجید از داریوش فروهر و همسرش، کشته شدن وی را شهادت مظلومانه!!! دانسته و از خداوند طلب محشور شدن وی را با اولیاءالله خواستار شدند».

□ توضیح:

در پیام آیت‌الله منتظری «خبر ناگوار قتل فجیع و مظلومانه» آمده و عبارت شهادت مظلومانه وجود ندارد و توسط بولتن نویسان اضافه شده است. (دیدگاهها، ج ۱، ص ۶۷).

□ □ □

● «آقای منتظری در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا پس از گذشت

دو دهه از انقلاب اسلامی به اهداف خود رسیده است؟ ابراز می‌دارد: اصل انقلاب اسلامی اقدامی غیر قابل انکار، ولی مردم که با هماهنگی همه طبقات یکپارچه انقلاب کردند به همه خواسته‌های خود دست نیافتند، و لذا برخی بی‌تفاوت شده و کنار رفتند. ظاهراً آقای منتظری راهپیمایی‌ها و حمایت‌هایی که مردم در طول انقلاب به مناسبت‌های مختلف صورت می‌پذیرد را همکاری و روی صحنه بودن مردم نمی‌دانند».

□ توضیح:

الف: مطالب فوق به دلخواه و مثله شده انتخاب شده است، اصل عبارت چنین است:



«اصل انقلاب اسلامی اقدامی است اصیل، عظیم، باشکوه و غیر قابل انکار، ولی متأسفانه در رسیدن به اهداف موعود به طور کامل موفق نبوده، و مردمی هم که با هماهنگی همه طبقات و یکپارچه انقلاب کردند به همه خواسته‌های خود دست نیافتند، و لذا برخی بی تفاوت شده و کنار رفتند». (دیدگاهها، ج ۱، ص ۷۷).

ب: ایراد بولتن به اظهارات آیت‌الله منتظری خالی از اشکال نیست چون ایشان تظاهرات خیابانی را به عنوان حمایت همه‌جانبه از عملکرها محسوب نکرده است. وجود آرای خاموش و معنی دار در بسیاری از انتخابات نشان از پیام خاص مردم در این زمینه دارد.



● «همچنین آیت‌الله منتظری یکی از دلایل انقلاب و قیام مردم علیه رژیم طاغوت را وجود گروههای فشار، خشونت و ارباب می‌داند و تلویحاً بیان می‌دارند که در ایران هم این گروهها وجود دارند».

□ توضیح:

الف: جملات فوق مطابق با متن نیست و تحریف شده است. عبارت اصلی چنین است: «مردم ما در آغاز انقلاب در شعارهای خود می‌گفتند: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، در زمان شاه نفت ما به قیمت خوب فروخته می‌شد و پول ما نیز در جهان ارزش داشت، ولی چیزی که مردم را رنج می‌داد و آنان را به سوی انقلاب سوق می‌داد استبداد شاهانه و اختناق، قانون شکنی، فشار ساواک، سلب آزادیها و غارتگریها و فساد اجتماعی بود، مردم در برابر این خصلت‌ها برای کسب آزادی، عدالت اجتماعی، رفع تبعیضات و تشکیل جمهوری اسلامی یعنی حکومتی مردمی توأم با موازین اسلامی قیام کردند؛ در نظر مردم استبداد استبداد است، خواه از ناحیه شاه باشد خواه از ناحیه روحانیت. مردمی که شعارشان «جمهوری اسلامی» بود معلوم بود حاکمیت اسلام را پذیرفته‌اند و مقصودشان از آزادی، آزادی بیان و اظهار نظر در مسائل سیاسی و اجتماعی در چهارچوب مقررات آمیخته به محبت و عاطفه اسلامی می‌باشد، نه آزادی جنسی و اشاعه فحشا و بالآخره مردم می‌دیدند رسانه‌های گروهی بخصوص رادیو و تلویزیون در انحصار گروهی خاص می‌باشد و اختناق در



جامعه حکم فرماست، لذا برای نجات از این وضعیت به انقلاب روی آوردند». (دیدگاهها، ج ۱، ص ۷۹).

ب: آیت‌الله منتظری، وجود گروههای فشار را یکی از علل انقلاب نمی‌داند بلکه از مظاهر بی‌قانونی و علل شکست رژیم دانسته است:

«یکی از مظاهر بی‌قانونی در رژیم گذشته که در شکست رژیم نقش به‌سزایی داشت ایجاد گروههای فشار و جو خشونت و ارباب بود». (همان، ص ۸۰)

ج: اینکه در حال حاضر هم این گروهها هستند یا خیر؟ گفته‌اند:

«متأسفانه این شیوه غلط و ضد قانونی در جمهوری اسلامی توسط عده‌ای معمول شده و با استفاده از گروههای شبه نظامی و افراد خام به اسامی مختلف به دانشگاهها، روزنامه‌ها... و حتی به نماز جمعه‌ها و بزرگان حمله می‌کنند و امنیت جامعه را سلب و کشور اسلامی را در جهان زیر سؤال می‌برند و متأسفانه برخی از نیروهای انتظامی و اطلاعات به جای مقابله با آنان، یا با آنان همکاری و یا در برابر آنان سکوت می‌کنند». (دیدگاهها، ج ۱، ص ۸۰)

د: جالب اینکه آیت‌الله منتظری نوشته‌اند: «گروههای فشار به نماز جمعه حمله می‌کنند» اما بولتن سازان با تحریف آورده‌اند «از نماز جمعه حمله می‌کنند».



● «و در ادامه حوزه علمیه را هم مورد اهانت و توهین قرار داده و اظهار می‌دارند: و متأسفانه حوزه علمیه قم که باید محل اجتهاد و معنویت و الگو برای جامعه باشد نیز گرفتار این بلای خانمان سوز شده است».

□ توضیح:

خبری که آیت‌الله منتظری از وجود گروههای فشار و خشونت طلب در حوزه داده چون مصادیق بسیاری در حوزه دارد، نمی‌تواند توهین و اهانت به حوزه باشد مگر اینکه توهین و اهانت به «گروههای فشار» باشد که قطعاً آنها چون از باب وظیفه‌شان حملات فیزیکی داشته‌اند خود را مورد توهین و اهانت نمی‌دانند. چون خود را موظف به حملات فیزیکی می‌دانند.

اگر نبود حملات سازمان یافته به بیت آیت‌الله منتظری پس از سخنرانی ۲۳ آبان ۷۶ و





اشغال حسینی و دفتر ایشان - که حتی مورد اعتراض برخی بزرگان حوزه قرار گرفت - که از سوی برخی از مدارس علمیه با حمایت برخی نهادهای حکومتی انجام شد، و اگر نبود برخی فشارهای دیگر چون حمله به آقای سید هادی خامنه‌ای در سال ۱۳۷۶ در مسجد محمدیه و حتی حمله بخشی از طلاب به حسینی در ارایش گنابادی و حتی تشنج و برهم زدن سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی توسط برخی از طلاب مؤسسه امام خمینی - تحت اشراف آقای مصباح یزدی - و موارد دیگر؛ شاید در آنچه بولتن نویسان مبنی بر اتهام و توهین به حوزه گفته‌اند تأمل می‌کردیم!



● «آیت الله منتظری می‌گویند: در قانون اساسی اولیه نظارت

استصوابی هیچ گاه مطرح نبوده و کسی آنرا در نظر نداشته است، و این تفسیر نسبت به این اصل صددرصد تفسیر به رأی می‌باشد».

توضیح؛

این جمله با حذف صدر و ذیل نظر ایشان در این باره و به دلخواه انتخاب شده است و اصل پاراگراف مربوط به نظارت استصوابی و نقد آن است. ایشان فرموده‌اند: «تصویب کنندگان اصل ۹۹ که یکی از آنان خود من هستم. و هیچ‌گاه هنگام تصویب این اصل به این گونه نظارت استصوابی که مبنای عمل آقایان می‌باشد نظر نداشتیم. با مراجعه به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی، جلد ۲، صفحه ۹۶۵ راجع به این اصل و تصویب آن در جلد ۳، صفحه ۱۷۶۲ روشن می‌گردد که نظارت استصوابی...».



● «آقای منتظری به حادثة کوی دانشگاه اشاره می‌نماید که با مجوز

شرعی این کارها صورت می‌گیرد».

توضیح؛

الف: جمله آیت الله منتظری در این باره چنین است:

«من نمی‌دانم به چه مجوز شرعی بعضی از آقایان گروههایی را تحریک می‌نمایند که بندگان خدا را به بهانه اینکه با آنان هم فکر نیستند مورد شتم و اهانت و ضرب و جرح قرار دهند و یا



گروهها را تشویق و یا از آنان دفاع می‌نمایند؟!». (دیدگاهها، همان، ص ۱۵)

ب: از جمله فوق که حالت استفهام انکاری است، بدست می‌آید که آیت الله منتظری تهاجم به دانشجویان بی دفاع را شرعی نمی‌داند. برخلاف آنچه که بولتن سازان جامعه مدرسین نوشته‌اند به هیچ وجه از این جمله برداشت نمی‌شود که ایشان اعتقاد دارد این عمل با مجوز شرعی بوده است. به نظر می‌رسد در میان بولتن سازان جامعه مدرسین یا غیر طلبه‌ها هستند یا اگر طلبه‌اند درس «استفهام انکاری» را خوب نخوانده‌اند!!



● «در پاسخ به سوالات کتبی خبرگزاری رویترز و روزنامه گاردین

آقای منتظری گفته است: کلمه «مطلقه» در اصل قانون اساسی نبود و در بازنگری به آن اضافه شده است که جمع بسیاری به آن رأی ندادند».

توضیح؛

مطلب فوق عین واقعیت است و در قانون اساسی اولیه لفظ «مطلقه» نبود و در سال ۱۳۶۸ در ماجرای بازنگری اضافه شد و بیش از ۵۰ درصد به آن رأی نداده‌اند. بنابر این در جمله فوق اشکالی وجود ندارد.



● «آقای منتظری گفته است: تجربه ۲۰ ساله (انتخاب رهبر توسط

خبرگان) خیلی موفق نبوده و برای اکثریت ملت که اساس حکومت می‌باشند مورد تردید و ابهام است».

توضیح؛

جمله فوق که مدعای ایشان است به تمامی نقل نشده و در ذیل خود ۴ دلیل دارد که کاملاً تحریف شده است. (رک: دیدگاهها، همان، ص ۱۵۶-۱۵۷).



● به نقل از آیت الله منتظری آمده است: «همه انتظارات و توقعات

جامعه متوجه او (رئیس جمهور) می‌باشد و سیل نامه‌ها و درخواست‌ها و



شکایت‌ها به طرف او سرازیر و در برابر همه مسئولیت دارد ولی نهاد و نیروها (قدرت) در اختیار مقام رهبری است و هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد».

توضیح؛

الف: صدر و ذیل جمله فوق حذف شده است. در سطر پایانی پاسخ آمده است: «...ولی نهادها و نیروها در اختیار مقام رهبری است که به گفته برخی از آقایان، فوق قانون است و هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد». (همان، ص ۱۵۸)

ب: مطلب فوق بر اساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی است که علیرغم مسئولیت اجرایی رئیس جمهور فاقد ابزارهای قدرت، اما رهبری که مجری نیست واجد تمام ابزار قدرت! این مطلب نظری و انتقادی است.



● در بولتن به نقل از ایشان آمده: «ولایت فقیهی که از حضرت امام شروع گشت دوام نخواهد داشت زیرا کل شیئی تجاوز عن حده انقلب الی ضده».

توضیح؛

جمله فوق جراحی شده و اصل عبارت چنین است:

«ولایت مطلقه فقیه و اینکه ولی فقیه فراقانونی است و در همه کارها بدون چون و چرا می‌تواند دخالت کند و حتی حق قانون‌گذاری نیز دارد در فرهنگ ملت و جهان عین استبداد است و حکومت استبدادی در جهان امروز قابل دوام نیست و اصرار بر آن علاوه بر اینکه موجب نارضایتی عمومی است زمینه نظارت فقیه بر روند اجرا و اداره کشور را نیز از بین می‌برد؛ و در نتیجه ولایت فقیهی که از حضرت امام شروع گشت...».



● بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «بالاخره آنچه از عملکرد این دادگاه به دست می‌آید این است که هر چند به بهانه اصلاح و تطهیر روحانیت تاسیس شده ولی در پشت آن اهداف سیاسی وجود داشته و ابزاری برای سرکوب مخالفین سیاسی است».



توضیح؛

الف: دو سطر فوق نتیجه‌گیری آیت الله منتظری از حدود ۳۳ سطر مطلب در مورد دادگاه ویژه و تاریخچه آن است. (دیدگاهها، همان، ص ۲۱۵-۲۱۶)، که تنها دو سطر پایانی ذکر شده تا در مخاطب بدون توجه به دلایل، تأثیر گذار باشد.

ب: و آنچه که ذکر شده مثله شده و هم ذیل آن نقل نشده است. اصل عبارت چنین است: «آنچه از عملکرد این دادگاه در مراحل سه‌گانه آن به دست آمد این است که هرچند به بهانه اصلاح و تطهیر روحانیت تاسیس شده ولی در پشت آن اهداف سیاسی وجود داشته و ابزاری برای سرکوب مخالفین سیاسی بوده است؛ وگرنه افراد به ظاهر روحانی که متهم به فساد مالی یا اخلاقی می‌باشند چه لزومی دارد که برای محاکمه آنان دادگاه مستقلی وجود داشته باشد؟! آنان همچون سایر مردم در دادگستری محاکمه می‌شدند، چنین افرادی احترام ویژه‌ای ندارند تا برای آنان امتیاز قائل شویم و بفرض لازم باشد دادگاه جدا داشته باشند، چرا جزو تشکیلات دادگستری نباشد؟!». (همان، ص ۲۱۷)



● «آقای منتظری ضمن تشکر از نشریه وزین!! پیام هاجر پاسخی را برای نشریه ارسال می‌دارند که متأسفانه ضمن توهین به مقام معظم رهبری...».

توضیح؛

ما اصل عبارت ایشان را می‌آوریم تا مشخص شود چنین برداشت القایی درست است یا خیر:

«فساد این مصوبه و مخالفت آن با عقل و منطق به حدی واضح است که هر شنونده را به تعجب وادار، بودجه کشور مال ملت و مجلس نماینده ملت است. چگونه نمایندگان ملت حق دارند میلیاردها تومان از بودجه کشور و مال ملت را به مصرف نهادهای مربوط به مقام رهبری برسانند ولی حق ندارند کار و روش آنان را زیر نظر داشته باشند و جلوی خودسریهای آنان را بگیرند؟! «ان هذا لشیء عجاب» تصویب کنندگان



این مصوبه دانسته یا ندانسته مقام رهبری را در نظر ملت یک مقام مستبد خودسر معرفی کرده‌اند، به گونه‌ای که حتی نهادهای مربوط به او نیز انتقادپذیر نیستند، در صورتی که با فرض اینکه خود رهبر هرچند با واسطه منتخب ملت است و قدرت و اختیارات او از ناحیه ملت می‌باشد طبعاً خود او نیز باید انتقادپذیر و در برابر ملت و نمایندگان آنان پاسخگو باشد تا چه رسد به نهادهای زیر نظر او». (همان، ص ۲۴۵).

□□□

● «متأسفانه ایشان در این مصاحبه [ با رایو فرانسه ] توقف مطبوعات را نسنجیده و شتابزده دانسته و مقام معظم رهبری را مورد حمله قرار داده است».

□ توضیح؛

عبارت فوق برداشت سطحی بولتن سازان است که با هدف القا به مخاطب، چنین شده است؛ اصل عبارت چنین است:

«در کشوری که متعهد به قانون است توقیف مطبوعات آبرومند با شتاب و عجله و عدم طی مراحل قانونی کار درستی نیست، به ویژه اینکه غالب متصدیان و نویسندگان مطبوعات افراد مخلص و متعهد و با سابقه در انقلاب اسلامی می‌باشند و تعبیر از آنان در گفتارها به «دشمن» یا «قلم‌به‌دستان مزدور» تهمت است ناروا و گناهی است بزرگ. مجرد اینکه اینان در برخی مسائل سیاسی یا اقتصادی برخلاف برخی مسئولین فکر می‌کنند مجوز این همه برخوردهای تند نمی‌شود. متأسفانه این برخوردها به نام اسلام و دین انجام می‌شود و طبعاً به عقاید اسلامی نسل جوان ضربه سنگین می‌زند و پایه‌های انقلاب اسلامی را سست می‌نماید». (همان، ۲۴۹ - ۲۵۰)

ب: مهم‌ترین دلیل بر شتاب زده بودن توقیف مطبوعات در سال ۷۹ - که شامل ۱۰۰ نشریه می‌شد - این است که با گذشت ۶ سال هنوز تکلیف برخی از آنها مشخص نیست، گذشته از این که بسیاری از آنها تبرئه شده‌اند.

□□□



● نقل دیگر بولتن از آیت الله منتظری: «بر خلاف میل مسؤولین است که به بهانه‌های واهی و از جمله به بهانه احتمال دخالت دشمنان در آنها (مطبوعات) تعطیل شدند و می‌شوند ... آقایان مایلند بر کشور سکوت گورستانی حاکم باشد و هیچ نحو تذکر و انتقادی در بین نباشد».

□ توضیح؛

با حذف صدر، میان و ذیل عبارت بدترین خیانت صورت گرفته است، به گونه‌ای که پاراگراف اول تا نقطه چین کاملاً بی معنی است و با آنچه آیت الله منتظری گفته‌اند متفاوت است؛ اصل عبارت چنین است:

«مفاد اصل بیست و چهارم قانون اساسی آزادی نشریات و مطبوعات است مگر اینکه منحل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد؛ ولی عملاً نشریاتی که توجیه‌کننده رفتار مسؤولین باشند آزادند، ولی نشریات انتقادی و نشریاتی که حاکی از خواسته‌های ملت یا متضمن اخباری باشد که برخلاف میل مسؤولین است به بهانه‌های واهی و از جمله به بهانه احتمال دخالت دشمنان در آنها تعطیل شدند و می‌شوند. در صورتی که حکومت باید جلوی دشمنان احتمالی را بگیرد، نه اینکه بی‌جهت بندگان خدا را متهم نمایند و جلوی مطبوعات ملی را بگیرند. همان‌گونه که قبلاً هم گفتم هیچ‌گاه جلوی شبکه آبرسانی را که حیات ملت به آن وابسته است به بهانه اینکه ممکن است دشمن آن را مسموم نماید نمی‌گیرند. آقایان مایل‌اند بر کشور سکوت گورستانی حاکم باشد و هیچ نحو تذکر و انتقادی در بین نباشد. شعار ملت ایران در آغاز انقلاب سه رکن داشت: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی». (دیدگاهها، همان، ص ۲۷۷).

□□□

● «آقای منتظری (...) دچار تناقض‌گویی در این مصاحبه (بانشریه چشم‌انداز ایران) شده و در یک جا عامل اصلی در تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را حضرت امام (ره) دانسته و در جای دیگری آیت الله محمد یزدی را عامل آن می‌داند».

سپس بولتن نویسان با هدف به تصویر کشیدن این تناقض‌گویی نوشته‌اند:



« نگاه اول؛ امام مایل بودند با انجام تحول در اندیشه و بافت شورای نگهبان [...] ولی با نظر شیخ محمد یزدی و شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ این مجمع تصویب و تشکیل گردید که ایشان گفته بودند: شورای نگهبان حق مصلحت اندیشی ندارد. نگاه دوم؛ به دلیل اختلاف شدید بین مجلس و شورای نگهبان در دهه اول جنگ، مرحوم امام (ره) به ناچار به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام روی آوردند.»

□ توضیح؛

پس از بررسی متن اصلی مشخص شد اولاً مطلب نگاه اول در متن وجود ندارد، بلکه در عبارات سؤال کننده یعنی آقای میثمی مدیر مسئول نشریه چشم انداز ایران آمده است، و ثانیاً اصلاً چنین مطلبی با ترتیب ذکر شده در آن نشریه هم وجود ندارد و کاملاً بولتن سازان از جیب خود خرج کرده اند!

نقل یک عبارت آن هم با دو اشتباه فاحش ما را به یاد خاطره ای از یک بسیجی انداخت. او به طنز می گفت: من یک آیه از قرآن بیش نمی دانم آن هم «النظافة من الایمان»، یعنی در کارهایتان نظم داشته باشید! خدایش رحمت کند جنازه اش پس از مدت ها یافت شد. اصل عبارت پرسش کننده چنین است:

«در رابطه با ضرورت شکل گیری مجمع تشخیص مصلحت، امام (ره) طی نامه ای در تاریخ ۶۶/۱۱/۱۷ به سران سه قوه به این نکته اشاره می کنند که این مجمع برای حل اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می باشد. با این حال در ذیل همین نامه می گویند: «اعضای این شورا (نگهبان) باید قبل از این مصلحت نظام را در نظر بگیرند»، که می تواند به این معنا باشد که امام مایل بوده اند با انجام تحول در اندیشه و بافت شورای نگهبان، مصلحت نظام در خود این مجموعه در نظر گرفته شود و کار به تشکیل نهادی به اسم مجمع تشخیص مصلحت نکشد؛ در حالی که آقای شیخ محمد یزدی در شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ می گوید: «شورای نگهبان حق مصلحت اندیشی ندارد». (صورت مشروح شورای بازنگری، ص ۸۳۸، ج ۲). پرسش این است که با توجه به ویژگی های قانون اساسی آیا شورای نگهبان ماهیتاً می تواند محل تشخیص مصلحت باشد، به گونه ای که در تطبیق مصوبات مجلس با



قانون اساسی و شرع، عنصر مصلحت لحاظ گردد؟». (همان، ص ۲۸۰)



● نقل بولتن نظر آیت الله منتظری را در باره حکم آقای یوسفی اشکوری:

«باید گفت که سؤال غیراز انکار ضروری دین است... به علاوه انکار ضروری دین به تنهایی موجب کفر و ارتداد نیست مگر اینکه طرف بداند که چیزی جزء دین است.»

□ توضیح؛

با اینکه حکم مسأله مهمی چون اعدام مطرح است آیا نباید بولتنی که متعلق به یک تشکل روحانی است، آن را به طور کامل نقل کند؟! اصل عبارت که توسط اصحاب بولتن مثله شده است، چنین است:

«اینکه ایشان از علما و فقهای اسلامی راجع به مسائلی سؤال کرده اند که آیا قابل تغییر هستند یا نه، باید گفت که سؤال غیر از انکار ضروری دین است. ما اگر راه سؤال و پرسش را سدّ نماییم سؤالها در دلها به صورت عقده و شک باقی می ماند، و با شک و تردید هیچ گاه ایمان و اعتقاد حاصل نمی شود؛ افراد بایستی مشکلات و سؤالات خود را بپرسند تا شک آنان برطرف شود. به علاوه انکار ضروری دین به تنهایی موجب کفر و ارتداد نیست، مگر اینکه طرف بداند که چیزی جزو دین است به گونه ای که انکار آن به انکار توحید و رسالت برگردد. مرحوم آیت الله خمینی (ره) در کتاب طهارت خویش (ج ۳، ص ۳۲۸) می فرماید: «اگر می دانیم کسی اجمالاً به اصول دین و آنچه پیامبر ﷺ آورده اعتقاد دارد لیکن برای او شبهه شده و خیال نمود که نماز و حج در اول اسلام واجب بوده اند نه در زمان ما، نمی توانیم او را غیرمسلمان به حساب آوریم؛ زیرا اسلام شهادت به توحید و رسالت است.» در صورتی که واجب بودن نماز و حج از مسأله حجاب بسیار واضح تر است. گذشته از همه اینها ارتداد وقتی موجب اعدام است که با جحود و عناد و جبهه گیری در برابر حق ملازم باشد، و مجرد شک و تردید موجب اعدام نیست بلکه عقوبتی در پی ندارد و جای راهنمایی و ارشاد است.» (همان، ۳۱۶)



● «آقای منتظری که موقعیت را مناسب دیده ضمن تعریف و تمجید از خود، مصاحبه با رادیوهای خارجی را حق طبیعی و وظیفه شرعی خود دانسته که بتواند نظرات و صدای حق طلبانه خود را به گوش همگان برساند. و در ادامه ضمن مقایسه حکومت ایران با رژیم سابق در پاسخ سؤال - که چرا با رسانه‌های خارجی مصاحبه و گفتگو می‌نمایید - خود را با حضرت امام مقایسه نموده است».

□ توضیح؛

الف: عبارت نقل شده توسط بولتن با متن اصلی مطابقت ندارد و تنها عبارتی که از آن تعریف و تمجید برداشت شده این است:

«اینجانب به لحاظ وظیفه اسلامی و نقش مؤثری که در اصل انقلاب و تأسیس نظام داشته‌ام».

راستی آیت الله منتظری با آن سابقه درخشان حق ندارد تا این حد هم از خود تعریف کند؟ گویا برخی انقلابیون بعد از انقلاب که برخی هم از اعضای جامعه مدرسین اند، فقط حق دارند از سابقه نداشته یا غیر مؤثر خویش سخن بگویند!

ب: اینکه ایشان معتقد است - با توجه به بایکوت شدید خبری در باره انعکاس نظرات ایشان توسط رسانه‌های داخلی - حق دارد که از باب ضرورت از رسانه‌های خارجی بهره برد مطلب مهم و دارای توجیه منطقی است که مجال دیگری می‌طلبد، اما اینکه ایشان آن را «وظیفه شرعی» بدانند در عبارات ایشان از نظر متنی و حتی محتوایی وجود ندارد و تنها گفته‌اند: «خود را عقلاً و شرعاً موظف می‌دانم که نظر و اعتراض خود را اعلام نمایم».

ب: آیت الله منتظری در پاسخ به پرسشی مبنی بر علت مصاحبه با رسانه‌های خارجی از جهت حلی و نقضی پاسخ داده است:

«اینجانب به لحاظ وظیفه اسلامی و نقش مؤثری که در اصل انقلاب و تأسیس نظام داشته‌ام نمی‌توانم نسبت به برخی انحرافات و مظالمی که بسا اصل نظام و حتی اسلام عزیز را در بین ملت - به‌ویژه نسل جدید - مخدوش می‌کند بی‌تفاوت و تماشاگر باشم و خود را عقلاً و شرعاً



موظف می‌دانم که نظر و اعتراض خویش را اعلام نمایم. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که بسیاری از روزنامه‌هایی را که حتی نامی از من می‌برند یکباره و به‌طور فله‌ای تعطیل کردند و کار را به جایی رساندند که هیچ روزنامه‌ای جرأت نکند کلمه‌ای از من منتشر نماید در صورتی که برخی نشریات وابسته بیش از ده سال است که از هر گونه اهانت و هتاک و اشاعه دروغ و تهمت نسبت به اینجانب و شاگردان و وابستگان به من دریغ نکرده‌اند؛ و هیچ‌گاه برای ما امکان دفاع - که حداقل حق هر انسانی است - فراهم نبوده است.

با چنین بایکوت و تحریم مطلق آیا آقایان به اینجانب حق نمی‌دهند که ولو از باب «الضرورات تبيح المحظورات» نظریات و صدای حق طلبانه خود را با استفاده از وسائل ممکن اعلام نمایم؟! شما توجه دارید که در رژیم گذشته نسبت به رهبر فقید انقلاب نیز به همین شیوه عمل می‌شد و ایشان به‌ویژه در پاریس ناچار بودند نظریات خودشان را به وسیله رسانه‌های خارجی و از طریق مصاحبه با آنها منعکس نمایند، آیا مدیران آن رسانه‌ها از قبیل سلمان و ابوذر بودند؟! به علاوه بسیاری از مسئولین و شخصیت‌های فعلی کشور نیز با اینکه رسانه‌ها و نشریات داخلی را در اختیار دارند با رسانه‌های خارجی نیز مصاحبه می‌نمایند. ضمناً متصدیان این قبیل خفقانها و بایکوتها بدانند که سیاست ظالمانه و غلط آنان سبب شده است که مردم اعتمادشان از رسانه‌های داخلی سلب و به رسانه‌های خارجی بیشتر توجه نمایند» (همان، ص ۳۲۶)

جالب اینجاست که حتی برخی در حال حاضر و با در دست داشتن رسانه‌های داخلی و ملی حق دارند با رسانه‌های خارجی مصاحبه کنند ولی آنکه از همه دستش کوتاه است، حق ندارد!



● «بعد از مطالعه و بررسی کتاب خاطرات می‌توان دریافت که مطالب این خاطرات بسیار دو پهلو و به دور از حقایق بوده و مؤلف هیچ شاهی بر مدعای خود ارائه نکرده، لذا تنها شاهد بر این ادعاها خود آقای منتظری است و بس».

□ توضیح؛



الف: صرف ادعا در باره دو پهلو بودن مطالب خاطرات کافی نیست، مواردی را هم که مطرح کرده بودند و خواهند کرد پاسخ دادیم.

ب: در باره ادعای مستند نبودن خاطرات، محض اطلاع بولتنی هاعرض می‌کنیم که در جلد دوم این کتاب ۱۵۹۹ صفحه‌ای بیش از ۲۵۵ سند پیوستی وجود دارد که حدود ۸۰۰ صفحه را به خود اختصاص داده‌است اسنادی منحصر به فرد و غیر قابل انکار.

ج: بولتن سازان معتقد هستند: «تنها شاهد مطالب ادعا شده در خاطرات خود آقای منتظری است و بس»؛ علاوه بر اینکه در خاطرات اسناد غیر قابل انکاری وجود دارد، با این حال با بولتن سازان موافق هستیم که اگر اسنادی هم ذکر نمی‌شد اعتبار شخص خاطره‌گو برای ما کفایت می‌کرد. بر همین مبنا مشاهده می‌کنیم که مرکز اسناد انقلاب در تولید انبوه چه از نظر عنوان و چه از نظر شمارگان، مبادرت به اخذ خاطرات افراد می‌کنند بدون اینکه از آنها مطالبه شاهد، سند، یا مدرکی نمایند و تنها وثاقت‌گوینده را کافی می‌دانند.

د: بولتن سازان - چون اکثر منتقدان آیت الله منتظری - تعریف و تمجید برخی از رسانه‌های خارجی از خاطرات آیت الله منتظری را موجب وهن و ضعف خاطرات می‌دانند، اما در این رابطه ذکر چند نکته مهم لازم است:

۱- درست است که رسانه‌ها اعم از داخلی و خارجی همگی به دنبال منافع خود هستند، اما این نتیجه‌گیری کلی که تمجید آنها نقطه ضعف محسوب می‌شود نمی‌تواند کلیت داشته باشد، چون علاوه بر اینکه آنها با همین شگرد به دنبال ایجاد اختلاف هستند، ما مشاهده می‌کنیم که برخی از موفقیت‌های ما در زمینه‌های گوناگون را پوشش می‌دهند و از ما تعریف و تمجید می‌کنند مثلاً در باب مبارزه با مواد مخدر و کشف آن ما را موفق‌ترین می‌دانند، بنابر نظریه آقایان پس از این به بعد ما به خودمان شک می‌کنیم و نه تنها با مواد مخدر مبارزه نمی‌کنیم بلکه خودمان تولید و مصرف می‌کنیم! یا حالا که از ما به واسطه «نهضت سواد آموزی» تقدیر می‌کنند زین پس «نهضت بی سواد» راه می‌اندازیم! یا اینکه برخی از آنها پیشنهاد اخیر بلند پایه‌ترین مقام نظام با عنوان «اوپیک گازی» تعریف و تمجید کردند!...



● «آقای منتظری در کتاب خاطراتش تلاش فراوانی به عمل آورده تا



نامه ۶۸/۱/۶ حضرت امام (ره) را جعلی جلوه داده و در این راه از هیچ کوششی فروگذار ننموده حتی نسبت دروغ‌گویی به حضرت امام (ره) داده است. در این رابطه در صفحه ۶۶۴ می‌خوانیم: اشکال دیگری که به این نامه هست همان‌گونه که گفتیم گذشته از دست خط، اضطراب متن آن است. به عنوان مثال در این نامه آمده است که از اول با نخست‌وزیری مهندس بازرگان و رئیس جمهوری بنی صدر مخالف بودم در حال که این حرف درست نیست و امام نه تنها با آنان مخالف نبودند بلکه از آنان حمایت هم می‌کردند».

□ توضیح؛

الف: نامه ۶۸/۱/۶ در زمان امام خمینی اجازه انتشار نیافت اما پس از سخنرانی ۱۳ رجب - ۲۳ آبان ۷۶ - آیت الله منتظری با دو متن متفاوت پخش گردید. مؤسسه نشر آثار امام خمینی یکی را غیر اصلی معرفی و دیگری را در صحیفه امام، جلد ۲۱ صفحه ۳۳۰ به چاپ رساند. ب: آنچه که در این نامه درباره آیت الله منتظری و موضع امام خمینی آمده در تعارض شدید بانامه ۶۸/۱/۸ خطاب به آیت الله منتظری است. همچنین همین تعارض درباره آقای بازرگان و بنی صدر وجود دارد که اسناد حمایت امام خمینی از این دو در صحیفه امام خمینی محفوظ است. در اینجا امر دائر است بین ارائه تصویری دوگانه از امام خمینی آن هم به این شدت؛ یا اینکه برای صیانت از اعتبار ایشان در برابر تاریخ، با قرائن ثابت کنیم که این نامه نمی‌تواند از امام صادر شده باشد. هنگامی عزم بر این راهکار جزم می‌شود که در این نامه از قسم جلاله «والله» استفاده شده است. (به مصاحبه آقای هاشمی با شبکه سوم سیما برنامه فوق العاده که همزمان با بیست و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب پخش شد، مراجعه شود تا حمایت شدید امام از بنی صدر بهتر مشخص شود).

ج: براساس نامه ۶۸/۱/۶ امام (ره) با قائم مقامی آیت الله منتظری مخالف بوده است. اگر این نامه مستند باشد این سؤال مطرح می‌شود که پس چرا برای امر به این مهمی و همزمان با انتخاب ایشان نه تنها ابراز مخالفتی صورت نمی‌گرفت بلکه ارجاعات فقهی و سیاسی به ایشان پس از قائم مقامی از سوی امام خمینی بیشتر می‌شود؟! آقای جنتی که در خبرگان انتخاب‌کننده



قائم مقام رهبری حضور داشته است اعتقاد دارد:

«حدس من این بود - که به آن اطمینان داشتم - این است که ایشان در این کار دلخوشی نداشتند و از این قضیه خوشحال نبودند. به هر حال خبرگان این اقدام را انجام دادند و امام نفی نکردند که چرا این کار را کردند» (مجله، حکومت اسلامی، سال ۱۱، شماره سوم، ص ۱۰۷)

در اینجا آیت الله جنتی مشخص نمی‌فرماید که این اعتقاد ایشان به مخالفت امام، چرا امروز مطرح می‌شود که دیگر کار از کار گذشته است و چرا همان روزها ایشان چنین اعتقادی را مطرح نکردند تا حداقل درباره آن از سوی خبرگان تحقیق صورت گیرد؟! اما برخی از اعضای خبرگان وقت که بیشتر از آقای جنتی ارتباط با امام داشته‌اند و نقش اساسی در اجرای اصل ۱۰۷ قانون اساسی و انتخاب قائم مقام رهبری داشته‌اند قطعاً بهتر می‌توانند جوّ آنروز را به تصویر کشند.

آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ این پرسش که: آیا بهتر نبود خبرگان در مسأله قائم مقامی حداقل از امام کسب نظر می‌کردند؟ چون امام بعداً فرمودند: من مخالف بودم؟ می‌گوید: «شاید!» [۱] فرموده باشند من موافق نبودم، ایشان می‌دانستند که ما بنا داریم این کار را انجام بدهیم و اگر به ما می‌گفتند «این کار را نکنید» ما هم انجام نمی‌دادیم.

سپس آقای هاشمی در پاسخ به این سؤال که: آیا برداشتتان این بود که امام با این مسأله موافق هستند؟ می‌گوید:

«فکر می‌کردیم امام موافق هستند. چون اولاً: امام احتیاطاتشان را به آقای منتظری ارجاع داده بودند. ثانیاً: امام بعضی از اختیاراتشان را به ایشان داده و محول کرده بودند. ایشان عملاً در بعضی از موارد قائم مقام بود، یعنی عمل می‌کرد و ما هم می‌دانستیم که امام به آقای منتظری اعتماد دارند. پیش قدمی این موضوع هم با حاج احمد آقا و من بود. شرط مرجعیت هم که در قانون اساسی آمده بود، ارجاع احتیاطات امام به ایشان را واجد شرط کرده بود». (همان، شماره دوم، ص ۳۴)

یکی از نکات مهم اظهارات آقای هاشمی اینکه: با وجود اطلاع ایشان از نامه ۶/۱/۶۸ و این جمله «والله من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم» با تردید به آن نگریسته و می‌گوید:



«شاید فرموده باشند من موافق نبودم!»

وانگهی، بنابر گفته آقای هاشمی احمد آقا هم در این ماجرا پیش قدم بوده است؛ به طور قطع با توجه به موقعیت خاص ایشان نزد امام به طور قطع اگر مخالفت ضمنی از امام مشاهده می‌شد، احمد آقای خمینی متوجه می‌شد و آن را منتقل می‌کرد. (بحث در این باره در این مختصر نمی‌گنجد).



● «آقای منتظری هم متأسفانه توهین و اهانت‌هایی را به آیت الله مصباح یزدی داشته‌اند که رادیوهای بیگانه هم بهره‌های بسیاری از این اهانت‌ها نمودند. آقای منتظری درباره نظرات آیت الله مصباح یزدی اظهار می‌دارند:

«... (تعبیرات آقای مصباح) قضاوتی است ظالمانه و بر خلاف عقل و

شرع».

□ توضیح؛

آنچه اصحاب بولتن نقل کرده‌اند نه صدر مطلب است نه ذیل آن و به طور کامل ناقص است. پرسش و پاسخ چنین است: «آیت الله مصباح یزدی در نماز جمعه دیروز گفتند روشنفکران دینی و ملی مذهبی‌ها علی‌رغم اعتقاد به خداوند و توحید او، از آنجا که در اوامر خداوند چون و چرا می‌کنند همچون ابلیس‌اند و «هر حکمی که برای ابلیس جایز است باید برای اینها نیز قائل بود». پرسش: همسان شمردن روشنفکران دینی و افراد ملی مذهبی با ابلیس از نظر جناب‌عالی از نظر دینی قابل قبول است؟ پرسش: مجازات ابلیس طرد و سنگسار است، آیا سخنان آیت الله مصباح یزدی را می‌توان به عنوان فتوای قتل علیه روشنفکران دینی و افراد ملی مذهبی تلقی کرد؟

پاسخ پرسش اول: گفته ایشان هیچ قابل پذیرش نیست، ایشان متأسفانه به محض اینکه بسا یک فرد ناآگاه در یک مورد تعبیر ناروایی داشته باشد همه آزادیخواهان متعهد را با سابقه خوب و درخشانی که در دفاع از اسلام و انقلاب داشته‌اند به تهمتهای ناروا متهم می‌نماید، و طبعاً احکام ناعادلانه دادگاه انقلاب را در حق آنان تأیید می‌کند؛ در صورتی که در دین مقدس



اسلام و سیره پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) این قبیل محاکمات سیاسی به منظور تصفیه حسابهای شخصی یا گروهی وجود ندارد. این قبیل محاکمات سیاسی در رژیم سابق نیز وجود داشت و همه ما آنها را محکوم می‌کردیم، و چون فعلاً به نام اسلام انجام می‌شود موجب دین‌گریزی ملت خواهد بود.

پاسخ پرسش دوم: اگر ایشان در تعبیراتشان چنین قصدی داشته باشند قضاوتی است ظالمانه و برخلاف عقل و شرع، این‌گونه قضاوتهاست که دین را کانون خشونت معرفی می‌کند و نسل جوان را از دین بیزار می‌نماید». (دیدگاهها، همان، ص ۳۴۳ - ۳۴۴).



### ● بولتن سازان جامعه مدرسین ضمن اشاره به مصاحبه کتبی آیت الله

منتظری با روزنامه داچ هلند در تاریخ ۷۹/۱۲/۲۰ از قول ایشان آورده‌اند:

«نه ایشان(امام) و نه طرفداران ایشان تجربه حکومت داشته و نه موازین و مقررات دینی متناسب بوده و نه متصدیان و کادر مجهری بوده است و این باعث گردیده که فرصت طلبان و طالبان جاه و مقام از فرصت استفاده نمایند و از طرفی شخص امام هر چند مرد پاک و مخلص بود لیکن در امور اجرایی اشراف نداشته و با اخبار ضد و نقیض مواجه بوده و در اواخر عمر جداً مریض بودند و دیگران بیت ایشان را اداره می‌کردند و همه اینها موجب بروز ضایعات فراوانی در نظام شد».

□ توضیح؛

عبارت ذکر شده سلاخی شده، با حذف صدر، ذیل و میان بدون اینکه با نطقه چین مشخص شود جمله حذف شده دارد. نقل شده و موجب اضطراب در متن شده است ما هم مجبوریم عبارت را گرچه طولانی است نقل نماییم:

«انقلاب اسلامی هنگامی به پیروزی رسید که نه ایشان و طرفداران ایشان تجربه حکومت داشتند، و نه موازین و مقررات حکومت دینی متناسب با زمان و شرایط جهان تبیین شده بود، نه به متصدیان گذشته اعتماد داشتند و نه خود کادر مجهری را در رشته‌های مورد نیاز تربیت



کرده بودند. از باب نمونه حداقل به هزار قاضی مجتهد عادل عاقل کارآزموده دلسوز و مهربان نیاز داشتیم که ده نفر واجد شرایط نیز نداشتیم. و در این میان کسانی کارها را در دست گرفتند که هرچند مسلمان و دارای روحیه انقلابی بودند ولی به موازین اسلامی و حقوق انسانها آشنا نبودند و بسا در بسیاری از دلها عقده‌های فراوانی نسبت به متصدیان سابق وجود داشت. و از طرف دیگر گروههای فرصت طلب و طالب مقام با عضوگیریهای سریع وارد میدان عمل شدند و برای قبضه نمودن قدرت دست به تندرویها و فعالیت‌های مسلحانه زدند و طبعاً زمینه ساز عکس العمل افراد ناآزموده و قضات ناوارد احساساتی شدند، و شخص آیت الله خمینی هرچند مرد پاک و مخلص بود لیکن بر همه امور و جزئیات اشراف نداشتند و بسا با گزارشهای ضد و نقیض مواجه می‌شدند، و در اواخر جداً مریض بودند و دیگران بیت ایشان را اداره می‌کردند، و همه این امور موجب بروز ضایعات فراوانی شد. و بالاخره حکومت اسلامی ساده مبتنی بر اقامه قسط و عدل و احقاق حقوق همه طبقات جامعه و عفو و گذشت عملاً از مسیر اصلی خود منحرف شد و متأسفانه همان روش غلط الگو شده و هنوز ادامه دارد؛ که البته گناه این انحرافات را نباید به حساب اسلام یا اصل ولایت فقیه گذاشت، بلکه به حساب عدم تجربه و عدم تربیت کادر لازم و جهالت‌ها و سوءمدیریت‌ها و انحصارطلبی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها و عدم مشورت در امور و احاله کارهای مهم به افراد ناوارد تازه کار باید گذاشت». (دیدگاهها، همان، ۳۸۳)



● «آقای منتظری کینه خود از مقام معظم رهبری را فراموش نداشته و می‌گویند: و بالاخره حکومت اسلامی و مبتنی بر اقامه اعتدال، قسط و عدل و... و عفو و گذشت عملاً از مسیر خود منحرف شد و هنوز ادامه دارد، که البته گناه این انحرافات را نباید به حساب اسلام و یا اصل ولایت فقیه گذاشت بلکه به حساب جهالت و انحصارطلبی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها و عدم مشورت در امور و احاله کارهای مهم به افراد ناوارد تازه کار باید گذاشت».

□ توضیح؛

علیرغم نقل اشتباه یا حذف عبارات چه نشانه‌ای از کینه ورزی در همین عبارات مثله شده





وجود دارد و اصلاً چه نوع کینه‌ای در آیت‌الله منتظری نسبت به رهبر می‌تواند وجود داشته باشد!



● «در پایان یقیناً نتیجه‌ای که می‌توان از مطالب این جزوه (ویژه نامه بولتن جامعه مدرسین ش ۷۲۰) به دست آورد همان نتیجه‌ای است که در نشست گروهک منافقین در ایتالیا گرفته شده است که «حساب منتظری با بقیه آخوندها سواست. در این جلسه گروهک منافقین در یکی از پایگاههای خود در رم ضمن تمجید از آقای منتظری به خاطر سوابقش در زمان شاه که به مدت زیادی زندانی بوده و ندامت ننوشته و در دوران اعدامها، شجاعت اعتراض نسبت به اعدامها و تجاوز به زنان باردار داشته، باعث شده تشکیلات نسبت به وی، میان او و بقیه آخوندها تفاوت قائل شود. همچنین مسئولین تشکیلاتی منافقین در پاسخ به سؤالی که آیا احتمال دارد منتظری به عنوان عضو شورا در آید عنوان می‌دارد: آقای منتظری از پایگاه علمی در حوزه بر خوردار است و هر چند ما شعار نه شیخ نه شاه را دادیم اما درب شورا به روی ایشان باز است.»

□ توضیح؛

الف: جملات فوق در بولتن جامعه مدرسین به استناد جزوه «پیچک انحراف» در قالب «نمایشگاه مجاهدت‌های خاموش وزارت اطلاعات» است؛ این نمایشگاه در سال ۱۳۷۷ به ابتکار آقای دری نجف‌آبادی وزیر وقت اطلاعات دولت اصلاحات شهر به شهر می‌گشت.

ب: در سیستم‌های اطلاعاتی بستن یک کیس، بر اساس برخی داده‌ها و سازه‌ها، امری طبیعی است چه از کشوری با حاکمیت اسلامی و چه لائیک! پیش فرض این است: «در بیت آیت‌الله منتظری منافقان نفوذ کرده‌اند»، فایل‌های این کیس، «نیوفولدرهای ساختگی» دارند که نیاز به فایل‌های پشتیبان دارند و کیس ما خود به خود چنین توانی را ندارد، پس خود دست به کار می‌شویم، به کسی هم که قرار نیست آدرس دقیق بدهیم - چون جو را آنقدر امنیتی می‌کنیم که کسی جرات ندارد قبول نکند! و همه باید ما را موثق بدانند!



ج: خبر مذکور از چند نظر مشکل دارد؛ یکی اینکه: بنا بر خبر ذکر شده، در جزوه وزارت اطلاعات، مجاهدین خلق در رُم پایتخت ایتالیا پایگاه دارند، حال آنکه تنها جایی که به آنها پایگاه داده شد، عراق بود، آن هم برای اینکه از آنان برای حمله به ایران در زمان جنگ بهره برند و تا بحال هیچ دولت اروپایی به جز اعطای پناهندگی سیاسی، حاضر نشده به آنها حتی مکان ثابتی برای میتینگ‌ها بدهند، چه اینکه پایگاه نظامی در اختیار آنها قرار دهند. دوّم اینکه: در جزوه وزارت اطلاعات آمده است: وی [رئیس گروه رجوی در رُم] در حین سخنرانی از لفظ «آقا» برای آقای منتظری استفاده می‌نمود. این شگرد خوبی است چون آیت‌الله منتظری چه در زمان امام چه پس از آن به این عنوان معروف شده بود و سازندگان خبر به این نکته اشراف داشته‌اند به همین دلیل از این شگرد برای تخریب ایشان استفاده کرده‌اند و الا سازندگان خبر به خوبی می‌دانند آیت‌الله منتظری از دهه پنجاه در زندان بر سر بحث تغییر ایدئولوژی و به تبع آن پاک‌ی و نجسی، با مجاهدین چالشی عمیق داشته‌اند. سازندگان خبر خوب می‌دانند فرزند آیت‌الله منتظری به دست همین جماعت به شهادت رسید و... باین اوصاف چه کسی ممکن است بدون تأمل زیر بار این اخبار جعلی برود! آیا در میان کارشناسان سیستم امنیتی ما فرد مستقل و منصفی نیست که بگوید: مجاهدین به دنبال ایجاد اختلاف هستند و چون ما روی تحلیل‌های آنان حساب باز می‌کنیم، و برخی از کج فهم‌های داخلی را به اشتباه می‌اندازد، پس شروع به تعریف و تمجید می‌کنند تا نیروهای اصیل انقلاب را به جان هم انداخته و به کمک خودمان ریشه‌ها را بزنند! اگر کارشناسان امنیتی از این موضوع ظریف غافل باشند بی شک بولتن سازان جامعه مدرسین در دام نیرنگ مجاهدین خواهند افتاد آن هم به طریق اولی!



سپس بولتن ویژه جامعه مدرسین با عنوان «عملکرد و مواضع آیت‌الله منتظری پس از حصر» جدول‌هایی را بر اساس موضوع بندی رسم کرده که حاوی مطالب مثله و تحریف شده و گاه بی ربط به مواضع ایشان است که ما تنها به چند نمونه از آنها اشاره و نتایج بررسی را با عنوان توضیح خواهیم آورد:



● **بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «امام در اداره حکومت ضعف داشت».**

توضیح؛

چنین مطلبی از ناحیه آیت الله منتظری گفته نشده است و با اصل، مطابقت و همخوانی ندارد، اصل عبارت چنین است:

«انقلاب اسلامی هنگامی به پیروزی رسید که نه ایشان و طرفداران ایشان تجربه حکومت داشتند، و نه موازین و مقررات حکومت دینی متناسب با زمان و شرایط جهان تبیین شده بود، نه به متصدیان گذشته اعتماد داشتند و نه خود کادر مجهری را در رشته‌های مورد نیاز تربیت کرده بودند. از باب نمونه حداقل به هزار قاضی مجتهد عادل عاقل کارآزموده دلسوز و مهربان نیاز داشتیم که ده نفر واجد شرایط نیز نداشتیم. و در این میان کسانی کارها را در دست گرفتند که هرچند مسلمان و دارای روحیه انقلابی بودند ولی به موازین اسلامی و حقوق انسانها آشنا نبودند و بسا در بسیاری از دلها عقده‌های فراوانی نسبت به متصدیان سابق وجود داشت. و از طرف دیگر گروههای فرصت طلب و طالب مقام با عضوگیریهای سریع وارد میدان عمل شدند و برای قبضه نمودن قدرت دست به تندرویها و فعالیت‌های مسلحانه زدند و طبعاً زمینه ساز عکس العمل افراد ناآزموده و قضات ناوارد احساساتی شدند، و شخص آیت الله خمینی هرچند مرد پاک و مخلص بود لیکن بر همه امور و جزئیات اشراف نداشتند و بسا با گزارشهای ضد و نقیض مواجه می شدند، و در اواخر جداً مریض بودند و دیگران بیت ایشان را اداره می کردند، و همه این امور موجب بروز ضایعات فراوانی شد.» (دیدگاهها، همان، ص ۳۸۳).



● **بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «امام تیر خلاصی به ارتش زد».**

توضیح؛

چنین جمله‌ای با این لحن وجود ندارد. اصل مطلب از نامه‌ای گرفته شده که ایشان به امام خمینی در تاریخ ۶۴/۷/۱۶ نوشته است:



«در مورد حکم اخیر حضرتعالی به تاسیس قوای سه گانه در سپاه، به نظر می رسد در شرایط جنگی و آمادگی، بسیاری از افراد ارتش برای اخلال و فرار و عصیان این تصمیم بسا عوارض نامطلوبی را به دنبال داشته باشد. از اول ممکن بود ارتش را بتدریج و بدون سروصدا تصفیه و با سرمایه گذاری فکری و تربیتی جاذب و صحیح (نه با این سیاسی عقیدتی فعلی) اصلاح و آماده کرد و به افراد جوان و فعال آن آموزشهای دینی و انقلابی داد، با حفظ بافت و نظامی که از مزایای ارتش است، ولی متاسفانه همه تشویق و تقدیرها متوجه سپاه با همه خطبازیهها و جنگهای سیاسی موجود در آن شد، و ارتش روز به روز تحقیر شده، و حکم اخیر حضرتعالی علاوه بر مشکلات اقتصادی آن و نداشتن ارز کافی و تجربه پنجاه ساله به منزله تیر خلاصی بود که آخرین امید ارتش را از جمهوری اسلامی قطع نمود، و فعلا در این شرایط سخت نه ارتش دلگرم داریم نه سپاه قوی.» (خاطرات، ص ۵۸۰)



● **بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «امام عامل جنگ بود».**

توضیح؛

انتساب فوق به آیت الله منتظری کاملاً دروغ و خلاف واقع است و چنین عبارتی نه با خاطرات همخوانی دارد نه مطابقت. اصل ماجرا در باره گفتگوی ایشان با بنی صدر است: «به او گفتیم (همراه آقای طاهری اصفهانی): «آخر این چه وضعی است! چرا جلوی عراقیهها را نمی گیرید؟ شما که می دیدید صدام دارد رجز می خواند چرا مرز را سنگر بندی نکردید و آماده نشدید؟» آقای بنی صدر گفت: «همه اینها تقصیر آقای خمینی است، ایشان می گفت صدام جرات نمی کند به ایران حمله کند!» گفتیم: «این چه حرفی است که می زنید، امام کجا چنین حرفی گفته اند، چرا تقصیر را می خواهی به گردن ایشان بیندازی؟» (خاطرات، ص ۵۶۹)



● **بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «امام مستوجب آتش جهنم است»!!!**

توضیح؛

این عبارت به دلخواه و با شگرد حذف عبارات و از گفتگوی آیت الله منتظری با مرحوم



حاج سیداحمد خمینی اخذ شده است:

« شبی آقای محتشمی از اراک برگشته بود و شب نماز مغرب و عشا را در منزل با من خواندند و من راجع به تعویض بعضی از استناداران اعتراض کردم و به ایشان گفتم: مردم به ولایت فقیه رای دادند نه به ولایت حاج احمدآقا؛ تا اینکه در جریان قضایای سیدمهدی، روزی که حاج احمدآقا نزد من آمدند و ملاقاتی سه ساعته با من داشتند و در حقیقت از من بازجویی می کردند از جمله گفتند: شما به آقای محتشمی گفته اید مردم به ولایت فقیه رای داده اند نه به ولایت احمدآقا، و باز می گفت: شما به آقای خامنه ای هم گفته اید من حاضریم با امام تالاب جهنم بروم ولی حاضر نیستم به جهنم بروم - معلوم شد هر دو نفر صحبت مرا منتقل کرده اند! - من به احمدآقا گفتم: واضح است که مردم به ولایت فقیه رای دادند نه به ولایت شما؛ احمدآقا گفت: آیا امام می خواهند جهنم بروند؟ من گفتم: ایشان نمی خواهند جهنم بروند ولی این کارها که در زندانها به نام امام انجام می شود به عقیده من جهنم دارد و من نمی توانم روی آنها صحه بگذارم». (خاطرات، ص ۵۳۴ - ۵۳۵)



● **بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «امام از دروغ خوشش می آمد».**

توضیح؛

عبارت ذکر شده غیر واقعی است اصل عبارت خاطرات چنین است:  
«به یاد دارم فردای آن روز (۶۸/۱/۶) در همان بحران آقای (...). به من گفت: شما که زندگی خودتان را وقف امام کرده اید الان هم چون ایشان نوشته اند اداره منزل شما در اختیار منافقین است شما این را قبول کنید و بنویسید که حرف امام زمین نخورد و در راه ایشان فداکاری کرده باشید! من از این پیشنهاد خیلی تعجب کردم؛ من حرف دروغ و تهمت را به خود بخرم تا حرف ناصحیح دیگری زمین نخورد، این چه منطقی است؟»



● **بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «اظهار ندامت امام در برخورد با منتظری».**

توضیح؛



چنین مطلبی با این صراحت در اظهارات آیت الله منتظری وجود ندارد، در خاطرات آمده است:

«سؤال: شنیده شده است که آقای توسلی که در دفتر امام می باشند مرحوم امام را در خواب می بینند که ایشان با ناراحتی به آقای توسلی می گویند: «بروید قم و مساله مرا با آقای منتظری حل کنید»، آیا این موضوع صحت دارد؟»

جواب: این خواب خیلی مشهور بود و همه جا آن را نقل می کردند، از جمله مرحوم حاج غلامرضا قدیری برای من این موضوع را نقل کرد و گفت که آقای توسلی این خواب را برای حاج احمدآقا نقل می کند و او می گوید: «تو خواب دیده ای و به تو گفته اند، برو حل کن، به من که نگفته اند». (همان، ص ۷۴۷)



● **بولتن به نقل از آیت الله منتظری: «وقتی امام می گویند در سیاست دخالت نکن یعنی دین نداشته باش».**

توضیح؛

عبارت نقل شده گرچه تا حدی همخوانی دارد اما مثله شده است. ایشان در مقام نقد محتوایی نامه ۶۸/۱/۶ اعتقاد دارد:

«در این نامه به من نوشته شده: «در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید!» در حالی که: اولاً: ایشان در بحث نماز جمعه از تحریرالوسیله - مساله ۹ - نوشته اند: «فمن توهم ان الدین منفک عن السیاسه فهو جاهل لم يعرف الاسلام و لا السیاسه (...). هرکس توهم کند که دین از سیاست جداست او جاهل است، نه اسلام را شناخته و نه سیاست را». بنابراین اگر ایشان به کسی بنویسد در سیاست دخالت نکن بدین معناست که به کسی بگوید دین نداشته باش. چهارتا بیچه سیوطی خوان ساکن یک مدرسه در قم با یک نام عوضی که روی آنان گذاشته اند حق دارند در سیاست دخالت کنند و حوزه علمیه قم را با عظمتی که داشت بازیچه سیاستهای غلط خود قرار دهند، و من که چهل سال است در متن سیاست هستم با همه سوابق مبارزاتی که دارم حق ندارم در سیاست دخالت کنم؟! «ان هذا لشیء عجاب!» (همان، ص ۶۶۵)





● بولتن به نقل از آیت‌الله منتظری: «خاتمی محرک طلاب در شرکت

نکردن درس منتظری».

□ توضیح؛

چنین مطلبی در خاطرات وجود ندارد، و توسط بولتن سازان، با هدف ایجاد اختلاف، ساخته شده است.



● بولتن به نقل از آیت‌الله منتظری: «عامل حمله به بیت منتظری

آیت‌الله جوادی آملی»!

□ توضیح؛

نقل فوق، نه مطابقت با اصل دارد، نه همخوانی و تنها برداشت اصحاب بولتن است که با هدف ایجاد اختلاف و القاء مطالب کذب به مخاطب ساخته و پرداخته شده است. در اصل عبارت سخن از «محرک» به میان آمده است نه «عامل»:

«گروه‌های متشکل از بچه‌های هتاک و بی‌باک و خرابکار را از اصفهان و تهران و جاهای دیگر جمع‌آوری کردند و به زور و تهدید برخی محصلین و شاگردان بیگناه مدارس را نیز اغفال کردند و یک راهپیمایی از طلاب جوان و محصلین و گروه‌های فشار به راه انداختند و به بازار هم فشار آوردند تعطیل شود، هرچند بازاریها مقاومت کردند. راهپیمایی را به طرف مسجد اعظم هدایت کردند و پس از سخنرانی تحریک‌آمیز آقای جوادی آملی، جمعیت را به طرف حسینیه شهدا و دفتر و بیت من سرازیر کردند، و تعدادی از آنان که کاملاً سازماندهی شده بودند با شکستن دربها و قفلها حسینیه را اشغال کردند و هرچه توانستند از اشیای حسینیه و دفتر شکستند و پاره کردند و غارت نمودند و حتی قرآن‌ها و کتب ادعیه و کتب علمی را نیز پاره کردند و حدود سه هزار عدد نوار کاست و ویدئویی از فقه و نهج‌البلاغه و اصول کافی را با خود بردند و جمعی از فضلا و طلاب را که در دفتر مشغول نماز جماعت ظهر و عصر بودند پس از کتک‌زدن و هتاک‌ها بازداشت نمودند». (همان، ص ۷۷۵).



● ادعای دیگر بولتن جامعه مدرسین: «دفاع منتظری از منافقین».



□ توضیح؛

بنابر آدرسی که بولتن نویسان داده‌اند به خاطرات آیت‌الله منتظری مراجعه کردیم اینکه از عبارت زیر چنین برداشتی می‌شود یا خیر؟! قضاوت با خوانندگان:

«...هر قاضی طبق برداشت و نظر خود به یک شکل حکم می‌کرد، قضات بسیار بی‌تجربه بودند، مثلاً یک پرونده را پیش من آوردند که قاضی زیر آن نوشته بود: «بسم‌الله‌لرحمن‌الرحیم، اعدام» حالا برای چی اعدام! چه کسی اعدام؟! اینکه علت و دلیل حکم را بنویسد به جای خود، حتی اسم متهم را ننوشته بود، فقط خودش زیر آن امضا کرده بود، خوب با این حکم می‌شود هر کس را گرفت اعدام کرد! خلاصه وضع قضایی به این شکل بود، افراد را تندتند می‌گرفتند و هر کسی را که می‌گرفتند بعضی افراد و جریانها تظاهرات و سروصدا می‌کردند که اعدام باید گردد!

آقای حاج سید جعفر کریمی به من می‌گفت من یک پرونده را دیدم که یک قاضی به او شش ماه زندان داده بود و پرونده مشابه آن را دیدم که قاضی دیگر آن را به اعدام محکوم کرده بود. ناهماهنگی تا این حد بود!

من یک وقت در همان زمانها در اطراف نجف‌آباد بودم آمدند به من گفتند دونفر حکم اعدام آنها صادر شده است، یکی دختر خواهر آقای حاج تقی رجایی، دختر سیزده‌ساله‌ای که من خانواده او را به خوبی می‌شناختم و از افراد متدین نجف‌آباد بودند، و دیگر آقای لسانی که با مرحوم محمد ما خیلی رفیق بود و از افراد فعال انقلابی بود، گفتند مجاهدین خلق اینها را تحت تأثیر قرار داده‌اند و با آنها همکاری داشته‌اند و لذا به اعدام محکوم شده‌اند.

بالاخره آمدند گفتند این دونفر محکوم به اعدام شده‌اند، گفتم جرم اینها چه بوده؟ گفتند به آن دختر سیزده‌ساله در زندان گفته‌اند: «مگر امام را قبول نداری که این حرفها را می‌زنی؟» و او هم روی همان غرور نوجوانی گفته بوده: نه، من امام را هم قبول ندارم؛ خوب در جدل و جر و بحث این حرفها پیش می‌آید. یک روز من به مرحوم امام گفتم: «اگر فرضاً کسی بگوید من از مسعود رجوی خوشم می‌آید و از آخوند جماعت حتی آقای خمینی خوشم نمی‌آید ولی با سیاست کار ندارم و می‌خواهم به کسب و کار مشغول باشم، و می‌دانیم راست می‌گوید آیا باید او را زندانی کرد؟! ایشان فرمودند: «نه، چرا او را زندانی کنیم؟» و بالاخره از من انتظار داشتند



که برای پیشگیری از اعدام آن دونفر اقدامی انجام دهم؛ من فکر نمی‌کردم که آنها را به همان زودی بخواهند اعدام کنند، چون در زمان سابق اگر کسی را می‌خواستند اعدام کنند، دادگاه اول، دادگاه دوم، حق فرجام‌خواهی، دیوان عالی کشور و گاهی تا شخص شاه امضا نمی‌کرد کسی را اعدام نمی‌کردند. در ذهن من این بود که فرصت هست و ما بعداً مساله را پیگیری می‌کنیم؛ فردای همان روز آمدند گفتند: «آن دونفر را دیشب اعدام کرده‌اند!» من خیلی تعجب کردم، خدا شاهد است همان طور خشکم زد!» (همان، ص ۵۱۹-۵۲۰)



### ● ادعای بولتن: «حمایت منتظری از یکی از رؤسای ساواک».

□□□ توضیح؛

مطلب مورد ذکر در بولتن در باره مقدم رئیس ساواک است؛ بدون تردید ذکر جهات مثبت دیگران چه ساواکی و چه غیر آن به معنی حمایت از آنان نیست، اصل مطلب چنین است: «نصیری یک خصوصیتی داشت مقدم یک جور خصوصیات دیگری، مقدم خودش می‌گفت من سابقاً طلبه بوده‌ام، از صحبت‌هایش هم پیدا بود که مقداری درس طلبگی خوانده، یک عرق مذهبی هم داشت، با کمونیست‌ها خیلی بد بود و برای روحانیت احترام قائل بود؛ یک داستان را آقای قاضی خرم‌آبادی نقل می‌کرد و می‌گفت: «قبل از انقلاب که من در خرم‌آباد بودم یکی از علمای لرستان که نفوذ محلی هم داشت مقداری در رابطه با ترویج از امام و مسائل انقلاب فعالیت می‌کرد و با ما همراه بود، ساواک لرستان از طریق شنود تلفن‌های او کشف کرده بود که گویا با زنی مربوط است او را صیغه کرده یا بنا بوده صیغه کند، خلاصه ساواک خرم‌آباد برای مقدم که رئیس ساواک بود گزارش کرده بود که این سوژه خوبی است و ما می‌توانیم با افشای این قضیه آبروی فلانی را ببریم، مقدم گفته بود نه این کار را نکنید، برای اینکه اصل روحانیت که محفوظ باشد ما مردم را حفظ کرده‌ایم، اگر در امور دینی بدبینی در جامعه درست شود این به ضرر است و باعث می‌شود که مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در منطقه تقویت شوند» بالاخره بعضی از آنها که افراد فهمیده‌ای بودند روی این مسائل حساب می‌کردند، خود مقدم در زندان هم که با ما صحبت می‌کرد می‌گفت: من با مشی نصیری و پاکروان مخالفم؛ ولی بالاخره آقای خلخالی مقدم را نیز اعدام کرد». (همان، ص ۴۱۷-۴۱۸)



● بولتن جامعه مدرسین، ۳۱ / ۴ / ۸۰، ش ۷۱۰، ص ۱۵-۱۶:

«بر اساس اعترافات تعدادی از متهمان دستگیر شده اخیر، اکثر فعالیت‌های مسؤولین نهضت آزادی با اشاره و هماهنگی مستقیم آقای منتظری صورت می‌گرفته است به نحوی که یکی از متهمان اظهار داشته است که رابطه ما با ایشان رابطه یک مرجع تقلید یا یک رهبر بود ایشان برای ما مشخص می‌کرد که در کجا چه اقدامی انجام دهیم. در همین راستا قابل ذکر است بر اساس گزارشات واصله مقادیر زیادی کمک مالی بالغ بر صدها میلیون تومان در قالب‌های مختلف توسط آقای منتظری به این گروه صورت گرفته است. البته کمک‌های ارائه شده اختصاص به این گروه نداشته است».

□□□ توضیح؛

الف: خدای را سپاس بی‌کران، از آغاز تا انجام خلقت، که تا به حال هرچه می‌گفتند و ما مجبور به شنیدن بودیم، این که «آقای منتظری ساده لوح است، و دفتر و بیتش را لانه لیبرال‌ها کرده و آنها به او سرمشق می‌دهند و...!» اما با گذشت چندین سال معلوم شد جمله: «دروغگو فراموش کار است!» باز هم راست از کار در آمد و به قربانیانش اضافه کرد! سالها بر طبل ساده لوحی کوبیدن و تحت تأثیر لیبرال‌ها بودن کجا و این جملات کجا: «اکثر فعالیت‌های مسؤولین نهضت آزادی با اشاره آقای منتظری صورت می‌گرفته است» یا «ایشان مشخص می‌کرد کی و کجا چه کنیم».

ب: در بدو امر این خبر ساختگی که نه مدرک و سندی در پی دارد را با یک «تلخند» بدرقه کردیم، ولی با این حال اگر مراد اصحاب بولتن جامعه مدرسین، از اعطای صدها میلیون! کمک مالی به نهضت آزادی، کمک به آنها به عنوان حزب است - علاوه بر کذب بودن این مطلب -، باید گفت آقای دکتر یزدی از امام خمینی اجازه اخذ و جوهات شرعی را دارد (صحیفه امام، ج ۱، ص ۵۱۲) علاوه بر اینکه می‌تواند در مواردی که مصلحت می‌داند مصرف نماید، این اجازه حتی پس از انقلاب تا درگذشت امام ادامه داشت، قطعاً بر اساس اجازه کلی امام به آقای یزدی



او اجازه دارد حتی مبالغی را صرف حزیش نماید. اما اگر مراد از کمک مالی آیت الله منتظری، کمک مالی به خانواده‌های این بازداشت شدگان است، تصدیق شده و عملی انسانی است که از سالیان قبل از انقلاب تا به حال ادامه داشته و دارد. بی شک خانواده زندانیان سیاسی از خانواده قاتلان، قاچاقچیان، و سارقان اگر بهتر نباشند بدتر نیستند و همانگونه که نهادهای دولتی چون کمیته امداد، یانجمن حمایت از خانواده زندانیان به غیر سیاسیون، کمک مالی و معنوی می‌کند به طریق اولی می‌توان به آنها که بر اساس عقیده خود، در بند شده‌اند کمک کرد. تازه مبلغ ادعاشده در بولتن (صدها میلیون تومان) را خشت مال می‌فهمد چقدر است!!



● بولتن جامعه مدرسین، همان، ص ۱۶:

**«انتشار خاطرات آقای منتظری در سطح وسیع در جهان و برخی اطلاعاتی‌های اخیر نامبرده لطمات جدی به وضعیت انقلاب اسلامی، شخص امام خمینی زده اگر چه تعداد کثیری از شخصیت‌های حوزوی و غیر حوزوی در مورد صحت نقل مطالبی که از سوی آقای منتظری به آنها نسبت داده شده بود اعلام موضع نموده و برخی با صراحت اظهار داشتند انتسابات نامبرده به آنها کذب می‌باشد.»**

□ توضیح؛

الف: اگر مهم‌ترین دلیل اساسی انتشار خاطرات آیت الله منتظری را دفاع از خود و از آن مهم‌تر ذکر تاریخ بدون سانسور بدانیم نمی‌توان از این ناحیه به ایشان خرده گرفت. در این باره به یک پرسش و پاسخ توجه می‌کنیم:

«سؤال: جنابعالی به دفعات یکی از اهداف مکاتبه با حضرت امام خمینی (ره) و یکی از انگیزه‌های اصلی جلوگیری از اشتباهات حاکمیت را حفظ حیثیت معظم‌له و ممانعت از مخدوش شدن چهره ملکوتی استاد عظیم‌الشان خودتان ذکر می‌کردید؛ آیا انتشار بعضی مطالب در کتاب «خاطرات» که مربوط به اقدامات امام خمینی است و به نظر شما اشتباه می‌باشد، از اهداف اولیه و انگیزه‌های اصلی حضرتعالی فاصله ندارد؟

جواب: آری حفظ حرمت معظم‌له - چون هم استاد من بودند و هم رهبر انقلاب و هم ذاتاً



مرد پاک و مخلص بودند. برای من اهمیت داشته و دارد، اما آنچه من در خاطرات گفته‌ام به دلیل رعایت اصل مهم‌تری چون بیان حقایق و دفع شبهات بود. احترام بزرگان به جای خود محفوظ ولی آشکارشدن حقایق مهم‌تر است. با همه اینها اشاره به دو نکته را در اینجا لازم می‌دانم:

۱- حفظ حیثیت و حرمت ایشان به معنای معصوم دانستن و مطلق انگاشتن ایشان نیست، ایشان و همه ما خود را پیرو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیر علیه السلام می‌دانیم. پیامبر صلی الله علیه و آله در مسائل اجتماعی و سیاسی به اصحاب خویش می‌فرمودند: «اشيروا علی» شما توجه دارید که کلمه «علی» برای استعلاء و اشراف است، پس مفاد کلام ایشان این است که بر من و کارهای من اشراف داشته باشید و مرا راهنمایی کنید.

از حضرت امیر علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه کلامی نقل شده که ترجمه آن چنین است: «آن‌گونه که با زمامداران ستمگر سخن می‌گویید با من سخن نگوئید، آن‌گونه که نزد حکام تندرو و بدزبان خود را جمع و جور می‌کنید با من عمل نکنید، با تصنع و حالت ساختگی با من رفتار ننمایید و گمان نکنید نسبت به حقی که به من گفته می‌شود سنگین و ناراحت می‌شوم، یا در پی بزرگ‌ساختن خویش می‌باشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه عدالت بر او سنگین باشد، عمل به آنها برای او مشکل‌تر است. پس از گفتن حق یا مشورت عدالت‌آمیز خودداری نکنید زیرا من - به عنوان یک انسان - خود را بالاتر و ایمن از خطا نمی‌پندارم مگر اینکه خدا مرا کفایت فرماید.»

هنگامی که آن بزرگواران - با اینکه از نظر ما معصوم می‌باشند - مردم را به انتقاد و نصیحت دعوت می‌کنند چگونه جمعی آیت الله خمینی را غیر قابل انتقاد می‌دانند و هر سخن انتقادی و خیرخواهی را با تهمت و اهانت پاسخ می‌دهند؟! آیا معظم‌له راضی بودند که عده‌ای به نام هواداری، ایشان را غیر قابل نقد و در عداد معصومین معرفی نمایند؟ آیا چنین معرفی از امام خمینی - به‌ویژه پس از رحلت ایشان - تعظیم و تمجید از ایشان است و یا ضربه زدن به معظم‌له و استفاده ابزاری از نام ایشان؟

۲- اگر کارهای خلافی به نام اسلام یا معظم‌له انجام شده و موجب بدبینی و سستی پایه‌های اعتقادی اقشار زیادی - به‌ویژه نسل جوان و غیر معاصر با انقلاب و امام - گشت، آیا نقد این



خلافکارها و کوشش در تبرئه دامن پاک اسلام و ایشان از آنها موجب مخدوش شدن چهره ایشان است؟!». (دیدگاهها، ص ۴۰۱ - ۴۰۲)

ب: بولتن سازان خوب بود حداقل یکی از افرادی که مطالب انتسابی به خود را در خاطرات که تکذیب کرده‌اند با اسم و رسم همراه با ذکر موردی که تکذیب شده ذکر می‌کردند. البته برخی در مقام نقادی بر آمده‌اند چون آقایان بادم چیان و سلیمی نمین، که آنها هم قدرت تکذیب ندارند چون مطلبی در خاطرات درباره آنها نیست تا موارد انتسابی را تکذیب کنند و هم اینکه وزنه تاریخی آنان قابل مقایسه با وزنه سیاسی و تاریخی آیت الله منتظری نیست.

ج: فرض کنیم افرادی باشند که مطالب مندرج در خاطرات را در مواردی تکذیب کرده‌اند اما مگر اسناد مندرج در خاطرات که حدود ۸۰۰ صفحه را به خود اختصاص داده است می‌توان انکار کرد به ویژه دست خط‌های امام خمینی!!؟



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه اول فروردین ۸۱، ش ۶ ص: ۸

۱۰-:

«پس از درج خبر مراسم ختم یگانه خواهر آیت الله منتظری در قم با تیترو: تلاش برای قرار دادن مجدد منتظری در کانون بحران، آورده است؛ ملاحظه: علی‌رغم سکوت اخیر آقای منتظری در پی آزادی فرزندان وی و مجادله آنها با وی صورت می‌گیرد و فرصت‌های قانونی برای دادگاه ویژه برای او، به نظر می‌رسد دست‌هایی در تلاشند به هر قیمت ممکن مجدداً او را، کانون بحران مبدل ساخته و به عنوان خبرساز برای رسانه‌های بیگانه تبدیل کنند».

□ توضیح؛

الف: از فرزندان آیت الله منتظری تنها سعید منتظری بازداشت شده بود که در آبان ۱۳۸۰ - پس از تحمل یازده ماه بازداشت موقت که ده ماه آن در سلول انفرادی بود - آزاد شد.

ب: علی‌رغم این ادعا که ایشان به واسطه آزادی فرزندشان دیگر از طرح افکار خویش سر باز زدند - تا به خواننده القا نماید ایشان معامله کرده‌است - کذب است چون تا زمان درگذشت



خواهر ایشان در ۱۳۸۰/۱۲/۲۶، شش اطلاعیه از ایشان صادر گردید. (رک: دیدگاهها، همان ج: هیچ‌گونه مجادله‌ای با ایشان توسط فرزندان و اطرافیان صورت نگرفته است.

د: در پی برگزاری مراسم ختم خواهر آیت الله منتظری در حسینیه صفائیه قم دادرسی ویژه روحانیت قم پیغام دادند که ایشان اجازه (!!)) دارند در این مراسم شرکت نمایند، علت شرکت نکردن ایشان در مراسم فوق از زبان آقای احمد منتظری چنین است:

«درست است که دادگاه ویژه موافقت کرده بود که شرکت کنند ولی ایشان در واقع نخواستند زیر بار منت بروند و مدت دو سه ساعت از منزل خارج شوند و دوباره به حصر باز گردند و در واقع اختیارشان در دست دادگاه ویژه باشد» (نقل از همان بولتن، ص ۹).



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم فروردین ۸۱، ش ۷:

«منتظری حامی ماهواره شد؛ حسینعلی منتظری در پاسخ به سوالی

راجع به استفاده از اینترنت پاسخ داده است: «مبارزه با آلات مفید کار غلطی است. ابزار و آلات که گناه ندارند، با وسعت ارتباطات جهانی و استقبال جهانی از ابزارهایی مانند: اینترنت و ماهواره تحریم آنها عقب‌ماندگی است.» منتظری در عین حال گفته است: «استفاده از این ابزارها باید در مسیر صحیح آن هدایت شود.» ولی توضیح نداده است که چگونه می‌توان استفاده از ماهواره را که بعضاً تصاویر مستهجن و غیراخلاقی پخش می‌کند در مسیر صحیح هدایت کرد؟!».

□ توضیح؛

بولتن سازان عبارات را جراحی و مثله کرده‌اند اصل عبارت این است: «اینکه با ابزارآلات مفید مبارزه کنیم کار غلطی است. ابزارآلات که گناه ندارند؛ و مبارزه با آنها یک حرکت قسری و موقت است و با وسعت ارتباط جهانی امروز و استقبال جهان از آنها تحریم، جز شکست و عقب‌ماندگی در پی ندارد، بلکه باید آنها را توسعه داد و تکمیل کرد، ولی لازم است دانشمندان و نخبگان و رهبران جامعه آنها را در مسیر صحیح قرار دهند و برای آنها برنامه‌های خوب و سازنده و با ارزش تهیه نمایند و در راه پیشرفت علم و فرهنگ و منافع مادی و معنوی



جامعه آنها را به کار گیرند و با تبلیغات صحیح و عاقلانه نه آمرانه و خشونت بار جامعه را متوجه سوء استفاده‌ها نمایند؛ و اگر کسانی «علناً سوء استفاده» کنند جلوی آنها را بگیرند. (همان، ص ۵۶۲).



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه اول خرداد ۸۱، ش ۱۰، ص ۳۳: در ذیل خبری با عنوان سیاست استفتاء از راه دور از نشریه‌ای دانشجویی راه توسعه سؤالی را درباره‌ی یاسر عرفات نقل می‌کند پس درباره‌ی عملیات انتحاری می‌گوید: البته در پیامی که از وی منتشر شده است در این مورد آمده است:

**«آیا مردمی که دستشان از همه امکانات کوتاه است چاره‌ای جز توسل به کارهای انتحاری دارند؟!»**

□ توضیح؛

الف: مدرکی و سندی از سؤال نشریه نامبرده وجود ندارد.

ب: درباره‌ی عملیات انتحاری و استشهادی مطلب کاملاً تحریف شده و واقعیت این است که در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۸ توسط پایگاه اینترنتی چهارده معصوم علیهم‌السلام از سوی برنامه «دیدار ماه» سؤالاتی برای ایشان ارسال شد که در خلال آنها هفتمین سؤال این است: نظر جنابعالی در مورد عملیات استشهادی که در فلسطین و جنوب لبنان جریان دارد چیست؟

آیت الله منتظری در خلال پاسخ خویش گفته‌اند:

«حضور در صحنه جهاد معمولاً مستلزم نوعی فداکاری و استشهاد می‌باشد. عملیات استشهادی که در سؤال به آن اشاره شده دارای اقسام مختلفی است؟ آن قسمی که از مصادیق جهاد در مقابل دشمن متجاوز می‌باشد قهراً مشمول جهاد اسلامی خواهد شد.» سپس ایشان مسؤول مصائب دردناک ملت مظلوم فلسطین را، سران کشورهای استعماری که باعث ایجاد اسرائیل شدند و سپس دولت‌های اسلامی و غیرمتعهد می‌دانند که با وجود در اختیار داشتن منابع عظیم نفتی و دیگر منابع خدادادی در دفاع از اسلام و قدس کوتاهی می‌کنند.» (همان، ص ۵۸۶)



عبارتی که ناقص توسط بولتن نقل شده این چنین است:

«آیا مردمی که دستشان از همه امکانات کوتاه است و خانه و کاشانه و هستی آنان غارت شده و مورد تجاوز و حملات وحشیانه دشمن قرار گرفته‌اند و سران کشورها و محافل پیر طمطراق جهانی و سازمانهای بین‌المللی نیز جز حرف و شعار تحویل آنان نمی‌دهند چاره‌ای جز توسل به کارهای انتحاری دارند؟». (دیدگاهها، ج ۱، ص ۵۶۹)

بولتن فوق‌الذکر پس از تحریف آشکار نظر ایشان آورده است:

«گروههای ضد انقلاب هم تلاش می‌کنند و از طریق استفتاء پاسخ‌های ضد نظام برای تبلیغ خود دریافت کنند».

با ملاحظه دیدگاه آیت الله منتظری درباره‌ی فلسطین و عملیات انتحاری مشخص خواهد شد که آیا ایشان ضد نظام، موضع‌گیری کرده‌اند تا از طریق استفتاء از ایشان بر علیه نظام بهره‌برداری شود؟! آیا نام این نوع بولتن را چه می‌توان گذاشت؟».



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم خرداد ۸۱، ص ۲۶:

**«حصر منتظری به خاطر دخالت وی در امور سیاسی به نفع گروهک های محارب ضد انقلاب و منافقین صورت گرفته و این کار نیز با تصویب شورای عالی امنیت ملی بوده است».**

□ توضیح؛

سخنرانی معروف آیت الله منتظری در ۲۳ آبان ۱۳۷۷ به این موضوعات اختصاص داشت:

- ۱- لزوم صیانت از مرجعیت شیعه و عدم دخالت سیاست‌بازی و نیروهای سازمان یافته و حکومتی در آن.
  - ۲- لزوم صیانت از آراء مردم در خرداد ۷۶ توسط آقای خاتمی و جلوگیری وی از دخالت مناصب انتصابی
  - ۳- گروه‌های فشار و سازماندهی شده.
- هیچ یک از موضوعات فوق «دخالت در امور سیاسی به نفع





گروههای محارب و ضد انقلاب و منافقین» نیست و با هدف اصلاح و انتقادات سازنده ابراز گردید.

□□□

● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم خرداد ۸۱، ص ۱۶ - ۱۷: ضمن انتقاد شدید از انتقاد آیت الله منتظری نسبت به حکم نهضت آزادی و بازداشت سیامک پور زندو نحوه اعتراف گیری از وی آورده است:

«وی باهانت و توهین آشکار به اکثریت قریب به اتفاق مردم متدین و انقلابی کشور به مهرانگیز کار گفت: ملت فقط یک عده بسیجی و سپاهی و گروههای خاص که با تبلیغات وسیع و مکرر و رسانه‌ها به خیابانها کشیده می‌شوند و شعارهای تلقینی را تکرار می‌کنند نیستند. همه اینها ظاهرآ از یک دهم ملت نیز کمتر می‌باشند و در دنیای پیچیده امروز مشی سیاسی کشور در خیابانها مشخص نمی‌شود. وی در خصوص اصلاحات افزود: توسعه اقتصادی کشور مرهون ایجاد امنیت برای اقشار مردم و سرمایه است. (... حسین علی منتظری در این نامه به طور واضح و آشکار نیت باطنی خود را آشکار ساخت و مرز میان خود و ملت را با توهین و اهانت به آنها تعمیق بخشید».

□ توضیح؛

الف: انتقاد آیت الله منتظری به سیاسی کاری در امور قضایی و امنیتی است و نحوه بازداشت‌ها، بازجویی‌ها، اعتراف‌گیری و احکام صادره؛ به معنی حمایت از افراد خاص و حمایت از تفکرات آنان نیست. به عنوان مثال نگرانی حضرت علی علیه السلام از کشیدن خلخال از پای یک دختر مسیحی توسط یاران معاویه به این معنی نیست که خدای نکرده علی علیه السلام مسیحی شده است (!!) بلکه از نحوه برخورد و پایمال شدن حقوق انسانی او اظهار ناراحتی شدید می‌کنند و می‌فرمایند: اگر مسلمانی از این غصه دق کند و بمیرد بر او سرزنشی نیست.

ب: حمایت آیت الله منتظری از سپاه و بسیج به گونه‌ای که فرزندش محمد منتظری از



مؤسسين این نهاد بود و بویژه در زمان جنگ و حمایت‌های معنوی و مادی از این دو نهاد بر کسی پوشیده نیست، آنچه مورد انتقاد آیت الله منتظری است استفاده از صداقت آنها و بهره برداری جناحی و سیاسی از این نهاد انقلابی است به گونه‌ای که این نهاد را تنها مختص گروه خاصی از ملت با تفکر خاص فرض کنیم، حال آنکه سپاه و بویژه بسیج در اوائل انقلاب جوشیده از متن ملت، و در خدمت همه آنها بوده است.

ج: بولتن سازان، نیروهای بسیج و سپاه را قریب به اتفاق ملت می‌دانند اگر فرض کنیم آرزوی فقید انقلاب اسلامی مبنی بر ارتش ۲۰ میلیونی هم محقق شده است به نسبت جمعیت ۷۰ میلیونی ایران آنها قریب به اتفاق نخواهند بود.

□□□

● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه اول مهرماه ۱۳۸۱، ش ۱۸، ص ۲۴:

«جیمز ولسی رئیس سازمان سیا در روزنامه وال استریت ژورنال نوشت: روحانیان ایران باید حکومت را رها کنند. وی در ادامه نوشت: روحانیون ایران توصیه‌های آیت الله منتظری... را بشنوند و از کوشش برای پیوند دادن مسجد و حکومت دست بردارند».

□ توضیح؛

الف: شگردهای مختلف خبر سازی، فضا سازی در دنیای بی پروایان سیاسی، بسیار است. یکی از شگردهای این بولتن سازان نقل اخبار از خارجی‌ها و خبر سازی و گاه نظر سازی است. آدرس هم می‌دهند. اما چه کسی حال و حوصله دارد مثلاً بداند «جیمز ولسی» کیست؟ یا روزنامه «وال استریت ژورنال» چه نشریه‌ای است؟ و اینکه اصلاً چنین اظهار نظری در آنجا چاپ شده یا نه؟ بویژه اگر برخی کاربران و بهره برداران این بولتن‌ها افرادی مشخص‌اند که گاه اطلاعاتی از امثال «ولسی» یا «وال استریت ژورنال» ندارند!

ب: یا مستر «ولسی» درست نفهمیده که چه گفته یا مترجم درست ترجمه نکرده یا بولتن نگاران وطنی تحریف کرده‌اند یا بولتن نگاران سازمان سیا اطلاعات درست به «ولسی» نداده‌اند چون اگر واقعاً او از روحانیون ایران خواسته باشد حکومت را رها نماید قطعاً به دنبال



آن توصیه نمی‌کند که نظرات آیات منتظری و طاهری را بشنوند و از کوشش برای پیوند دادن حکومت و مسجد دست بردارند، چون که این دو فقیه هر دو از طرفداران نظریه ولایت فقیه - نه مطلقه آن - و دخالت روحانیون در حکومت هستند.

ج: جالب توجه اینکه: در بولتن ۸۱/۶/۴، ش ۱۰، معاونت سیاسی تیپ ۸۳ امام صادق علیه السلام، اظهارات فوق را به آقای «جمیز ولفویی» بر خلاف بولتن شورای هماهنگی که به ولسی نسبت داده، نسبت می‌دهد که به رهبران جمهوری اسلامی سفارش کرده بود: «توصیه آیت الله منتظری و آیت الله طاهری را بشنوند و... در ادامه آمده است: رئیس سازمان سیا تهدید کرده است که روحانیون در صورت عمل نکردن به سفارش مذکور، همه چیز و از جمله جان خود را از دست خواهند داد».

بولتن تیپ این اظهارات را در پی: «خط سازمان سیا در برخی از محافل افراطی قم» ارزیابی کرده است ما در این رابطه توضیحی نمی‌دهیم چون از فرط ساختگی نیازی به نقد ندارد به ویژه این جمله خنده دار که اگر طرفدار آقایان منتظری و طاهری نشدید، خونتان گردن خودتان! گفته باشم. (حتماً آقای «ولسی» یا «ولفویی» وقتی این حرفها را زده است ژست تهدیدآمیزی گرفته تا اصحاب بولتن ایرانی خوب به عمق تهدید وی پی برده و این خبر را جدی فرض کنند!).

اما یک نکته جالب در پی این خبر اینکه:

بولتن سازان تیپ ۸۳ گویا این خبر خیلی به دلشان چسبیده است برای همین مجدداً آن را در ۸۱/۶/۲۵، با تیتیری دیگر با کمی تغییر در عبارات آورده‌اند که: «تحلیل رئیس پیشین سازمان سیا از اوضاع ایران».

اما جالب‌تر این که باز هم این خبر دلچسب! باید توسط تیپ ۸۳ جای دیگری هم نقل شود اما برای بار سوم آن هم اینجا هماهنگ با بولتن شورای هماهنگ نیروهای انقلاب اسلامی شماره ۱۸، که خبر را از زبان «جمیز ولسی» نقل کرده بود و نه «جمیز ولفویی». در بولتن تیپ برای رعایت امانت داری که این خبر از کجا گرفته شده اینگونه درج شده است: (B.KH. ۱۸) که یعنی: «بولتن خبری شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی شماره ۱۸». این خود نشان از آن دارد که بولتن مذکور پس از یک ماه به دست تیپ ۸۳ رسیده است.



● بولتن جامعه مدرسین، ویژه اولین اجلاس منطقه‌ای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و علمای بلاد (استان خراسان)، تیر ماه ۱۳۸۱.

این بولتن که با هدف انعکاس مهم‌ترین محورهای رسانه‌های بیگانه از ۸۰/۴/۱ الی ۸۱/۴/۱ در ۴۴۴ صفحه تهیه و تنظیم شده است به موارد زیر از زبان رسانه خارجی با موضوع آیت الله منتظری پرداخته است:

- ۱ - محافظه کاران از مرجعیت دینی و پیشینه مبارزات آقای منتظری در هراسند. (بی بی سی)
- ۲ - به رغم افزایش مقبولیت مردمی آقای منتظری تلاش‌ها برای رفع حصر وی بی نتیجه مانده است. (همان)
- ۳ - اتهام رفت و آمد معاندین به منزل احمد منتظری صرفاً بهانه‌ای برای افزایش فشارها علیه آقای منتظری است. (راديو فرانسه).
- ۴ - به دلیل داشتن مقام مرجعیت احتمال محاکمه آقای منتظری وجود ندارد. (الجزیره)
- ۵ - متهم شدن آقای منتظری از سوی رهبر انقلاب به خیانت موجب یورش به خانه وی در قم شد. (کلن)
- ۶ - حصر خانگی آقای منتظری مغایر با حاکمیت قانون آزادی بیان است. (بی بی سی)
- ۷ - محافظه کاران با توجه به دیدگاه آقای منتظری، رفع حصر وی رابه منزله تضعیف موقعیت رهبر انقلاب می‌دانند. (بی بی سی)
- ۸ - آقای منتظری با رفع حصر مرحله‌ای خود مخالف است. (پارس تی وی)

□ توضیح؛

الف: مستند بودن موارد فوق با توجه به موارد بی شمار جراحی و مثله شده در مورد اظهار نظرات آیت الله منتظری یا آنچه در مورد ایشان اظهار می‌شود و ما دسترسی سهل الوصول به آنها داشتیم؛ نشان از آن دارد که این شگرد در باره رسانه‌های خارجی هم طی یک برنامه با



هدف خاص ادامه خواهد داشت و تحریف در آنها به طور ویژه‌تری وجود دارد.

ب: با این حال برخی از موارد فوق‌الذکر واقعیت است و نمی‌توان آن را انکار کرد و به صرف اینکه رسانه‌های خارجی مطلبی واقعی را انعکاس می‌دهند نمی‌توان به آنان و آیت‌الله منتظری خرده گرفت چون موارد: ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸. البته برخی از موارد هم کذب است چون: ۵. برای اینکه آقای خامنه‌ای در سخنرانی معروف خود این اتهامات را مطرح کردند: ساده لوح معمم، بیچاره، مفلوک، و از اتهام خیانت استفاده نکرد و سخنرانی ایشان در جمع سپاهیان و بسیجیان درباره سخنرانی آیت‌الله منتظری یک هفته پس از سخنرانی و یورش به دفتر، بیت، حسینیه و اشغال آن بود. و ایشان خواهان قطع حملات و تظاهرات شده بودند.

از دیگر موارد کذب شماره: ۷، است که بی بی سی مدعی شده رفع حصر از آیت‌الله منتظری از دیدگاه محافظه کاران، تضعیف موقعیت رهبری است. کذب بودن به این دلیل است که آیت‌الله منتظری در سخنرانی ۱۳ رجب به رهبریت رهبری ایرادی نداشتند.

به نظر می‌رسد رسانه انگلیسی در حال ارسال «سیکنال» برای مهره‌های خود در میان تندروهای محافظه کار بوده است و حداقل اگر مهره‌ای هم در کار نباشد با این نوع تحلیل به دنبال ایجاد فضای ترس برای محافظه کاران است تا مبادا به رفع حصر از آیت‌الله منتظری رضایت دهند؛ مطلبی که در محافظه کاران عاقل تأثیرگذار نبود.



● بولتن تیپ ۸۳ امام صادق علیه السلام، ۱۰/۵/۸۱، ش ۸۴، ص ۱۷:

«کتاب پاسداشت حقیقت ردیه‌ای مشروح به خاطرات آیت‌الله منتظری با صدور مجوز از سوی مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی امکان انتشار یافت. کتاب مذکور که از سوی دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران تحقیق و تحریر شده است، پاسخی مستدل و مستند به خاطرات منتشر شده آقای منتظری در اینترنت است. این کتاب سال گذشته به اتمام رسیده و برای اخذ مجوز به اداره کتاب وزارت ارشاد ارسال شد که با مخالفت وزارت ارشاد مواجه شد و نتوانست مجوز انتشار را اخذ نماید این امر در حالی است که سی‌دی خاطرات آیت‌الله منتظری اجازه یافت که در تیراژی



وسیع به طور رایگان توسط باند مهدی هاشمی در نمایشگاه بین‌المللی

کتاب تهران (اردیبهشت ۱۳۸۱) توزیع شود.

□ توضیح؛

الف: علی‌رغم اینکه کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری اجازه انتشار رسمی نیافت و رایزنی‌ها هم به جایی نرسید، نقد آن اجازه انتشار گرفته است آن هم از سوی یک مرجعی که از نظر قانونی اجازه صدور مجوز چاپ کتاب ندارد! (به این می‌گویند عدالت در اطلاع رسانی!)  
ج: اما پخش سی‌دی خاطرات آیت‌الله منتظری؛ پخش آن در نمایشگاه جعلی و دروغ است چون وقتی کتابی مجوز چاپ نیافت قطعاً سی‌دی آن هم اجازه پخش ندارد.



● بولتن تیپ ۸۳ امام صادق علیه السلام، ۶/۴/۸۱، ش ۸۵، ص ۱۳:

در این بولتن تحت عنوان: حمایت منتظری از پورزند، ناراحتی از افشای ارتباط ضدانقلاب با بیت آورده‌اند:

«مهرانگیز کار - همسر پورزند - چندی پیش در نامه‌ای به منتظری از مصاحبه مطبوعاتی پورزند و اعترافات وی اظهار نگرانی کرده بود. در بخشی از اعترافات سیامک پورزند، وی از ارتباطات خود با بیت منتظری پرده برداشته است».

□ توضیح؛

الف: تمامی اعترافات گرفته شده از سیامک پورزند از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد و وی در میان اعترافات خود مطالبی در باره ارتباط با بیت آیت‌الله منتظری اظهار نکرد و این خبر به کلی توسط تیپ ساخته شده است.  
ب: مشروح علل مخالفت آیت‌الله منتظری با چگونگی بازداشت و اعتراف‌گیری از امثال سیامک پورزند در کتاب دیدگاه‌های ایشان آمده است.



● بولتن تیپ ۸۳ امام صادق علیه السلام، ۱۴/۸/۸۱، ش ۱۲، ص ۳۴:

«اخیراً گروهی موسوم به جامعه معلمان ایران با ارسال نامه‌ای به آقای



منتظری ضمن تعریف از وی، خواستار ارائه راه و روش مبارزاتی علیه نظام از نامبرده شده و با درخواست تعیین تکلیف سؤال کرده‌اند که چه باید کرد.

آقای منتظری در بخشی از پاسخ گفته است: «من متخصص و کارشناس فعالیت‌های سیاسی و تاکتیک‌های مبارزاتی که با هزینه‌های کمتر نتیجه بخش باشد، نیستم تا بتوانم در این قبیل مسائل سیاسی، نظر بدهم» (....)، جالب این است، آقای منتظری این بار در پاسخ خود صریح‌تر از گذشته ضمن تجویز تلویحی مقابله با نظام اعلام می‌کند که متخصص ارائه راه کار و تاکتیک‌های مبارزاتی کم هزینه نتیجه بخش نیست و این نکته قابل تأمل و توجهی برای کسانی است که ساده لوحانه این گونه می‌اندیشند که آقای منتظری با نظام است».

□ توضیح؛

الف: نامه فوق در ۱۳۸۰/۶/۲۲، از سوی اعضای جامعه معلمان ایران ارسال شده هیچ گونه تعریف و تمجیدی در آن مشاهده نشده مگر اینکه به عنوان «حضور محترم» را تعریف و تمجید محسوب نمائیم!

ب: بولتن سازان تیپ رزمی - تبلیغی ۸۳ هم سؤال راتحریف کرده‌اند و هم پاسخ را به طور ویژه! پرسش این است: چون تشریح مظالم رژیم در داخل و خارج کشور آن هم به نام مبارزه، کوچکترین درد را دوا نمی‌کند، جنابعالی با تجربیاتی که در طول مبارزات خود آموخته‌اید برای استقرار حاکمیت اراده ملت بر کشور و محو مظالم و جنایات و فساد از جامعه، چه طرح و برنامه عملی ارائه می‌فرمائید؟

در پاسخ که ۱۳۸۰/۶/۳۰ با عنوان «راههای عملی اصلاح وضع موجود» ارسال شده آمده است:

«به نظر می‌رسد در شرایط فعلی اصلاح ساختار نظام و استقرار حاکمیت مردم و احقاق حقوق آنان متوقف بر آگاه کردن مردم به حقوق خود، اطلاع رسانی صحیح توسط رسانه‌های مستقل، تشکل احزاب سیاسی قوی، انتخاب نمایندگان شجاع و آگاه، تصویب قوانین راهگشا توسط



مجلس و بالاخره پافشاری مردم بر استیفاء حقوق خود و استقامت در این راه می‌باشد.

اینکه چه برداشتی از عبارت فوق بدست می‌آید و آیا این عبارات نیز براندازی «دفرم»، یا اصلاح «رفرم» است، قضاوت با صاحبان اندیشه سیاسی و انصاف است نه بولتن سازان! که به راحتی حکم می‌دهند و ضدانقلاب می‌سازند و این اظهارات را مقابله و براندازی بر می‌شمارند؟!

نکته جالب توجه اینکه:

عین خبر فوق‌الذکر در بولتن جامعه مدرسین: ۱۳۸۱/۸/۳۰، ش ۷۸۸، ص ۳۵، به چاپ رسیده است بدون اینکه ذیل آن ذکر گردد. به نظر می‌رسد یا منبع هر دو بولتن یکی باشد که در بولتن تیپ با کد: (BR.۲۳) آمده و شاید هم منبع نقل بولتن جامعه مدرسین، تیپ ۸۳ امام صادق علیه السلام می‌باشد.



● بولتن جامعه مدرسین، ۸۱/۱۱/۳، ش ۷۹۶، ص ۲۶:

«سوء استفاده از بیماری آقای منتظری؛ شنیده شده برخی پزشکان معالج آقای منتظری تأیید کرده‌اند که ایشان به بیماری فراموشی مبتلا شده است و مسائل گذشته رابه خاطر نمی‌آورد اما به رغم تأیید تیم پزشکی معالج وی، برخی از اطرافیان از تأیید این مطلب به شدت پرهیز دارند. بر اساس یک خبر موثق تلاش‌هایی در هفته‌های اخیر صورت گرفته و در شرایطی که آقای منتظری به گفته فرزند ارشدش از چند بیماری مهم رنج می‌برد. برخی از نزدیکان وی در حال تهیه وصیت نامه سیاسی برای آقای منتظری بوده و برخی مطالب را که در حال حاضر طرح آن وجود ندارد می‌خواهند در قالب نوشته و تصویر از زبان آقای منتظری و برای دوران پس از وی آماده کنند. در این زمینه اخباری وجود دارد که پس از بررسی‌های بیشتر منتشر خواهد شد».

□ توضیح؛

طرح این خبر که آیت الله منتظری دچار بیماری فراموشی و آلزایمر شده است در حالی



صورت می‌گرفت که فشار بسیاری از سوی اقشار مختلف مردم اعم از حوزوی و دانشگاهی و حتی از سوی ۱۱۰ نماینده مجلس صورت می‌گرفت تا از ادامه حصر ایشان جلوگیری به عمل آید. بولتن سازان بدنبال این سناریو بودند که ایشان را که در آستانه آزادی است فردی فراموش کار معرفی کنند تا از اعتبار نظرات فقهی، سیاسی و اجتماعی ایشان پس از آزادی بکاهند. هدفی که از همان صبحدم آزادی عقیم ماند.

ب: طرح شایعه فوت آیت الله منتظری یا اینکه در آستانه آن است، برای محک زدن جامعه صورت می‌گرفت. هم چنین انتشار خبر تنظیم وصیت نامه از سوی اطرافیان آن هم از نوع سیاسی آن، تنها بدنبال این سناریوی نخ نما صورت می‌گرفت که اختیار امور سیاسی ایشان به دست اطرافیان است. این تئوری از سالیان قبل تا به حال بارها تکرار شده به گونه‌ای که سازندگان آن هم به همین باور رسیده‌اند.

ج: در بولتن جامعه مدرسین آمده: «که پس از بررسی‌های بیشتر مطالبی درباره این وصیت نامه منتشر می‌شود» به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در قالب جامعه مدرسین تیمی با قابلیت بررسی صحت و سقم این گونه اخبار وجود ندارد، این خبر عیناً از روی بولتن دیگری رونویسی و منتشر شده است! و به هر حال اخبار تکمیلی ادعا شده منتشر نشد تا مشخص شود اصل خبر ساختگی است



● بولتن جامعه مدرسین؛ ۸۱/۱۱/۱۷، ش ۷۹۸، ص ۲۹-۳۰:

**«اهم سخنان آقای منتظری در مورخه ۸۱/۱۱/۱۲ ساعت ۱۰ صبح:  
دولتی‌ها فساق مؤمنین هستند که خیابان می‌کشند و کارهای دیگر می‌کنند،  
اگر فقیه قدرت نداشت عدول مؤمنین هم قدرت نداشتند فساق مؤمنین  
باید کار کنند.»**

□ توضیح؛

آیت الله منتظری در تاریخ ۸۱/۱۱/۱۰ از حصر آزاد شد و دو روز پس از آزادی، چه مناسبتی دارد که چنین اظهاراتی از سوی ایشان مطرح گردد؟! این خود دلیل است که خبر کاملاً ساختگی است، حداقل سازندگان این گونه اخبار باید خبری جعل نمایند که خواننده بدانند با



موقیت زمانی مناسب دارد. بویژه اینکه اصل چنین اظهاراتی در تاریخ فوق‌الذکر از سوی آیت الله منتظری ایراد نشد و خلاف به عرض رسانیده‌اند تا ایشان را بیمار توصیف نمایند!



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم بهمن ۱۳۸۱، ش ۲۷، ص ۱۳:  
**«دشمنان انقلاب اسلامی و در رأس آن آمریکا از هر کسی که با نظام جمهوری اسلامی مخالفت کنند حمایت می‌کنند. با رفع حصر آیت الله منتظری آمریکایی‌ها تصور می‌کنند وی در جهت خواست آنها در مقابل نظام خواهد ایستاد و به همین دلیل رسانه‌های آمریکایی از رفع حصر آیت الله منتظری استقبال می‌کنند.»**

□ توضیح؛

بولتن سازان به دنبال ساختن یک صغری و کبری خود ساختی هستند:

**صغری: آمریکا از مخالفان نظام حمایت می‌کند.**

**کبری: آیت الله منتظری مخالف نظام است.**

**نتیجه: پس آمریکایی‌ها از آیت الله منتظری حمایت می‌کنند.**

بولتن سازان مختلف و مخالف آیت الله منتظری از هنگامی که حوادث ۶۸ به این طرف پدید آمد بدنبال این سناریو هستند که: «آیت الله منتظری ضد انقلاب است» سناریویی که بیشترین طرفدار را در میان نیروهای غیرانقلابی دارد که به واسطه منافع حزبی و انحصاری خویش انتقادات آیت الله منتظری به خود را مخالف با نظام و انقلاب قلمداد و بر طبل این سناریو می‌کوبند. و انقلابی‌های پس از انقلاب! برای دست و پا کردن هویت جدید چاره‌ای جز حذف نیروهای اصیل با انگ ضدیت با انقلاب را ندارند. در نظام‌های مبتنی بر ساز و کارهای دموکراسی خواهانه و مردمی و نه استبدادی، انتقاد از عملکرد مسؤولان در هر رده باشند ضدیت با اصل آن نظام محسوب نمی‌شود.



● بولتن جامعه مدرسین، ۸۱/۱۲/۸، ش ۸۰۰، ص ۱۵:

**«سایت یه خبر در تاریخ ۸۱/۱۱/۱۵، از ملاقات بی‌تابانه محمدرضا خاتمی**



با منتظری خبر می‌دهد، در این خبر که با عنوان «محمدرضا خاتمی پای منتظری را بوسید» آمده است: در این ملاقات محمدرضا خاتمی با منتظری، وی آنقدر بی تاب شده بود که به جای دست، پای منتظری را بوسید». در ادامه خبر تصریح شده است: محمدرضا خاتمی نائب رئیس مجلس در این ملاقات با شتاب به سمت منتظری رفت و در مقابل او تعظیم کرد و به زانو افتاد. خاتمی آنقدر بی تاب شده بود که پای منتظری را بوسید و این رفتار خاتمی موجب تعجب و خنده حاضرین شد».

□ توضیح؛

الف: سایت «یه خبر» متعلق به آقای لاریجانی بود این خبر با توجه به وجود تصاویر و فیلم دیدار آقای سید محمدرضا خاتمی (نایب رئیس وقت مجلس) و بویژه ممانعت شدید آیت الله منتظری از بوسیدن دست چه برسد به پا! کذب محض است و طرح چنین مطلبی پس از آن صورت و ساخته پرداخته می‌گردد که پس از آزادی آیت الله منتظری از حصر و عدم موفقیت تندروان محافظه کار از بایکوت ایشان و به ویژه کارساز نبودن تمام جوسازی‌ها و هم چنین استقبال کم نظیر از آزادی ایشان؛ با ساختن این خبرها بدنال لوث کردن آزادی ایشان از حصر و دیدار مقامات کشوری و حوزوی با ایشان بر آمده‌اند.

ب: چاپ چنین خبر کذبی، در بولتن جامعه مدرسین قبیح به نظر می‌رسد.

□□□

● همان بولتن، ص ۱۵:

«سایت بازتاب در خبری از وزیر اطلاعات می‌نویسد: یونسی وزیر اطلاعات در جلسه خانه احزاب گفت: به کسی اجازه نمی‌دهیم منتظری را وارد فعالیت سیاسی کنند. صحبت‌های امام برای ما حجت است و اجازه نمی‌دهیم کسی منتظری را وارد فعالیت‌های سیاسی کند. این عمل جرم است و با شدت با آن برخورد می‌کنیم و از احزاب خواسته که به دیدار آقای منتظری نروند».

□ توضیح؛



الف: با توجه به اینکه آقای یونسی وزیر اطلاعات دولتی بود که با شعار «توسعه سیاسی» بر سر کار آمد از چنین وزیری بسیار دور از انتظار است که چنین نظراتی را بفرماید و دخالت در امور سیاسی حق هر یک از شهروندان جامعه است و نمی‌توان چنین حقی را از کسی گرفت. ب: ارزیابی وزیری که امور امنیتی و اطلاعاتی یک کشور پهناور چون ایران را به دست گرفته کاملاً قابل تأمل است؛ مگر تا به حال احزاب سیاسی آیت الله منتظری را وارد فعالیت‌های سیاسی کرده بودند که با حکم امنیتی و اطلاعاتی ایشان این عمل «جرم» محسوب شده و ممنوع می‌باشد!

ج: در خبر آمده وزیر اطلاعات خواسته است احزاب به دیدار آقای منتظری نروند. اگر این «دستور» صحت داشته باشد نشان از بی‌تأملی است. اگر قرار بر این بود که کسی به دیدار ایشان نرود پس آزادی ایشان از حصر چه معنی دارد اینکه یک وزیر امنیتی در امور دیدارهای یک مرجع تقلید دخالت کند، قابل تعجب است. البته آقای یونسی هم خوب می‌دانند که با این توصیه یا دستور ایشان ملاقات‌های آیت الله منتظری با احزاب و گروه‌های سیاسی کاهش نمی‌یابد؛ البته این مقام امنیتی شاید به دنبال ایجاد ترس از ملاقات با ایشان است!

ج: در باره حجت بودن صحبت‌های امام برای آقای وزیر اطلاعات وقت، هم حرف و حدیث‌های بسیاری داریم که مجال واسع می‌طلبد.

□□□

● بولتن خبری و تحلیلی شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه اول اسفند ۸۱، ص ۲۸، ص ۸:

«حسینعلی منتظری در مراسمی که به مناسبت عید قربان برگزار شد برای حاضرین سخنرانی کرد. به گزارش سایت اینترنتی «یه خبر» وی گفت: روایت داریم که مراسم حج مثل فیلم است یعنی باید همه‌اش پشت سر هم باشد اگر قربانی کردن در ایران باشد فیلم به هم می‌خورد. این اظهارات منتظری موجب تعجب حاضرین شد».

□ توضیح؛

نقل چنین اخبار کذبی - همان گونه که قبلاً متذکر شدیم - از سوی سایت «یه خبر» متعلق به



آقای لاریجانی با هدف استهزاء و سبک کردن ساخته و پرداخته می‌شد، بویژه پس از آنکه از ساختن اخبار جدی خود طرفی نبستند.



● بولتن جامعه مدرسین ۸۲/۴/۱۹، ش ۸۱۵:

**«شنیده شده است آرمین، تاج زاده، محمدرضا خاتمی و میردامادی که با منتظری در قم ملاقات داشته‌اند قرار شده است در تیرماه وی را از راه زمینی به مشهد برود و در مسیر شهرها برنامه استقبال و سخنرانی از او برگزار گردد. افراطیون تلاش دارند همزمان با ۱۸ تیر ماه که برنامه‌ای برای درگیری احتمالی داشته باشند این برنامه را اجرا کنند».**

□ توضیح؛

الف: سناریوی چیده شده اینکه: «آیت الله منتظری تحت تأثیر دیگران است و آنها به ایشان خط می‌دهند» چنین تئوری روزگاری با عنوان باند سید مهدی هاشمی مطرح می‌شد حتی پس از سالها این تحلیل - که بیشتر از سوی چپ‌ها به آن دامن زده شد - وجود داشت گو اینکه باید پرده دیگری از این نمایش را کنار زد. پس از سالها و پس از دوام خرداد و تأسیس (حزب مشارکت ایران اسلامی) به دلیل مخالفت حزب مشارکت با محافظه‌کاران از یک سو و علاقه‌مندی برخی از آنان به آیت الله منتظری، بایستی از منظر بولتن‌سازان نقش دروغین خط دهی را به آنها داد. حال آنکه رمز ماندگاری آیت الله منتظری بر مواضع خویش فراجزی و فراجناحی بودن ایشان است.

ب: بولتن‌سازان جامعه مدرسین نباید خلاف واقعی را ساخته منتشر نمایند که به هیچ وجه امکان وقوعی و فرضی هم ندارد. آنها و ما خوب می‌دانیم که با وجود برخی محدودیت‌ها در قم برای آیت الله منتظری - از جمله ادامه اشغال حسینیه شهدا محل تدریس و ملاقاتهای ایشان - قطعاً در دیگر شهرها این محدودیت‌ها به مراتب بیشتر است. هنگامی که آقای منتظری قائم مقام رهبری بودند و از نظر مزاج و سلامتی وضعیت مناسب‌تری نسبت به امروزه داشتند تن به چنین سفرها نمی‌دادند که در شهرها و استان‌ها مردم به استقبال ایشان آمده و دنبال ماشین ایشان بدون، چه رسد امروزه که برخی محدودیت‌ها - علی‌رغم رفع حصر در سال



۸۱- ادامه دارد و سنی هم از ایشان گذشته است، پس بهتر نیست خبر سازان لااقل مواردی که ممکن است به راحتی بر خبر آنها تابلوی کذب بخورد را، بهتر ملاحظه نمایند؟!!

ج: اما از دو ملاحظه قبل جالب‌تر که یک «تلخند» در پی دارد این که بر اساس خبر بولتن جامعه مدرسین قرار بوده است با حرکت فوق توسط آقایان حزب مشارکت در معیت آیت الله منتظری برای ۱۸ تیرماه - سالگرد تهاجم به کوی دانشگاه تهران - درگیری احتمالی درست شود و این برنامه اجرا گردد. بولتنی‌های بی دقت توجه نداشته‌اند که تاریخ بولتن آنها که این خبر را ذکر کرده، ۱۹ تیرماه یعنی یک روز پس از آن روزی است که قرار است اغتشاش شود. با توجه به اینکه فعل‌های بکار رفته چون: «گردد»، «باشند» و «اجرا کنند» همگی فعل‌های مضارع و مربوط به آینده است چگونه احتمال دارد که مثلاً ما روز شنبه ۸۰/۳/۱ بگوئیم: حسن ۸۰/۲/۳۱ به مدرسه می‌رود!! چنانچه بولتن در ۸۲/۴/۱۹ گفته است در روز ۸۲/۴/۱۸ قرار است چنین و چنان شود!!! البته آنقدر این اخبار جسته و گریخته ساخته شده که ویراستاری هم نمی‌شود این عبارت جامعه مدرسین است: «در تیرماه وی را از راه زمینی به مشهد برود»!



● بولتن تیپ ۸۳ امام صادق (علیه السلام)، ۸۲/۴/۱۹، ش ۶، ص ۱۶:

**«گفتگوی یکی از وابستگان رژیم طاغوت با یکی از عوامل بیت آقای منتظری؛ آقای محمد درخشش (وزیر فرهنگ دولت دکتر مصدق و ساکن آمریکا) اخیراً طی گفتگویی با یکی از عوامل بیت آقای منتظری گفته است: سلام و ارادت ما را به آقای منتظری ابلاغ کنید، انشاءالله که همیشه سلامت و در مبارزاتشان موفق باشند».**

□ توضیح؛

الف: چنین خبری که با توجه به اینکه مشخص نیست کی و کجا و با چه کسی بوده، کاملاً بی اعتبار خواهد بود.

ب: هنگامی که خواننده تیر، این خبر را هم در فهرست و هم در صفحه ۱۶ مشاهده می‌کند به دنبال این خیال است که این «وابسته رژیم طاغوت»، یک ارتشی، یک مقام بلند پایه متعلق به دربار پهلوی یا یک ساواکی است. اما این خیال باطل می‌شود هنگامی که متن خبر را می‌خواند



که: «آقای محمد درخشش وزیر فرهنگ دولت مصدق و ساکن آمریکا!!» و تعجب می‌کند که تا به حال نمی‌دانستیم حکومت مردمی دکتر محمد مصدق - که نفت ایران را ملی کرد و از همان پول نفت اصحاب بولتن ارتزاق می‌کنند و او در راه آزادی زندان و تبعید کشید - توسط بولتن سازان تیپ رزمی و تبلیغی طلاب کشور این دولت «طاغوت» خوانده شود!



● بولتن تیپ ۸۳ امام صادق (علیه السلام)، ۸۲/۴/۴، ش ۵:

«خروج اطلاعات هسته‌ای ایران توسط یک عضو باند مهدی‌هاشمی؛ گفته می‌شود یکی از مسؤولان دوم خردادی، که از بستگان منتظری و باند مهدی‌هاشمی می‌باشد، در دوران مسؤولیت خود اخبار و اسنادی از میزان فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به خارج کشور ارسال کرده‌است».

□ توضیح؛

الف: مسئول دوم خردادی که بولتن سازان از وی سخن به میان آورده‌اند آقای مهدی حری از سرداران سپاه پاسداران در زمان جنگ بویژه در غرب کشور است که با دریافت مأموریت از سپاه به وزارت کشور آمد وی مدتی فرماندار مریوان بود و سپس نجف آباد و فرماندار کاشان شد، وی در زمان ساختن خبر انتقال اخبار هسته‌ای هنوز فرماندار کاشان بود وی پس از پایان مسؤولیت در کاشان فرماندار اسلام شهر شد. و در حال حاضر هم در حال بازنشستگی است و با حفظ سمت، خستگی انتقال اطلاعات هسته‌ای را در منزل «در» می‌کند!!!  
ب: با توجه به انتشار خبر دستگیری برخی از عوامل که متهم به انتقال اخبار هسته‌ای هستند، که در میان آنها هیچ اسمی از نامبرده نیست مشخص شد که بولتن سازان از این سناریو هم ره توشه‌ای نگرفته‌اند.  
نکته جالب توجه:

بولتن سازان تیپ ۸۳ فراموش کرده‌اند که این خبر را نباید در ۱۱ ماه دیگر تکرار کنند. در تاریخ ۸۳/۳/۶ با شماره مسلسل ۱۲۰ در ص ۳۸، همین خبر با تغییری ذکر شده است:

«جاسوسان هسته‌ای ایران دستگیر شدند. منابع مطلع از بازداشت مظنون انتقال اطلاعات طبقه بندی شده تأسیسات هسته‌ای ایران به خارج از کشور



خبر دادند... مشخص شد که دو تن از کارشناسان فعال در پروژه‌های هسته‌ای متهم ردیف اول جاسوسی هستند که از سوی ماموران اطلاعاتی بازداشت شده و تحت بازجوئی هستند. ملاحظه: نامبرده از فعالان حزب مشارکت و فرماندار قبلی نجف آباد بوده است که ارتباط نزدیکی با منتظری داشته است».

در خبر ۸۲/۴/۴ آقای حری فقط یک فرماندار بود اما طی ۱۱ ماه کارشناس هسته‌ای شده است! جالب اینجاست که حتی در زمان خبرسازی دومین، آقای حری فرماندار «اسلام شهر» در نزدیک پایتخت بود!



● بولتن خبری شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم مرداد ۸۲، ش ۳۹، ص ۶۳:

«رئیس دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در قم که از بستگان نزدیک شیخ حسینعلی منتظری نیز می‌باشد به جرم ارتباط نامشروع با یک زن در حین ارتکاب جرم بازداشت شده‌است».

□ توضیح؛

الف: روزی که تئوری‌ساز: «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، این نظریه را در دیار کفر ساخت باورش نمی‌شد که نظریه‌اش در میان مردمی با ادعای مسلمانی آن هم از نوع ارزشی آن، مقلدانی پر و پا قرص داشته باشند. نبود بهانه‌هایی از این دست در رابطه با مقلدان و علاقه‌مندان آیت الله منتظری دلیل نمی‌شود که نتوان با جوهره قلم آن را نساخت و به خورد کاربران بولتن‌ها نداد، چرا که هدف مقدس است آن هم تخریب و تخریب و دیگر هیچ!! دروغ می‌گویم پس هستم!!

ب: پس از چاپ چنین خبری با این خبرگزاری تماس حاصل شد که ضمن تکذیب شدید گفته شد: «یکی از کارمندان این دفتر که از اهالی استانهای کهگیلویه و بویراحمد است از این دفتر به یکی از استانهای مرکزی منتقل شده و مشغول به کار است و علاوه بر تدین وی و عاری بودن از چنین اتهامات بی شرمانه‌ای به بیت آیت الله منتظری هیچ ارتباطی نداشت».





● بولتن خبری و تحلیلی شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه اول مهر ۸۲، ش ۴۲، ص ۱۹:

«امتناع طلاب از دریافت شهریه منتظری؛ همزمان با آغاز سال تحصیلی حوزه علمیه قم بیت منتظری اقدام به توزیع شهریه در میان طلاب کرده که برخی از طلاب از دریافت آن خودداری کرده‌اند. تلاش بیت منتظری برای توزیع شهریه در مدرسه دارالشفاء بیشتر شده است. همچنین دفتر آقای منتظری منزل مرحوم احمد آذری قمی که در مقابل این دفتر قرار داشت به مبلغ نود میلیون تومان خریداری کرده است.»

□ توضیح؛

الف: در تیتراژ خبر آمده است: «امتناع طلاب از دریافت شهریه» اما در متن: «برخی از طلاب از دریافت خودداری کردند.»

ب: از ظواهر پیداست بولتن نویسان به توزیع شهریه از سوی دفتر آیت الله منتظری حساسیت خاصی دارند، چون با تمام آنچه که گفتند و نوشتند و نتوانستند جنبه علمی و سیاسی ایشان را مخدوش نمایند، بر این اساس با برخی اخبار انحرافی و ساختگی در پی تضعیف جایگاه مرجعیت از جنبه دیگر هستند و آن هم اینکه: «برخی‌ها از ایشان شهریه نمی‌گیرند!»

ج: وانگهی در طول مرجعیت شیعه هیچ بی‌بی‌بی‌ی از مراجع از خودداری یا امتناع دریافت شهریه توسط برخی طلاب به خود غمی راه نداده‌اند. بد نیست اصحاب بولتن بدانند که دوستان و همفکران آنها سر ماه از افراد اولیه هستند که برای دریافت شهریه ایشان صف می‌کشند.

د: این خبر با کمی اختلاف در بولتن شماره ۴۰ همین شورای هماهنگی منعکس شده است و برای اینکه تکراری نباشد کمی عبارات پس و پیش شده است. امان از کساد خبری!!



● بولتن جامعه مدرسین، خبر روز، ۲۸ مهر ۸۲، ش ۹۶، ص ۴:

«خبر واصله؛ در پی انتخاب شیرین عبادی به عنوان جایزه نوبل اخیراً شنیده شده است که آقای احمد قابل به دیدار آقای منتظری رفته از



ایشان خواسته است عبادی را به قم دعوت نماید و ستاد استقبال از او تشکیل شود که ظاهراً آقای منتظری ضمن انتقاد از بی‌حجابی عبادی در مصاحبه با رسانه‌های خارجی، آن را رد نموده است و این بار احمد قابل برای رسیدن اهداف خود دست به دامان احمد و سعید منتظری شده است، آنان نیز در مذاکراتی که با پدر خود داشته‌اند با جواب منفی مواجه شده‌اند، جواب منتظری به فرزندانش این بود که باید بر سر این موضوع چند روزی فکر کرد.»

□ توضیح؛

الف: یکی از طرق شناخت صدق و کذب خبر در عالم رسانه، چگونگی عبارت‌پردازی خبرساز است. اگر متنی دارای تناقض در صدر و ذیل باشد، نمی‌تواند مطابق واقع باشد. در خبر فوق از مخالفت با دعوت از خانم عبادی سخن به میان آمده، در حالی که در ذیل آن آمده است: «باید درباره این موضوع چند روزی فکر کرد.»

ب: پس از درج این خبر تکذیب‌های از سوی دفتر آیت الله منتظری به جامعه مدرسین ارسال گردید که خبر در بولتن شماره ۹۶۳ این‌گونه تکذیب شد:

«تکذیب یک خبر؛ آقای احمد منتظری از دفتر آقای منتظری ضمن ارسال نامبری به این مدیریت، خبر مندرج در خبر روز مورخ ۸۲/۷/۲۸ به شماره ۶۹۰ را در ارتباط با تشکیل ستاد استقبال از شیرین عبادی در قم و مخالف آقای منتظری با این مسئله را کذب محض دانسته و خواستار درج این تکذیب شدند.»

● بولتن جامعه مدرسین، ۸۲/۷/۳، ش ۸۸۲، ص ۲۷:

«آقای منتظری در مصاحبه با نشریه ژاپنی «یومیوری» گفته است. گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران در سال ۵۸ کار غلطی بوده است. رادیو دولتی انگلیس ضمن استقبال از این اظهارات افزود: وی بر همین اساس، خواستار از سرگیری بدون درنگ روابط ایران با آمریکا شد. (...) وی در خطبه نماز اول ۱۳۵۸ در تهران گفت: «وقتی می‌توانیم با



آمریکا رابطه داشته باشیم که دست از سر همه کشورهای اسلامی بر دارد و بگذارد مسلمانان خودشان سرنوشت خودشان را تعیین کنند». اکنون با اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا و حمایت از آمریکا از رژیم صهیونیستی و فشاری که آمریکا بر ملت‌های مظلوم فلسطین و... برای تحمیل اراده خود می‌آورد. معلوم نیست آقای منتظری برای این سؤال که چگونه برخلاف نظر خود اصرار بر، برقراری رابطه بی درنگ با آمریکا می‌نماید، چه پاسخی دارد».

□ توضیح؛

در جواب اینکه چه پاسخی دارید، می‌گوئیم:

الف: چون بولتن سازان به دلخواه عباراتی را از ایشان که مطابق متن اصلی نیست نقل کرده‌اند و صدر و ذیل مطلب را حذف کرده‌اند با اظهار نظرات پیشین ایشان مقایسه می‌کنند، قطعاً برایشان سؤال پیش خواهد آمد. در ذیل مطلب ذکر شده مبنی بر مذاکره با آمریکا در مصاحبه آیت الله منتظری، آمده است: «اگر آمریکا دست از زورگویی بر دارد و نسبت به اسرائیل این‌گونه برخورد نکند. می‌توان این دیواری را که ایجاد شده و موقتی است و دائمی نیست خراب کرد». (دیدگاهها، ج ۲، ص ۱۶۲)

ب: مردان سیاسی، در امور سیاسی با حفظ استراتژی‌ها گاه در تاکتیک‌ها بدنبال انعطاف هستند. دنیای سیاست دنیای فرصت‌هاست آنکه از فرصت‌ها به خوبی بهره‌برد کمترین خسارت را در این حوزه خواهد دید. اگر روزگاری با توجه به جو و شرایط روزگار قطع رابطه با آمریکا ارزش محسوب می‌شد چنین ارزشی مثل توحید و نبوت نیست که قابل تغییر نباشد بلکه یک تاکتیک است که می‌تواند روزگاری با قواعد آزمون و خطا به ضد ارزش مبدل گردد. در مسیر سیاسی آیت الله خمینی (ره) موارد بسیاری از انعطاف در امور سیاسی را مشاهده می‌کنیم این‌گونه انعطاف‌ها نه از باب انفعال بلکه نشان از درایت و دخیل دانستن عنصر زمان و مکان در عمل سیاسی است. اگر آیت الله منتظری قطع رابطه با آمریکا را با توجه به جو و شرایط اوایل پیروزی انقلاب مفید می‌دانستند و ادامه آن را هم به ضرر مردم آمریکا هم مردم ایران می‌دانند قطعاً نمی‌توان بر ایشان خرده گرفت که: چرا میان اظهارنظر شما در سال ۵۸



و ۸۵ تعارض وجود دارد؟ ایشان پیرامون بحث رابطه با آمریکا اعتقاد به رعایت نظر کارشناسان داشته و می‌گویند:

«کارشناسان باید با رعایت مصالح کشور و ملت نظر بدهند و بدون هرگونه شعار تو خالی و تهی با رعایت جوانب امر اقدام شود. رابطه با آمریکا خط قرمزی نیست که نتوان از آن عبور کرد و تا ابد با آمریکا سر میز مذاکره نشست». (دیدگاهها، ج ۲، ص ۱۰۸)

□□□

● بولتن جامعه مدرسین، ۸۲/۸/۸، ش ۸۲۵، ص ۲۵:

«اخبار و گزارش‌های واصله از تلاش عناصر پشت صحنه برای طرح مجدد آقای منتظری و کشاندن وی به صحنه سیاسی کشور و طرح ادعاهای گذشته حکایت می‌کند. بر این اساس وی که اخیراً (۸۲/۶/۱۵) از منطقه خوش آب و هوای قم «خواه» که تابستان را در آنجا سپری کرده بود به قم بازگشته است فعالیت‌های مغرضانه‌ای را به بهانه تدریس آغاز کرده و در قالب مباحث درسی و یا مصاحبه با نشریات خارجی، اغراض سیاسی افراطیون سیاسی را با نوعی مظلوم‌نمایی و با طرح مسایلی انحرافی مطرح و بر اتهامات واهی گذشته خود علیه نظام، مسؤولین و رهبری نظام تأکید می‌کند».

□ توضیح؛

ادبیات ذکر شده بالا چون: «فعالیت‌های مغرضانه»، «اتهامات واهی علیه نظام» و «طرح مسائل انحرافی» توهین‌هایی است که بولتن جامعه مدرسین به ایشان روا داشته است به نظر هم نمی‌رسد با توجه به روابط حسنه برخی از اعضای این جامعه با آیت الله منتظری، بزرگان این جامعه از برخی فعالیت‌های انجام شده با نام جامعه مدرسین اطلاع کافی داشته‌اند. گذشته از این به نظر می‌رسد عبارات فوق توسط بولتن سازان جامعه مدرسین عیناً از بولتن‌های دیگری نقل شده است بدون آنکه توسط آنان تحقیقی بر صحت و سقم مطالب صورت گیرد.

□□□

● در ادامه همین بولتن مطالبی به نقل از ایشان ذکر شده که پس از ذکر موارد به توضیحات

توجه می‌کنیم:

«آنچه در ذیل می‌آید، نمونه‌هایی از فعالیت‌های هدفمند و دستهای پنهان و آشکار بیت آقای منتظری است. آقای منتظری در تاریخ ۸۲/۶/۲۰ به بهانه ۱۳ رجب قبل از درس نهج‌البلاغه طی سخنانی با تکرار موهومات ۶ سال قبل خود، آن را دفاع از مرجعیت شیعه، روحانیت و حوزه‌های علمیه دانست. وی با تعرض نسبت به محاکمات قضایی، بازداشت محکومین سیاسی و مجرمین سیاسی را موجب رنجش مردم از دین دانست».

□ توضیح؛

در ذیل جملات آیت الله منتظری علت رنجش مردم ذکر شده که به عمد حذف شده است: «چون (مردم) خیال می‌کنند دین همین است که برخی آقایان انجام می‌دهند و متأسفانه بعضی از آقایان که این کارها را انجام می‌هند خودشان را مجسمه دین پنداشته و دین را فقط آنچه آنها می‌فهمند می‌دانند و انتظار دارند مردم هم کورکورانه از آنان پیروی کنند. در صورتی که این گونه نیست و خدا به مردم عقل داده و بسیاری از آنان اهل تشخیص هستند. (دیدگاهها، ج ۲، ۱۵۲)

□ □ □

● در همان بولتن به نقل از ایشان دربارهٔ رابطه با آمریکا آمده است:

«غیر از اسرائیل که ما آن را کشور قانونی نمی‌دانیم، قاعدتاً با هر کشوری از جمله آمریکا که یک کشور قانونی است و در دنیا به عنوان یک کشور مطرح است می‌توانیم رابطه داشته باشیم (...). جدایی از آمریکا چیز موقتی بود».

□ توضیح؛

به جای سه نقطه که بولتن سازان گذاشته‌اند عبارتی که مکمل است حذف شده است، عبارت حذف شده چنین است: «لکن رابطه دو کشور مستقل و داشتن روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به نفع هر دو طرف خواهد بود». (همان، ۱۶۲)



□ □ □

● در همان بولتن آمده:

«آقای منتظری در دیدار با روزنامه ال‌پائیس مهم‌ترین نشریه اسپانیا در پاسخ به سؤال مبنی بر اینکه آیا شما با حضور مذهب در حکومت اعتقاد دارید؟ چنین می‌گوید: اگر این حضور به دیکتاتوری بیانجامد، صددرصد با آن مخالفم. وی که به نظر می‌رسد کاملاً از نظام اسلامی و حکومت دینی بریده و آن را بر نمی‌تابد در ادامه با زیر سؤال بردن نظام مدعی می‌شود اگر این حضور نتیجه‌ای چون آنچه ما در ایران درگیر هستیم به دنبال داشته باشد، من شدیداً مخالف ادغام مذهب در حکومت هستم و اگر این همزیستی به معنای دخالت (حضرت آیت‌الله العظمی سید) علی‌خامنه‌ای در کلیه امور کشور و زندگی مردم باشد من با صراحت می‌گویم که اصلاً مخالف هر گونه حکومتی مذهبی هستم و خواهان جدایی دین از سیاست می‌باشم».

□ توضیح؛

مطالب ذکر شده براساس برداشت خاص بولتن سازان است و مطابق متن نیست پرسش و پاسخ این است:

«سؤال: با توجه به فراز و فرودی که حکومت دینی در ایران داشته است، آیا شما با این حال هنوز قائل هستید سیاست عین دیانت است؟

جواب: دستورات اسلام منحصر در مسائل عبادی و اخلاقی نیست، بلکه در مسائل اقتصادی و سیاسی و حاکمیت نیز اسلام دستور و برنامه دارد، ولی این گونه که آقایان از دین سوءاستفاده می‌کنند مورد قبول من نیست. این که یک نفر همه‌کاره باشد و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، سیاست خارجی و مانند آن بخواهد اظهار نظر کند و دیگران حق اظهار نظر نداشته باشند را قطعاً نمی‌توان قبول کرد. هر حوزه‌ای متخصص خودش را دارد و باید به متخصص آن فن مراجعه کرد، و فقیه هم از آن جهت که فقیه و عالم است - به مناسبت حکم و موضوع - باید به جنبه فقهی بپردازد و نظارت کند که برخلاف موازین اسلام کاری انجام نشود.



و این که نامش را ولایت مطلقه فقیه می‌گذارند به این معنی که یک نفر بدون چون و چرا حق دخالت در همه امور داشته باشد را من قبول ندارم، و به بازنگری قانون اساسی هم که ولایت مطلقه به آن اضافه شده بود رأی ندادم». (همان، ص ۱۷۳).

□□□

● در همان بولتن از قول رادیو فردا به نقل از آیت الله منتظری آمده:

**«حکومت آینده این کشور(عراق) نباید اسلامی و نه چون نظام حاکم بر ترکیه، ضد مذهبی باشد. در عراق دولتی تشکیل شود که ضمن در نظر گرفتن فرهنگ اسلامی، حقوق دیگر اقلیت های مذهبی و قومی را نیز در نظر داشته باشد».**

□ توضیح؛

سوگمندان باید گفت: عبارت فوق بدست بولتن سازان یک تشکیلات بزرگ روحانی به کلی تحریف شده است؛ اصل عبارت چنین است:

«به واسطه همگونی در بسیاری از مسائل دو کشور، آینده دو کشور از لحاظ سیاسی و فرهنگی نمی‌تواند از هم جدا باشد و خواهی نخواهی بر یکدیگر تأثیر خواهند گذاشت. حاکمیتی هم که در عراق پا می‌گیرد باید بر طبق نظر اکثریت جامعه آنجا باشد و حکومت مردمی مطابق خواست آنها هرچه زودتر بایستی تشکیل شود؛ و چون مردم عراق مانند مردم ایران مسلمان هستند، چگونگی حکومت بر اساس موازین اسلامی شکل می‌گیرد و حاکمیت آن نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن دین و مذهب باشد، و اقلیت‌ها هم باید آزادانه بتوانند از حقوق شهروندی برخوردار باشند؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرمایند: «واشعر قلبک الرحمة للرعیة، والمحبة لهم... فإئهم صنغان: إما أخ لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق» یعنی با رعیت با رحمت و محبت برخورد کن، چون آنها یا برادر دینی تو هستند یا در خلقت با تو نظیرند و انسان هستند. و همچنین در قرآن حق کرامت برای تمام انسانها به رسمیت شناخته شده است و می‌فرماید: (و لقد کرمنا بنی آدم)». (همان، ص ۱۷۵)

□□□

● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه اول آذر ۱۳۸۲، ش ۴۶، ص ۱۴:



«شنیده شده است به دنبال دست دادن و روبوسی شیرین عبادی (...). از منتظری استفتاء شده است که وی پاسخ داده است: شیرین عبادی عجزه است. اشکال ندارد! جالب این جاست که خود منتظری شیرین عبادی را به دلیل عدم رعایت حجاب نپذیرفته و حاضر به دیدار با او نشده است».

□ توضیح؛

الف: اطلاع از فتاوی مراجع تقلید، یا از رساله معتبر یا استفتاءات مورد تأیید یا دو شاهد عادل بدست می‌آید، مشخص نیست چنین خبر ساختگی از کجا نقل شده است، سناریوی دیگر در پس تهاجم سیاسی به آیت الله منتظری، نشر موارد خلاف فقهی با هدف تخریب نزد متدینان صورت می‌پذیرد.

ب: براساس بررسی‌ها هیچ درخواستی از سوی خانم شیرین عبادی برای ملاقات صورت نگرفته است.

□□□

● بولتن تیپ ۸۳، ۸۲/۹/۶، ش ۱۵، ص ۲۰-۲۱:

**«یکی از افراد در ایام ۱۳ رجب از منتظری خواسته بود همزمان با ۱۳ رجب همانند ۱۳ رجب چند سال قبل مطالبی را مطرح کند، منتظری در پاسخ گفته بود: همان ۱۳ رجب برای هفت پشت من بس است».**

□ توضیح؛

منبع چنین اظهاراتی از سوی اصحاب بولتن مشخص نیست، گویا خلاف به عرض رسانیده‌اند. آیت الله منتظری در ۱۳ رجب مصادف با ۸۲/۶/۱۹، طی بیاناتی گفته‌اند:

«برادران و خواهران در خاطر دارند که شش سال قبل در چنین روزی به مناسبت ۱۳ رجب برای دفاع از مرجعیت شیعه و روحانیت، و حوزه‌های علمیه و... مطالبی را که به عقیده‌ام وظیفه شرعی بود بیان کردم و این مطالب در آخر جلد دوم کتاب خاطرات اینجانب به ثبت رسیده است. و ناراحتی آقایان از خاطرات من همین است که برخی مطالب حق و واقعیات در آن به ثبت رسیده است، و آقایان می‌خواهند کارهای خلاف آنان به ثبت نرسد تا مردم فراموش کنند، و لذا مانع از چاپ آن می‌شوند. متأسفانه در برابر تذکرات من جنایاتی در این منطقه مرتکب



شدند: قرآن پاره کردند، کتابهای علمی و دینی را پاره کردند، فحاشی کردند، کوبیدند، زدند و شکستند که آثار جرمشان هنوز باقی است. حسینیه‌ای که محل سوگواری حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود و درس فقه آل محمد علیهم السلام در آن گفته می‌شد با همان وضع فلاکت باری که بر آن وارد نمودند و در داخل آن چه کارهایی انجام دادند هنوز پس از شش سال آثارش باقی است. خود حسینیه شاهد است که چه‌ها بر آن گذشت و اکنون هم درب آن بسته است. چنین برخوردهایی برای دین و روحانیت موجب ننگ است. باید آقایان توجه داشته باشند هیچ‌وقت با زور و چماق نمی‌توان از دین خدا محافظت کرد. همین بازداشت‌های سیاسی و محاکمات از این دست و برخوردهای تند که انجام می‌شود موجب رنجش مردم از دین خدا خواهد شد. چون خیال می‌کنند دین همین است که برخی آقایان انجام می‌دهند، و متأسفانه بعضی آقایان که این کارها را انجام می‌دهند خودشان را مجسمه دین پنداشته و دین را فقط آنچه آنها می‌فهمند می‌دانند و انتظار دارند مردم هم کورکورانه از آنان پیروی کنند. در صورتی که این‌گونه نیست و خدا به مردم عقل داده و بسیاری از آنان اهل تشخیص هستند. نسبت به کارهای خلافی که انجام گرفت کسانی که تأیید کردند و آنهایی که می‌توانستند حرف بزنند و سکوت کردند همگی در روز قیامت باید پاسخگو باشند. و اگر در این دنیا بتوان حقایق را به گونه دیگری منعکس نمود اما در آخرت نمی‌توان از این کارها کرد و شکر خدا که ما به قیامت اعتقاد داریم. مولی امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت آخرشان به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» یعنی دشمن ستمکار و یاور مظلوم باشید.

از من سؤال می‌شود که چرا دیگر در مسائل اظهارنظر نمی‌کنید، واقعیت امر این است که من مطالب بسیاری را بارها گفته و تذکر داده‌ام به این امید که گوش شنوایی باشد اما متأسفانه گوش شنوایی نیست. در این صورت تکرار مکررات بی‌فایده به نظر می‌رسد. (همان، ص ۱۵۱-۱۵۳) جالب آنکه بیش از دو ماه از چاپ این خبر در بولتن تیپ ۸۳ نگذشته بود که این خبر دست دوم در بولتن جامعه مدرسین در تاریخ ۸۲/۱۱/۱۶ شماره ۸۳۵ عیناً به چاپ رسیده است به نظر می‌رسد یک منبع واحد در پس این خبر سازیه‌ها وجود دارد اما هماهنگی کمتری میان آنها به چشم می‌خورد!



● بولتن جامعه مدرسین، ۸۲/۹/۱۳:

«با زیر سؤال رفتن شیرین عبادی و کسانی که در مراسم انجمن به اصطلاح انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر با وی دست دادند تلاش‌هایی برای حلال جلوه دادن این اقدام حرام به عمل آمد و آقای منتظری در جواب سؤالاتی که در این زمینه شد حکم به حلیت این عمل حرام داد تا مشکل پدید آمده را حل نماید.»

□ توضیح؛

این فتوا هیچ ارتباطی از نظر زمانی، مکانی موضوعی و مصداقی با حادثه پیش آمده در دانشگاه مذکور ندارد چون‌که:

در اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ که هنوز آیت الله منتظری در زندان خانگی به سر می‌بردند، یکی از دانشجویان مقیم اروپا که با یکی از سفارتخانه‌های ایران همکاری می‌کند با خانم‌های دیپلماتی دیگر کشورها مرادۀ اداری دارد، اما در عرف دیپلماسی ما، از دست دادن با آنها خودداری می‌کنند؛ که به عقیده وی توهین به کشور حتی به اسلام است و آنها برای ندادن دست مجبورند کارهای عجیب و غریب انجام دهند، وی خواسته است در این خصوص چاره‌ای اندیشیده شود. آیت الله منتظری ضمن پاسخ، با شرایط زیر دست دادن را بی‌اشکال می‌داند:

۱- زن غیر مسلمان برای خودش حرمتی قایل نباشد.

۲- در دست دادن قصد لذت و فساد اخلاقی نباشد وگرنه مطلقاً حرام است.

۳- حلیت مصافحه در محیط و شرایطی است که ضرورت عرفی در بین باشد.

۴- اما اگر دست دادن از روی لباس یا با دستکش ممکن باشد، احتیاط رعایت شود. (دیدگاهها، ج ۱، ص ۵۷۱).

بنابر این، این فتوا ارتباطی با ماجرای ۱۷ ماه بعد ندارد و آنچه در بولتن جامعه مدرسین به عنوان استفتای ایشان چاپ شده است مطلب جدیدتری در بر ندارد و ناظر به همان فتوای سابق است.



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم فروردین ۱۳۸۳، ش ۵۵، ص

«حسینعلی منتظری در گفتگو با مجله تایم چاپ آمریکا در خصوص تحولات عراق و گروه مقتدا صدر گفته است: اگرچه طرفداران مقتدا صدر نام سربازان مهدی را برای خود برگزیده‌اند ولی حضرت مهدی (عج) هیچگاه راضی نخواهد بود به نام ایشان تفرقه، جدایی و جناح‌بازی پدید آمد [آید]. ملاحظه: آقای منتظری توضیح نداده است که آیا حضرت مهدی (عج) راضی هستند سرزمین اسلامی و کشور اهل بیت در اشغال کفار باشد یا خیر؟»

□ توضیح؛

الف: چون گذشته در اینجا هم صدر و ذیل حذف شده است. آیت الله منتظری اعتقاد دارد: «قاعدش این است که با هماهنگی با آیت الله سیستانی و سایر علمای اعلام و با اتحاد با مذاهب اهل سنت و کردها که مسلمانند، دولتی با ثبات را تشکیل دهند وگرنه ادامه چنین وضعیتی برای همگی خطرناک خواهد بود». (دیدگاهها، ج ۲، ص ۲۹۸).

ب: در پاسخ سؤال بولتن سازان مبنی بر اینکه آیا امام زمان راضی به اشغال عراق است یا نه؟ می‌گوییم: اصل سقوط صدام آن هم به دست نیروی خارجی مورد استقبال همه مردم ایران و هم عراق و بسیاری از کشورهای منطقه و جهان قرار گرفت اما اینکه آیا اشغال باید ادامه یابد، اختلاف نظر وجود دارد. آیت الله منتظری معتقد است بایستی پس از روی کار آمدن دولت با ثبات، نیروهای خارجی باید این کشور را ترک کنند و حتی در برخی از اظهار نظرات سخن از ویتنامی دیگر برای آمریکاییها به میان آورده است. اما آیا روشهای مقتدا صدر - که مورد حمایت مقامات ایرانی است - تا چه حدی توانسته است در ایجاد آرامش کار ساز باشد؟ ما از اصحاب بولتن سؤال می‌کنیم آیا امام زمان راضی است که گنبد حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مورد هدف قرار گیرد؟ که منزل آیت الله سیستانی با تیربار مورد حمله واقع شود؟ که در حرم علوی خون سید عبدالمجید خویی فرزند آیت الله خوئی (ره) ریخته شود؟ که گروه گروه مردم عراق اعدام صحرايي شوند؟ که در پای چوبه دار صدام صلوات بر محمد و آلش بفرستیم تا تخم کینه و انتقام را در دل اهل سنت بکاریم و در سمت و سوی امیال «سیا» و «موساد» حرکت کنیم؟ و...



ج: بی شک اگر به تذکرات خیرخواهانه آیت الله منتظری توجه می‌شد و حمایت‌های مادی و معنوی از مقتدا صدر صورت نمی‌گرفت و مورد استقبال مقامات عالی نظام واقع نمی‌شد، کار به جایی نمی‌رسید که او یکی از عوامل خشونت‌های فرقه‌ای در عراق باشد و مقامات دیر تصمیم‌گیر ما در حال حاضر تصمیم بگیرند که از ورودش به ایران جلوگیری به عمل آورده، از او بخواهند دست از تفرقه برداشته با مجلس اعلای عراق و مرجعیت آیت الله سیستانی هماهنگ شده از اقدامات تندروانه دست بردارد و... (رک: روزنامه مردم سالاری و اعتماد ملی ۸۵/۱۰/۳۰) و اینجا فقط می‌توان گفت: «آنچه پیر ما در خشت خام می‌دید دیگران در آئینه صاف هم نمی‌دیدند».

د: اما جالب توجه اینکه: در حالی اصحاب بولتن از مقتدا صدر دفاع می‌کنند و بر آیت الله منتظری خرده می‌گیرند که خود به قاتل بودن وی اعتراف کرده بودند. در همین بولتن در نیمه اردی بهشت ماه ۱۳۸۲، ش ۳۲، آمده است:

«گفته می‌شود یک گروه افراطی در عراق که توسط فرزند شهید صدر هدایت می‌شود سید عبدالمجید خویی را به قتل رسانده است. گروه صدر ثانی که عقایدی همانند گروه فرقان در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران دارد برای قتل تولیت آستان مقدس حرم حضرت علی (علیه السلام) در نجف اشرف رفته بودند، خویی در میان آنها حاضر شده بود که مانع قتل وی شود. در این جریان دو گلوله تیر از کلت خود شلیک کرده است که مهاجمان که خویی را عامل انگلیس می‌نامند به وی حمله ور شده و وی را به قتل می‌رسانند. گروه صدر ثانی همچنین به آیت الله سیستانی ۴۸ ساعت فرصت داده بودند که شهر نجف را ترک کند. اما با حضور مقلدان آیت الله سیستانی در محل اقامت ایشان، این توطئه خنثی شد».

خدا وکیلی مقتدا صدر از حامیان ایرانی اش چه خبری دیده است که روزی به نعل و روزی به میخ می‌زنند!!



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم اردی بهشت ۱۳۸۳، ش ۵۷،

«خط مشی سیاسی منتظری الگوی کاری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌شود. گفته می‌شود مصطفی تاج‌زاده عضو این سازمان در جلسه‌ای با اعلام این مطلب که باید خط مشی سازمان و گروه‌های دوم خردادی همانند آیت الله منتظری، انتقاد کردن و دوری از هر گونه منصب حکومتی باشد».

□ توضیح؛

مجدداً خدای بزرگ را شاکریم که علیرغم همه تبلیغات سالیان متمادی گذشته، مشخص شد که آیت الله منتظری نه تنها ساده لوح و تأثیرپذیر نیست بلکه به دیگران هم خط مشی سیاسی می‌دهد.

□□□

● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۸۳، همان، ص ۲۹:

«حسینعلی منتظری در گفتگو با تلویزیون بی بی سی تلویحاً به حمایت از گروهک تروریستی منافقین و افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی پرداخته است. وی گفته است در جریان انقلاب گروه‌های زیادی نقش داشتند، مجاهدین خلق، کمونیستها، لیبرالها. گروه‌های دیگر که گروه اسلامی حاکم شد و آنها را کنار زد به نظر من حذف آنها به طور کلی کار درستی نبود. قاعده‌اش این بود که آنها آزادانه در انتخابات کاندیدا می‌شدند و اگر مردم به آنها تمایل داشتند چه اشکالی داشت آنها هم چند نماینده در مجلس داشته باشند... وی در توجیه ادعای به اصطلاح دلسوزانه خود نسبت به آدم‌کش‌های بین‌المللی خواستار حضور تروریست‌ها در حاکمیت شده است. ملاحظه: منتظری در حالی از گروهک منافقین حمایت کرده که این گروهک خشن‌ترین اقدامات تروریستی را انجام داده‌اند و مردم را به گلوله می‌بستند و در دوران جنگ در کنار نیروهای صدام بودند و جاسوسی

□ توضیح؛

در اینجا نیز همان روش ضد اخلاقی حذف صدر و ذیل عبارات تکرار شده است، اصل عبارت:

«سؤال: در جریان انقلاب گروه‌های زیادی نقش داشتند، مجاهدین خلق، کمونیستها، لیبرالها و گروه‌های دیگر که گروه اسلامی حاکم شد و آنها را کنار زد. در این مورد توضیح خاصی دارید بفرمایید؟

پاسخ: این که گروه‌های زیادی در انقلاب نقش داشتند درست است، ولی پس از پیروزی برخی از آنها انتظار داشتند حکومت صد درصد در اختیار آنها باشد و وقتی مایوس شدند دست به اسلحه بردند. البته به نظر من حذف آنها به طور کلی کار درستی نبود، قاعده‌اش این بود که آنها آزادانه در انتخابات کاندیدا می‌شدند و اگر مردم به آنها تمایل داشتند چه اشکالی داشت آنها هم چند نماینده در مجلس داشته باشند. اگر مخالف‌خوانی هم می‌کردند ضرری به جایی نمی‌زد. بالاخره طرد کلی و حذف آنها نه تنها صحیح نبود بلکه باعث آن شد که آنها جبهه‌گیری کنند.

من یادم هست مسعود رجوی در زندان در شب چهارم آبان نزد من آمد و می‌گفت: شما به آیت‌الله خمینی در پاریس بنویسید که ما یک گروه مسلمان و مسلح و مجهزیم شما کشور را در اختیار ما بگذارید. با چنین انتظاری و از سوی دیگر طرد کلی آنها مشکلات زیادی را تحمل کردیم و هنوز هم ادامه دارد. کشور متعلق به همه مردم است، و همه طبقات در سیاست کشور حق اظهار نظر و انتخاب دارند، همان‌گونه که اقلیت‌های دینی نیز حق انتخاب نماینده دارند».

(همان، ص ۲۸۳).

در اینجا به خوبی عیان است که بی‌پروایان بولتن‌ساز، قسمتی از سؤال را در پاسخ مخلوط کرده‌اند، تا به راحتی آنچه می‌خواهند درباره‌ی ایشان به مخاطب القا نمایند، و بی‌گناه آن خواننده‌ای که بدون تحقیق مطالب بولتن‌های دروغ پرداز را خمیر مایه مواضع خویش قرار می‌دهند ولی به نظر می‌رسد آنها را نمی‌توان جاهل قاصر نامید چنین خوانندگانی را نمی‌توان بی‌گناه لقب داد.



ب: اعتقاد آیت‌الله منتظری براینکه می‌بایست آنان را در حاکمیت دخیل می‌کردیم، متعلق به زمانی است که آنها دستشان به خون بی‌گناهان آغشته نشده بود، از آن زمان تا کنون هیچ حمایتی از سوی ایشان درباره گروه رجوی صورت نگرفته است. اگر در جایی - چون نامه‌های ایشان به آیت‌الله خمینی - مطالبی درباره رعایت حقوق انسانی آنها دیده می‌شود ارتباطی با کسانی که قاتل بوده‌اند و با رعایت ساز و کارهای قانونی و شرعی جرمشان ثابت شده است، ندارد. آنچه که مورد اعتراض ایشان بود - و عامل اصلی خداحافظی با حاکمیت - اعتراض به اعدام انبوه کسانی بود که دوره محکومیت خویش به اتهام ارتباط با گروه رجوی را طی می‌کردند و خونی نریخته بودند. اینها که یا ۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر بودند پس از عملیات «فروغ جاویدان» یا «مرصاد» اعدام شدند، یعنی دیگران که از همفکران اعدام شدگان بودند در اسلام آباد غرب جنایت کردند اما سمپات‌های آنان در زندان به جای آنان مجازات شدند!!



● بولتن تیپ ۸۳، ۸۳/۳/۶، ش ۲، ص ۲۴:

«یک عضو خود ساخته، موسوم به انجمن دفاع از آزادی مطبوعات گفت: ما برای تقویت انگیزه اعضاء اخیراً دیداری با آقای منتظری ترتیب دادیم که متأسفانه ایشان همان حرف‌های محافظه کاران را می‌زد. وی اظهار داشت: آقای سیف‌زاده - وکیل مطبوعات زنجیره‌ای - در این دیدار خیلی تلاش کرد تا حرف جدیدی از آقای منتظری به نفع روزنامه نگاران بکشد اما وی اصرار داشت که برخورد با مخالفان در زمان علی‌علیه، در دوران آقای خمینی و در تمام دنیا سابقه داشته و دارد».

□ توضیح؛

مطالب ذکر شده کاملاً کذب و خلاف واقع است و علاوه بر تخریب چهره آیت‌الله منتظری، به امام علی‌علیه هم جسارت شده است. آیت‌الله منتظری در این باره چنین گفته‌اند: «هنگامی که امام علی‌علیه می‌فرمایند: «فلا تکفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإني لست في نفسي بفوق أن أخطئ»، ایشان با این که معصوم هستند می‌فرمایند: «از گفتار حق و مشورت عادلانه دست برندارید زیرا من در ذات خود بالاتر از خطا کردن نیستم». هنگامی که به سیره



امام علی‌علیه نگاه کنید خواهید یافت که آن حضرت چگونه آزادی بیان مخالفان را به رسمیت می‌شناخت، چگونگی برخورد آن حضرت با خوارج نهروان تا زمانی که دست به شمشیر نبرده بودند یکی از مصادیق آزادیهای زمان حاکمیت امام علی‌علیه است. همان‌گونه که در تاریخ بیان شده خریّت‌بن‌راشد که یکی از سران خوارج بود گروهی را در مخالفت با حکومت علی‌علیه تشکیل داده بود، اطرافیان به حضرت فشار می‌آوردند که چرا آنها را دستگیر نمی‌کنید؟ حضرت فرمودند: «إذن ملأنا السجون منهم» در این صورت زندانها پر خواهد شد؛ و عبدالله بن کواء در نماز جماعت امیرالمؤمنین علی‌علیه علیه آن حضرت شعار می‌داد و هرگز مزاحم او نشدند. مع‌الاسف امروزه روشهای اتخاذ شده در زندانی کردن نخبگان جامعه و محاکمات آنان به گونه‌ای است که جامعه را فلج کرده و فاصله بین نخبگان و حاکمیت را نیز عمیق کرده است، و این کارها با اخلاق نبوی و سیره علوی سازگار نیست. این‌گونه برخوردها بخصوص با صاحبان و دست‌اندرکاران جراید، گذشته از این که رشد جامعه را از نظر فرهنگی مختل خواهد نمود، چون به نام دین و اسلام و حفظ ارزشها صورت می‌گیرد بازتاب ناخوشایندی در دنیا و مردم خودمان بخصوص نسل جوان خواهد داشت و موجب بدبینی آنان به اسلام و دین خواهد شد». (همان، ص ۹۶-۹۷).



● بولتن تیپ ۸۳، ۸۳/۳/۲۸، ش ۲، ص ۳۰:

«۳۰ بهمن ۶۶ محتشمی نامه‌ای به امام می‌نویسد که به مفهوم این است که این تحرکات ملی مذهبی‌ها برای نفوذ به داخل نظام در بخش‌هایی از مجموعه نظام مؤثر واقع شده است که منجر به سؤال محتشمی می‌شود. به نظر می‌رسد که فشارهایی از سوی منتظری باعث نامه‌نگاری به امام می‌شود و الا نامه نوشتن به امام سابقه نداشت».

□ توضیح؛

قبل از هر قضاوتی نامه آقای محتشمی وزیر وقت کشور را در تاریخ ۶۶/۱۱/۳۰ ذکر می‌کنیم: «با توجه به اهمیت و نقش سرنوشت ساز مجلس شورای اسلامی، نهضت آزادی در ماههای اخیر فعالیت گسترده‌ای را جهت به اجرا درآمدن





## قانون احزاب و آزادی سیاسی آنان و نیز حرکت تبلیغاتی گسترده‌ای راجع به انتخابات و راه یافتن به مجلس را آغاز کرده‌است»

وی پس از ذکر برخی از مواضع نهضت آزادی سؤال می‌کند که: «آیا نهضت آزادی صلاحیت دارد که در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت نموده و نماینده‌ای در مجلس داشته باشد؟». (صحیفه امام، مؤسسه نشر آثار امام، ج ۲۰، ص ۴۷۹-۴۸۰)

همان گونه که از متن نامه آقای محتشمی بر می‌آید هیچ کار خارق‌العاده‌ای چون فشار از سوی آیت الله منتظری در اینجا صورت نگرفته است بلکه نهضت آزادی در اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی بوده است تا تحت عنوان یک حزب وارد صحنه انتخابات شود و پس از آنکه خود را در معرض رأی مردم قرار دادند، اگر مردم به آنها اقبال کردند از نظر قانونی آنها وکیل مردم خواهند بود. نامه نوشتن به امام هم بر همین اساس صورت گرفت تا حکم شرعی پس زدن آنها از رقابت سیاسی فراهم گردد آن هم با مایه گذاشتن از حکم امام!!



● بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، نیمه دوم آذرماه ۱۳۸۳، ش ۶۶، ص ۶۳:  
**«پایگاه اینترنتی بی‌بی‌سی با درج تازه‌ترین فتوای آیت الله منتظری از قول وی نوشت:**

**«مسلمانان اروپا در شرایط اضطراری می‌توانند حجاب خود را کاهش دهند و یا تبدیل کنند. آقای منتظری در پاسخ بی‌بی‌سی درباره بحران حجاب در اروپا گفت: گرچه حجاب از دستورات اسلام است ولی رعایت شکل خاصی از آن ضروری دین نیست. وی معتقد است: اگر زن مسلمانی با قوانین برداشتن حجاب با مخالفت روبرو نمی‌شود مهاجرت کند ولی اگر انجام آن کار یا شغل برای او ضروری است بعید نیست گفته شود که به اندازه رفع ضرورت بتواند مقداری از حجاب خود را که ملزم به برداشتن آن می‌باشد بردارد.»**

□ توضیح؛

مطلب ذکر شده برداشت بولتن ساز از یک فتوا است که البته مغرضانه برداشت شده است. در



نقل یک فتوا نمی‌توان مطالب را کم و زیاد کرد؛ اما اصل پرسش و پاسخ چنین است:  
**«حضرت آیت الله منتظری با سلام**

همان طور که مستحضرید مسأله حجاب در اروپا به یک مشکل روزمره تبدیل شده است. کشورها قوانینی می‌گذارند که داشتن حجاب را برای دانش‌آموزان یا زنان معلم ممنوع می‌کند. من به عنوان یک مسلمان و یک ژورنالیست مایل هستم فتوای حضرتعالی را در این زمینه بدانم:

سؤال: آیا زن مسلمان می‌تواند حجاب خود را در شرایط اضطراری بردارد؟ آیا باید خانه‌نشین شود یا تحصیل و تدریس را مقدم بدارد؟  
 این مسأله روز در جهان غرب برای مسلمین است. ممنون می‌شوم که نظر فتوایی شما را در این زمینه دریافت کنم. طبیعتاً این فتوی را در بی‌بی‌سی منعکس خواهیم کرد تا دیگران هم تکلیف خود یا دست‌کم نظر یک مرجع شیعه را بدانند.

پاسخ: اینجانب نیز متقابلاً عید سعید فطر را به شما و همه مسلمین جهان تبریک می‌گویم.  
 در این که اصل حجاب برای زن یکی از دستورات ضروری دین مبین اسلام است شکی نیست، اگر چه شکل خاصی از آن ضروری دین نمی‌باشد. بنابراین اگر زن شغلی دارد یا می‌خواهد کاری انجام دهد که مراعات حجاب برای او ممکن نیست، باید از آن شغل یا کار صرف‌نظر کرده و کار دیگری را انتخاب کند که بتواند حجاب شرعی را رعایت نماید. و اگر این امر نیز برای او مقدور نیست، پس اگر ترک آن کار یا آن شغل او را به مشقت و عسر شدید و غیرقابل تحمل می‌اندازد و انجام آن کار یا شغل برای او امری ضروری است، در این صورت بعید نیست گفته شود به اندازه رفع ضرورت و عسر و حرج بتواند مقداری از حجاب خود را که ملزم به برداشتن آن می‌باشد بردارد، مشروط بر این که دست برداشتن از پوشش اسلامی در موارد مذکور باعث فراموشی و از بین رفتن حجاب که شعار دین است نشود. اما اگر بتواند به گونه‌ای از مثل کلاه یا نهایتاً گلاهی گیس - هرچند زینت شمرده می‌شود - و مانند آن برای پوشش استفاده کند باید چنین نماید.

ضمناً مسلمانان جهان باید ضمن تشکیل محافل و گردهمایی‌ها و سایر طرقی که در توان



آن‌هاست از ارزش‌های اسلامی دفاع نموده و از دولت‌هایی که خود را مدعیان رعایت حقوق بشر می‌دانند بخواهند که حقوق مسلمانان را محترم شمرده و رعایت نمایند. ان شاء الله موفق باشید». (دیدگاهها، همان، ص ۳۷۶-۳۷۷)

برخوردهای این چنینی با فتاوی مخالفان کاملاً رنگ و بوی سیاسی می‌دهد و گرنه با فتوایی مشابه و با وسعت نظر بیشتر نسبت به حجاب، هیچ برخوردی صورت نمی‌گیرد، به این فتوا که از سوی یکی از موافقان صادر شده توجه می‌کنیم:

«حفظ حجاب به میزانی لازم است که افراد از تحصیل منع نشوند... نباید طوری شود که دختران و زنان مسلمان از تحصیل محروم و در آینده قشر عقب افتاده باشند». (آفتاب یزد ۴/۱۱/۸۵)

□□□

● بولتن تیپ ۸۳، ۲۴/۱۰/۸۳، ش ۱۶، ص ۴۶-۴۷:

«اعتراض اپوزسیون به تناقض گویی منتظری؛ فردی به نام دکتر حسین عبقری ساکن آتلانتای آمریکا در مطلبی که در برخی سایت‌های اینترنتی اپوزسیون منتشر شده است، بانتقاد از اینکه طرفداران رفراندوم تغییر قانون اساسی برای تأیید اقدامات خود متوسل به استفتاء از روحانیونی نظیر منتظری شده‌اند، نوشت... چرا از آقای منتظری به عنوان یک مقام مذهبی راهنمایی می‌خواهیم. عبقری در ادامه مطلب خود با عنوان رفراندوم ملی و فتوای آیت الله منتظری زنگ خطر به آزادیخواهان ایران، افزوده است: مهم‌تر از پرسش راهنمایی‌طلبان، پاسخ آقای منتظری است که می‌گوید: انتخاب حاکم و تعیین اختیارات و نظارت بر رفتار وی حق مردم است و یکی از راه‌های انتخاب رفراندوم ملی و آزاد است. ملاحظه؛ گفتنی است تا کنون چند موضع متناقض از آقای منتظری در خصوص رفراندوم تغییر قانون اساسی منتشر شده‌است».

□ توضیح؛

نکات جالبی در خبر و ملاحظه بولتن سازان وجود دارد:

۱: در اینجا نه آدرس سایت آمده نه تاریخ آن.



۲: بولتن سازان با اپوزسیون خارج از کشور هم‌نوا شده‌اند - آنچه به واسطه آن بر مخالفان خود می‌تازند - هم تیپ و هم ضد انقلاب آیت الله منتظری را به تناقض گویی متهم می‌کنند.

۳: آیت الله منتظری در دو جا سخن از رفراندوم به میان آورده است:

الف: «در جهان پیشرفته امروز نظر اکثریت جامعه از اجتماعات خیابانی که با تبلیغات گوناگون تشکیل می‌شود به دست نمی‌آید، بلکه باید از راه رفراندوم ملی و آزاد و یا آمارگیری‌های معمول در جهان و یا نتایج انتخابات آزاد استفاده نمود». (دیدگاهها، ج ۱، ص ۶۳۴)

ب: «در غیر معصومین علیهم‌السلام ثبوت حاکمیت برای فرد و بقا و شکل آن تابع انتخاب و آرای مردم است، و انتخاب مردم یک زمان و قوانین مصوبه آنان برای نسل بعد اعتبار شرعی و قانونی ندارد. اینجانب بارها این مطلب را در کتابها و نوشته‌های خویش بیان کرده‌ام و مرحوم آیت الله خمینی پس از بازگشت به ایران در بهشت‌زهرها فرمودند: «پدران ما حق نداشتند سرنوشت ما را تعیین نمایند. تعیین سرنوشت هر نسلی در اختیار خود آن نسل است؛ و رفراندوم آزاد و ملی یکی از طرق انتخاب است، و تشخیص نظارت نهادهای بین‌المللی نیز حق خود مردم است. البته از نظر کتاب و سنت در حاکم منتخب مردم شرایطی معتبر است که مردم مسلمان و متعهد به اسلام طبعاً آنها را رعایت خواهند کرد». (همان، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳)

پس تناقضی در این میان وجود ندارد؛ جالب‌تر اینکه هم ضد انقلاب و هم معاونت سیاسی تیپ ۸۳، مطالب آیت الله منتظری را تحریف، و کم و زیاد کرده‌اند!!!

□□□

● بولتن جامعه مدرسین، ۲۴/۱۰/۸۳، ش ۸۶۸، ص ۲۴:

«آقای منتظری در روز مبعث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مصاحبه‌ای با یک خبرنگار ایتالیایی مدعی شد: من در کل با دخالت فقها در سیاست مخالفم و هر کس باید در تخصص خود فعالیت کند بنابر این فقیه نمی‌تواند متخصص در سیاست و کارهای دولتی باشد».

□ توضیح؛

عبارت فوق از جهاتی با متن اصلی همخوانی ندارد، اصل عبارت چنین است:

«ولایت مطلقه در قانون اساسی نبود بلکه در بازنگری اضافه شد و من به آن رأی ندادم».



اختیاراتی هم که در اصل ۱۱۰ به او داده شده برخی باید به رئیس قوه مجریه داده می‌شد، و نسبت به آنچه به او داده شده نیز باید پاسخگو باشد. حکومت فردی در دنیای امروز که تمام امکانات تحت اختیار یک نفر گذاشته شود و از او بازخواست نکنیم مواجه با شکست است. فقیه در فقه تخصص دارد نه در همه امور داخلی و خارجی».

(همان، ص ۲۵۳ - ۲۵۴)



● بولتن جامعه مدرسین، ۸۴/۳/۵، ش ۸۸۱، ص ۲۲:

«پشت رساله حقوق بشر آقای منتظری چه کسانی هستند؟ رساله‌ای در باره حقوق بشر توسط آیت الله منتظری با نام «رساله حقوق» انتشار یافته است. گفته می‌شود این رساله با توجه به درخواست حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب برای تبلیغات دکتر معین به تحریر درآمده است. برپایه این گزارش سازمان مجاهدین و حزب مشارکت با تأکید برداشتن پشتوانه آئینی تنها شخصی را که می‌توان هنجارشکنی داشته باشد آقای منتظری ارزیابی کرده و از وی خواسته‌اند به تنظیم این رساله بکوشد».



□ توضیح؛

الف: در باره تحلیل‌ها و از اخبار خلاف واقع یک مجموعه روحانی که آیت الله منتظری از اعضای مؤسس آن بوده و بزرگانی در آن عضویت دارند، جز اظهار تأسف چه می‌توان گفت. جامعه مدرسینی که بسیاری از بزرگان آن از شاگردان آیت الله منتظری بوده‌اند، چون: آقایان استادی، انصاری شیرازی، ثابتی، خاتمی، خلخالی، ربانی املشی، شرعی، عبداللهی، محفوظی، موسوی تبریزی، مؤمن(علی)، نیری، وافی، و...

آنچه که به عنوان رساله حقوق امروزه از آیت الله منتظری منتشر شده است، پدیده‌ای تازه از سوی ایشان نیست بلکه در پایان رساله توضیح المسائل ایشان در چاپ ۱۴ در سال ۱۳۷۵ در قسمت ملحقات آن درج شده است. سپس با توجه به ایده رعایت حقوق بشری ایشان - که بر



سر رعایت آن رهبری را رها کرد و از آن زمان تاکنون توان سختی را پس داد. این مطالب مختصر در مجموعه‌ای مبسوط‌تر در اوائل سال ۱۳۸۳ منتشر شد. در اینجا درخواستی از کسی صورت نگرفت تا سناریست‌های بی تقوای بولتن ساز حتی نوشتن کتابی علمی را ناشی از خط‌دهی دیگران جلوه دهند.

ب: بولتن سازان جامعه مدرسین نوشتن کتابی با محتوای حقوق انسان‌ها، «هنجارشکنی» توصیف کرده‌اند! گویا از دیدگاه آنان برداشت‌های حقوق بشری از کتاب و سنت یک ناهنجاری است و گویا اعتقاد برخی از اعضای جامعه مدرسین مبنی بر نبودن حقوقی برای بشر، هنجار محسوب می‌شود. این مباحث جایگاه خاص خود را داراست و جای آن در بولتن نیست. اما قطعاً نظریه رعایت حقوق بشر، بر عدم رعایت آن، به ویژه به استناد متون اصیل دینی، تقدم دارد و این نظریه از افتخارات مرجعیت شیعی است.

ج: ناچاراً یک ماه بعد بولتن سازان در ۸۴/۴/۲ در شماره ۸۸۳ این خبر را تکذیب کردند و از تکذیبیه مشخص شد که این تشکل مهم روحانی به راحتی گول بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، ش ۷۳ را خورده و بدون تحقیق و بررسی اقدام به چاپ آن در بولتن خویش کرده‌اند که این خود نشان از عدم استقلال بخش‌هایی از حوزه در بخش اطلاع‌رسانی را دارد! در دنیای رسانه و اطلاع‌رسانی ثانیه‌ای، نقل خبری کذب ناقلان را تبرئه نمی‌کند.



● بولتن تیپ ۸۳، ۸۴/۳/۲۹، ش ۳، ص ۳۳:

«آیت الله منتظری علت سکوت خود در مورد انتخابات را اعلام کرد؛ وی در گفتگو با خبرگزاری رویتر گفته است که به دلیل، تناقض در قانون اساسی قدرت در ایران بین چند نفر تقسیم شده است اما تمام مسؤولیت‌ها بر دوش رئیس جمهور نهاده و به همین دلیل است که جوانان ایرانی در انتخابات شرکت نخواهند کرد. وی تأکید کرد که نمی‌شود به کسی مسؤولیت داد اما قدرت نداد. وی در ادامه گفته است که نقش رهبر در ایران باید محدود به مسایل مذهبی و نظارت بر تطبیق قوانین با اسلام باشد».



توضیح؛

الف: عدم آگاهی اصحاب بولتن تیپ رزمی - تبلیغی ۸۳، از وجود خبرگزاری «رویترز» و تشابه با «رویتزر» باعث شده است گفتگو را با «رویتزر» بدانند!  
ب: با دقت در متن اصلی مشخص خواهد شد که عبارت فوق چگونه تحریف و به دلخواه نقل شده است:

«من تا حال در موضوع انتخابات ریاست جمهوری این دوره اظهار نظر نکرده‌ام، و علت آن و نیز علت سردی مردم این است که در قانون اساسی فعلی تضاد وجود دارد، از طرفی مسؤولیت‌های زیادی بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده، و از طرف دیگر اهرمهای قدرت در دست بالاترهاست و رئیس جمهور فاقد قدرت بر انجام مسؤولیت‌هایش می‌باشد. مسؤولیت باید با قدرت همراه باشد، نیروی نظامی و انتظامی و صدا و سیما باید در اختیار رئیس جمهور باشد و در عوض او در برابر مردم پاسخگو باشد. بنابراین در شرایط فعلی انتخاب رئیس جمهور با این همه توقعات مردم دردی از کشور دوا نمی‌کند. آدم عاقل کاری را که بی نتیجه است انجام نمی‌دهد. شما ملاحظه کردید آقای خاتمی با داشتن ۲۲ میلیون رأی مردم و امیدهای زیادی که همه به او داشتند بلکه بتواند خیلی از مشکلات را حل کند، در مقابل قدرت بالاترها نتوانست کاری انجام دهد، و حتی دو لایحه اصلاحیه‌ای که به مجلس برد آخرش مجبور شد آنها را پس بگیرد. در چنین وضعیتی واقعاً آیا رئیس جمهوری جز یک تدارکاتی برای مقامات بالا می‌باشد؟! به نظر من علت سردی مردم همین است.» (همان، ص ۴۱۵-۴۱۷)

□□□

● بولتن جامعه مدرسین، ۸۴/۴/۲، ش ۸۸۳:

«سفر مشکوک گنجی به قم؛ اکبر گنجی که برای درمان بیماری از زندان آزاد شده است، با مراجعه به منزل آقای منتظری در قم با وی دیدار و گفتگو کرد. احمد منتظری در خصوص این دیدار گفت: «این دیدار یک دیدار دوستانه بود و حرف خاصی در آن مطرح نشده است». معلوم نیست گنجی در سفر به قم چه هدفی را دنبال می‌کند؟ افراد مسؤول و سرشناس



برای دیدار به قم سفر می‌کنند و اینکه یک محکوم قضایی چنین ژست سیاسی گرفته جای تعجب است!».

توضیح؛

الف: با در اختیار داشتن دنیایی از شنود توسط نیروهای امنیتی، «سفر مشکوک» واژه‌ای بی معنی به نظر می‌رسد و متعلق به سال ۱۳۰۰ قمری یا ۱۶۰۰ میلادی است! جالب اینجاست اصحاب بولتن سفرهای آقای اکبر گنجی به کشورهای خارجی چون آمریکا و کانادا را، «سفر مشکوک» نامیده اما سفر به خانه چند مرجع تقلید که در بیخ گوششان نیروهای سپاه حضور دارند را با حساسیت زایدالوصفی برای خوانندگان خویش مشکوک قلمداد می‌کنند!

ب: چون بولتن سازان اعتقاد دارند: «افراد مسؤول و سرشناس برای دیدار به قم سفر می‌کنند» پیشنهاد می‌شود از این پس درب بیوت مراجع یک دژبان گذاشته شود تا افرادی که کارت شناسایی مبنی بر «افراد مسؤول» یا «سرشناس» دارند اجازه دیدار با مرجع خود را داشته باشند، و الاً سفرش مشکوک گزارش شود! شاید هم بهتر باشد برای صرفه جویی در وقت و انرژی‌های فسیلی، این افراد غیر سرشناس را از اول اتوبان قم - تهران برگردانیم! البته این پیشنهاد مشکوک چون باعث کساد بازار خیر سازان بولتنی می‌شود، غیرمسئولانه است! چون ما اصولاً با بریدن نان دیگران مخالفیم!

□□□

● بولتن جامعه مدرسین، ۸۵/۲/۲۱، ش ۹۱۲، ص ۲۹:

«ائتلاف بیوت آقایان منتظری و طاهری؛ اخیراً با هماهنگی بیت آقای منتظری و آیت الله طاهری اصفهانی یک انجمن فقهی با حضور گروهی از طلاب مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم و اصفهان به مدیریت آقای عبدالله نوری به منظور پاسخگویی و مقابله با اظهارات و تفکرات آیت الله مصباح یزدی تشکیل شده است. انجمن مورد بحث در شهرستان قم و اصفهان فعالیت خود را آغاز نموده است. آقایان محسن کدیور، محسن تبریزی، یوسفی‌اشکوری، احمد منتظری و... از اعضای اصلی و مؤسس انجمن مزبور می‌باشند که با اعلام موضوع تشکیل انجمن فوق به



نمایندگی خود در کلیه استانها از آنها خواسته تا مسائل فقهی مربوط به خبرگان رهبری را که توسط این گروه آماده می‌شود و عمدتاً در پاسخ به اظهارات و تفکرات آیت الله مصباح یزدی می‌باشد را به اطلاع دانشجویان، طلاب و روحانیون حوزه‌های علمیه استانهای مربوطه و عموم مردم برسانند».

□ توضیح؛

الف: خبر فوق از خبر نامه سیاسی مجلس شورای اسلامی با کد ۳۸۹ اخذ و در بولتن جامعه مدرسین درج شده است. این تشکیلات روحانی، حداقل می‌تواند اخباری را که درباره بزرگان حوزه منتشر می‌کند، نه به خاطر حرمت آن بزرگان بلکه برای حفظ حرمت و اعتبار خود، پس از تحقیق نسبت به درج خبر اقدام کنند بویژه اینکه خبر بوی تفرقه‌افکنی بدهد. البته بی‌خود هم نیست که، هر از چند گاهی «پرتو سخن» نشریه مؤسسه تحت اشراف آقای مصباح، بر خود واجب دانسته که اخبار و تحلیل‌های توهین آمیزی را درباره آیت الله منتظری منتشر کند، چون بالاخره اخبار تفرقه افکنانه باید تأثیر خود را بگذارد!

ب: آیت الله منتظری نیازی به تشکیل انجمنی برای پاسخ‌گویی به عقاید دیگران ندارد چونکه نظرات ایشان درباره حکومت اسلامی که در پاره‌ای از موارد با آقای مصباح - چون نظریه نصب یا انتخاب - در کتب فقهی ایشان آمده است، درباره حقوق بشر هم اختلاف نظرانی وجود دارد که نظرات هر دو در کتب منتشر شده در این باره آمده است. البته اوج‌گیری طرح نظرات آقای مصباح هنگامی بود که ایشان توسط یکی از مقامات به «تئورسین انقلاب» توصیف شد، البته پیش از آن بواسطه حضور یکی از نزدیکان ایشان در یکی از نهادهای نظامی به تدریج تفکرات ایشان مطرح شد، که اگر بر فرض توسط آیت الله منتظری هم چنین انجمنی راه‌اندازی می‌شد، در چنین نهادهایی بواسطه ممنوعیت انتشار نقد آقای مصباح، کاربرد نداشت. تازه اگر آقایان منتظری و طاهری قصد راه‌اندازی انجمن نقد آقای مصباح را داشتند، چرا در زمان قدرت اصلاح‌طلبان که مخالف نظرات آقای مصباح بودند، دست به چنین کاری نمی‌زدند و صبر کرده‌اند تا دولتی صددرصد مطابق میل آقای مصباح سرکار بیاید و تازه آقایان به فکر راه‌اندازی انجمن بیفتند؟! به نظر می‌رسد تفکرات جناب آقای مصباح نیازی به نقد انجمنی



نداشته باشد، چون خود به خود نظرات ایشان با رفتارهای برخی حاکمان و از آن مهم‌تر مردم - به‌ویژه انتخابات خبرگان آذر ۸۵ - در بوته نقد عملی و جدی قرار گرفت.

ب: سرانجام این خبر هم توسط مجمع محققین و مدرسین تکذیب شد و در تاریخ ۸۵/۳/۱۸ در بولتن شماره ۹۱۶ جامعه مدرسین به چاپ رسید!

ج: این خبر در روزنامه کیهان تحت ولایت برادر حسین شریعتمداری، در تاریخ ۸۵/۳/۷، با اختلافاتی تحت عنوان «کتابخانه سیاسی دوم» به چاپ رسیده است.

د: جالب اینکه بولتن سازان تیپ ۸۳، مستقر در معاونت سیاسی این تشکل نظامی حوزه، ترجیح دادند در تاریخ ۸۵/۳/۲۴ در شماره مسلسل ۱۳۴ بولتن خود این خبر را کمی خلاصه‌تر بیان کنند، به اینگونه:

«اخیراً با هماهنگی و هدایت بیوت آقایان منتظری و طاهری یک انجمن تحقیقی به ریاست عبدالله نوری و عضویت جمعی از طلاب و محققین حوزه علمیه اصفهان و قم به منظور مقابله با دیدگاه‌های آیت الله مصباح تشکیل شده است. اعضای اصلی این تشکل احمد منتظری، یوسفی اشکوری، و محسن کدیور هستند».



● بولتن جامعه مدرسین، ۸۵/۲/۲۱، ش ۹۱۳، ص ۲۴.

«چندی پیش ابراهیم یزدی سرکرده گروهک به اصطلاح نهضت آزادی، به محمد رضا حمسی سرپرست این گروهک در کرج مأموریت داده است تا با آقای منتظری ارتباط برقرار کرده و به وی خط سیاسی نماید. در این مدت حمسی دائماً به قم تردد داشته و در آن مجموعه با نیروهای معاند نظام از جمله دراویش نیز ارتباط برقرار کرده است. همچنین چندی قبل، دو تن از دراویش در منزل وی رؤیت شده‌اند».

□ توضیح؛

خبر فوق باز هم به دنبال همان سناریوی کهنه و نخ‌نمای اثر پذیری آیت الله منتظری است، فراموش نکرده‌ایم که در بولتن‌های بررسی شده اخباری درج شده بود که برخی از احزاب به



نیروهایشان سفارش کرده‌اند از آیت الله منتظری خط مشی سیاسی فراگیرند. در اینجا باز هم اظهار تأسف می‌کنیم از این جهت که بولتن فوق متعلق به تشکلی روحانی است که بزرگانی از اساتید اخلاق را در مجموعه خویش جای داده است و حال آنکه گاه و بی‌گاه بر طبل بی‌اخلاقی سیاسی می‌کوبد. قطعاً دامن بزرگان این مجموعه از این دروغ پردازی‌ها پاک خواهد بود به‌ویژه اگر به وظیفه الهی امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایند.

ما در اینجا توضیح بیشتر نمی‌دهیم تنها به دونا مه و توضیح درباره این خبر ساختگی توجه می‌کنیم؛

الف: نامه آقای ابولفضل بازرگان رئیس هیأت اجرایی نهضت آزادی ایران خطاب به آقای مشکینی در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۶ شماره ۱۹۶۹:

#### بسمه تعالی

حضرت آیت الله مشکینی، دبیر محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با سلام و آرزوی توفیق جلب رضای حق و خدمت به خلق در صفحه ۲۴ شماره ۹۱۳، مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۱ خبر نامه آن جامعه، مطلبی درج شده است مبنی بر اینکه از سوی نهضت آزادی ایران به آقای محمد رضا حمسی سرپرست واحد کرج مأموریت داده شده است که با حضرت آیت الله العظمی منتظری ارتباط برقرار کرده، به ایشان خط سیاسی نماید. نیز ادعا شده است که آقای حمسی با نیروهای معاند نظام در قم از جمله دراویش ارتباط برقرار کرده است. این خبر به کلی نادرست است و بنابر دلائل زیر تکذیب می‌شود:

۱- آقای حمسی سرپرست واحد کرج نیست

۲- به ایشان مأموریتی برای ارتباط با حضرت آیت الله منتظری یا دیگر شخصیت‌ها یا گروه‌ها در قم داده نشده است. شأن فقیه عالیقدر نیز اجل از آن است که از فرد یا گروهی خط‌پذیری کنند.

۳- اعضای از نهضت آزادی ایران در مسائل شرعی از حضرت آیت الله منتظری تقلید می‌کنند و ممکن است که در ارتباط با ایفای وظایف



شرعی‌شان به معظم له مراجعه کرده باشند. بدیهی است که هیچ منع قانونی یا شرعی برای این گونه مراجعات وجود ندارد. (...)

بدین وسیله از جنابعالی در خواست می‌شود که بر طبق قانون مطبوعات و اخلاق اسلامی دستور فرمایید که توضیحات بالا در اولین شماره آینده خبرنامه جامعه درج شود. ضمناً با توجه به مقام و منزلت حوزه علمیه قم، انتظار دارد که در انتشار این گونه اخبار دقت بیشتری مبذول گردد.

با تشکر و احترام، رئیس هیأت اجرایی، ابولفضل بازرگان.

ب: نامه آقای محمد رضا حمسی خطاب به آقای مشکینی در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۴:

#### به نام خدا

دبیر محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با سلام؛

در خبرنامه جامعه مدرسین به شماره ۹۱۳ در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۴ مطالبی در مورد اینجانب درج شده که لازم دانستم توضیحات زیر را جهت تنویر اذهان به اطلاع برسانم:

۱- اینجانب از سال‌های ۱۳۴۱ در سن ۱۳ سالگی این افتخار را داشته‌ام که از مریدان حضرت آیت الله منتظری باشم. به خصوص از سال ۱۳۴۳ که در زندان قزل قلعه هم بند معظم له و فرزند شهیدشان بودم، ارادتم بیشتر گردید. بدین جهت بارها از دور و نزدیک خدمت ایشان رسیده‌ام و در هیچ یک از ملاقاتها، مأموریتی از جانب تشکل مورد نظر در خبرنامه نداشتم و کرامت و شخصیت معظم له اجل از آن است که تحت تأثیر فرد یا گروهی قرار گیرد.

۲- فعالیت‌های این جانب در کرج و سایر نقاط، اجتماعی و غیر انتفاعی بوده و در غالب موارد فراتر از کادر تشکیلاتی جمعیت مورد نظر خبرنامه می‌باشد چه رسد به اینکه سرپرست این گروه در کرج باشم (...).

با احترام، محمد رضا حمسی.



\*\*\* □ □ □ \*\*\*

و سر انجام:

«ما آنچه شرط بلاغ بود گفتیم امیدواریم پند گیرنده‌ای باشد و از این پنجره رو به واقعیت بهره برد، ادامه «کسوف» در جلد دوم این نوشتار خواهد آمد، ان شاء الله»